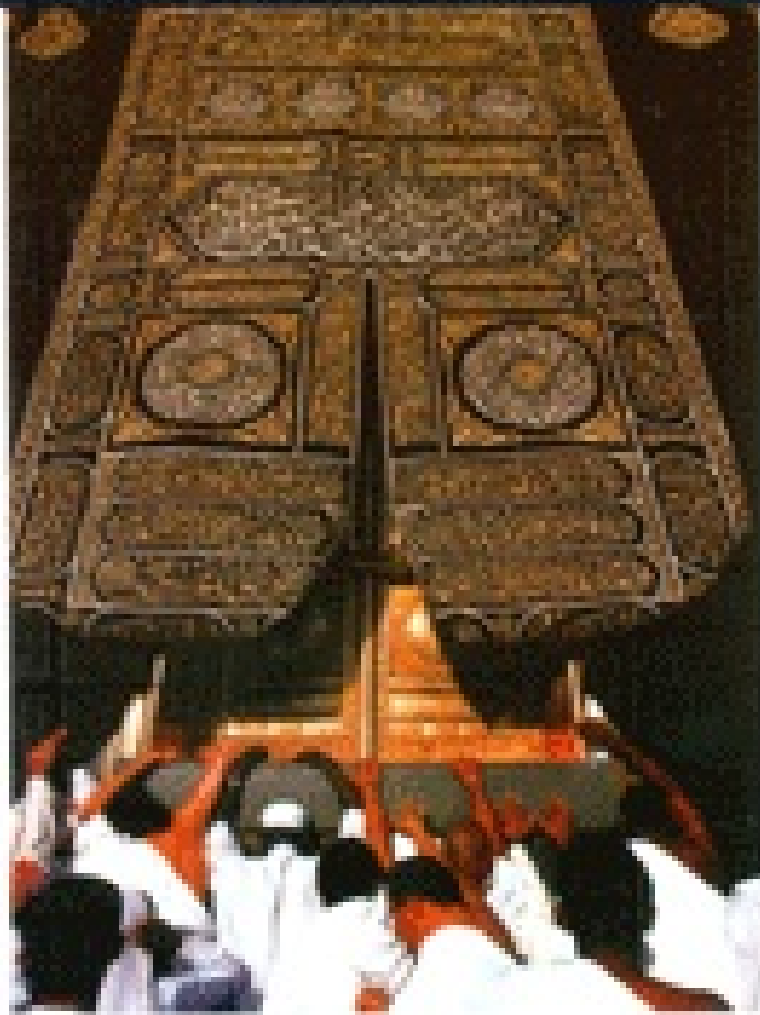


حناسك



در حضرت آية الله العظمى آية الله
عبدالمجيد خاينوري

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک زائر مرجع عالیقدر حضرت آیة الله شبیری زنجانی «مد ظلّه العالی»

نویسنده:

سید موسی شبیری زنجانی

ناشر چاپی:

شهاب‌الدین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۴۱	مناسک زائر مرجع عالیقدر حضرت آیه الله شبیری زنجانی «مد ظلّه العالی»
۴۱	مشخصات کتاب
۴۱	[مقدمه]
۴۲	بخش اول؛ مقدمات
۴۳	اشاره
۴۳	مسأله (۱): «آموختن احکام حج»
۴۳	مسأله (۲): «بقاء بر تقلید میت»
۴۳	مسأله (۳): «مخاطبین مناسک زائر»
۴۳	استطاعت
۴۳	مسأله (۴): «حجّه الاسلام»
۴۳	مسأله (۵): «شرایط وجوب حجّه الاسلام»
۴۳	مسأله (۶): «حجّه الاسلام، واجب فوری»
۴۳	مسأله (۷): «امور لازم در استطاعت»
۴۴	مسأله (۸): «کسانی که حج بر آنها واجب نیست»
۴۴	مسأله (۹): «حج کودک و غیر مستطیع»
۴۴	مسأله (۱۰): «استطاعت با دریافت طلب»
۴۴	مسأله (۱۱): «استطاعت با وام گرفتن»
۴۴	مسأله (۱۲): «استطاعت بدهکار خمس و زکات»
۴۴	مسأله (۱۳): «استطاعت بدهکار به مردم»
۴۵	مسأله (۱۴): «استطاعت با فروش اموال اضافی»
۴۵	مسأله (۱۵): «استطاعت با مال الاجاره»
۴۵	مسأله (۱۶): «استطاعت با تبدیل اموال به ارزان تر»

- مسأله (۱۷): «استطاعت با ارث» ۴۵
- مسأله (۱۸): «استطاعت با مهریه» ۴۵
- مسأله (۱۹): «لزوم پرداخت مهریه» ۴۵
- مسأله (۲۰): «اجازه شوهر در حج همسر» ۴۵
- مسأله (۲۱): «اخلال حج در زندگی» ۴۵
- مسأله (۲۲): «اخلال حج در شغل» ۴۶
- مسأله (۲۳): «ازدواج مانع استطاعت» ۴۶
- مسأله (۲۴): «استطاعت فرزند و همسر» ۴۶
- مسأله (۲۵): «استطاعت طلاب و دانشجویان» ۴۶
- مسأله (۲۶): «مستطیع مالی که از جهات غیر مالی استطاعت ندارد» ۴۶
- مسأله (۲۷): «لزوم ثبت نام بر مستطیع» ۴۶
- مسأله (۲۸): «استطاعت بیمار» ۴۶
- مسأله (۲۹): «مستطیعی که نمی‌تواند حج برود» ۴۶
- مسأله (۳۰): «مصرف کردن پول حج» ۴۷
- مسأله (۳۱): «پول قربانی، جزء استطاعت نیست» ۴۷
- مسأله (۳۲): «حج بذلی» ۴۷
- مسأله (۳۳): «مشکل در قبول هدیه حج» ۴۷
- مسأله (۳۴): «کفایت حج بذلی» ۴۷
- مسأله (۳۵): «قربانی و کفارات در حج بذلی» ۴۷
- مسأله (۳۶): «تهیه فیش آزاد» ۴۸
- مسأله (۳۷): «استطاعت حج در میقات» ۴۸
- مسأله (۳۸): «استطاعت کارکنان حج» ۴۸
- مسأله (۳۹): «حکم حج مستقر شده» ۴۸
- مسأله (۴۰): «تحقیق از استطاعت» ۴۸

- مسأله (۴۱): «حج با مال حرام» ۴۸
- مسأله (۴۲): «حج با مال خمس نداده» ۴۸
- مسأله (۴۳): «خمس هزینة حج» ۴۸
- مسأله (۴۴): «وصیت به حجة الاسلام» ۴۹
- مسأله (۴۵): «فوت مستطیع» ۴۹
- مسأله (۴۶): «بیماری یا فوت قبل از رسیدن نوبت» ۴۹
- مسأله (۴۷): «شک در استطاعت متوفی» ۴۹
- مسأله (۴۸): «وصیت به حج مستحب» ۴۹
- نیابت ۴۹
- مسأله (۴۹): «نیابت» ۴۹
- مسأله (۵۰): «نیابت در طواف مستحب» ۵۰
- مسأله (۵۱): «عمره و حج مستحبی به نیابت از آشنایان و ائمه معصومین علیهم السلام» ۵۰
- مسأله (۵۲): «شرایط نایب در حج و عمره» ۵۰
- مسأله (۵۳): «شرایط منوب عنه در حج و عمره» ۵۰
- مسأله (۵۴): «نیابت زن و مرد از یکدیگر» ۵۰
- مسأله (۵۵): «نایب شدن کسی که به حج نرفته» ۵۰
- مسأله (۵۶): «نیابت معذور» ۵۱
- مسأله (۵۷): «نیابت معذور از قرائت صحیح» ۵۱
- مسأله (۵۸): «نیابت با ارتکاب محرمات احرام» ۵۱
- مسأله (۵۹): «نیابت بانوان و خدمه» ۵۱
- مسأله (۶۰): «نیابت بانوانی که در شب، رمی می‌کنند» ۵۱
- مسأله (۶۱): «نایب، فتوای کدام مرجع را رعایت کند؟» ۵۱
- مسأله (۶۲): «قصد نایب» ۵۱
- مسأله (۶۳): «تیت نایب در طواف نساء» ۵۲

- مسأله (۶۴): «نیابت یک نفر از چند نفر» ۵۲
- مسأله (۶۵): «شُرکت دادن دیگران در مناسک مستحبّ» ۵۲
- مسأله (۶۶): «نیابت در اثناء انجام مناسک حجّ» ۵۲
- مسأله (۶۷): «برداشته شدن حج یا عمره از گردن منوب عنه» ۵۲
- مسأله (۶۸): «صحیح شمردن عمل نایب» ۵۲
- اقسام حج و عمره ۵۲
- مسأله (۶۹): «اقسام حج و عمره» ۵۲
- مسأله (۷۰): «حجّ تمتّع» ۵۳
- مسأله (۷۱): «حجّ افراد و قران» ۵۳
- مسأله (۷۲): «وظیفه بانوان در ایام پاکی» ۵۳
- مسأله (۷۳): «شک در عادت شدن» ۵۳
- مسأله (۷۴): «وظیفه بانوان در ایام عادت» ۵۳
- مسأله (۷۵): «شک در پاک شدن» ۵۳
- مسأله (۷۶): «تنگی وقت احرام عمره» ۵۴
- مسأله (۷۷): «حجّ واجب و تأخیر ورود مکه» ۵۴
- مسأله (۷۸): «حجّ مستحب و تأخیر ورود مکه» ۵۴
- مسأله (۷۹): «صورت حجّ افراد» ۵۴
- مسأله (۸۰): «عمره و حجّ کسی که قرائتش صحیح نیست» ۵۴
- عمره مفرده ۵۴
- مسأله (۸۱): «موارد وجوب عمره مفرده» ۵۴
- مسأله (۸۲): «استطاعتِ عمره مفرده» ۵۵
- مسأله (۸۳): «عمره الاسلام» ۵۵
- مسأله (۸۴): «وظیفه ساکنان مناطق دور» ۵۵
- مسأله (۸۵): «عمره مفرده برای نایب حجّ» ۵۵

- مسأله (۸۶): «عمره مفرده برای ورود مکه یا حرم» ۵۵
- مسأله (۸۷): «تبدیل حج تمتع به حج افراد» ۵۵
- مسأله (۸۸): «نذر عمره مفرده» ۵۵
- مسأله (۸۹): «قرارداد عمره مفرده» ۵۵
- مسأله (۹۰): «ابطال عمره مفرده» ۵۶
- مسأله (۹۱): «مناسک عمره مفرده» ۵۶
- مسأله (۹۲): «تفاوت عمره مفرده و عمره تمتع» ۵۶
- مسأله (۹۳): «طواف نساء در عمره مفرده» ۵۶
- مسأله (۹۴): «استحباب عمره مفرده» ۵۶
- مسأله (۹۵): «زمان انجام عمره مفرده» ۵۷
- مسأله (۹۶): «عمره مفرده قبل از طواف نساء» ۵۷
- مسأله (۹۷): «عمره مفرده به نیابت از دیگران» ۵۷
- مسأله (۹۸): «بیرون رفتن از مکه در عمره مفرده» ۵۷
- مسأله (۹۹): «قطع لبیک در عمره مفرده» ۵۷
- مسأله (۱۰۰): «استحباب تبدیل عمره مفرده به عمره تمتع» ۵۷
- بخش دوم؛ اعمال عمره تمتع ۵۸
- اشاره ۵۸
- مسأله (۱۰۱): «اعمال عمره تمتع» ۵۸
- مسأله (۱۰۲): «سیر اجمالی عمره تمتع» ۵۸
- مسأله (۱۰۳): «قصد قربت در مناسک حج» ۵۸
- مسأله (۱۰۴): «ارتباط عمره و حج تمتع» ۵۸
- مسأله (۱۰۵): «زمان عمره تمتع» ۵۸
- ۱ - احرام «اولین عمل عمره تمتع» ۵۸
- [۱ - ۱] میقات ۵۸

- مسأله (۱۰۶): «میقات» ۵۸
- مسأله (۱۰۷): «احرام از میقات» ۵۹
- مسأله (۱۰۸): «احرام از مسجد شجره» ۵۹
- مسأله (۱۰۹): «طهارت در احرام» ۵۹
- مسأله (۱۱۰): «احرام حائض» ۵۹
- مسأله (۱۱۱): «احرام از جُخفه» ۵۹
- مسأله (۱۱۲): «احرام از جدّه» ۶۰
- مسأله (۱۱۳): «احرام کسی که در مکه است» ۶۰
- مسأله (۱۱۴): «عبور از میقات» ۶۰
- مسأله (۱۱۵): «ورود مکه و حرم بدون احرام» ۶۰
- مسأله (۱۱۶): «راه شناخت میقات» ۶۰
- مسأله (۱۱۷): «واجبات احرام» ۶۰
- مسأله (۱۱۸): «سیر اجمالی احرام بستن» ۶۰
- مسأله (۱۱۹): «وجوب اتمام عمره و حج» ۶۱
- [۱ - ۲] غسل احرام ۶۱
- مسأله (۱۲۰): «غسل احرام» ۶۱
- مسأله (۱۲۱): «مکان غسل احرام» ۶۱
- مسأله (۱۲۲): «مبطلات غسل احرام» ۶۱
- [۱ - ۳] لباس احرام ۶۱
- مسأله (۱۲۳): «لباس احرام مردان» ۶۱
- مسأله (۱۲۴): «بیرون آوردن لباسهای معمولی» ۶۱
- مسأله (۱۲۵): «قصد قربت در پوشیدن لباس احرام» ۶۲
- مسأله (۱۲۶): «لباس احرام بانوان» ۶۲
- مسأله (۱۲۷): «ویژگیهای لباس احرام» ۶۲

- مسأله (۱۲۸): «تطهیر لباس و بدن محرم» ۶۲
- مسأله (۱۲۹): «نجاست بخشیده شده در لباس احرام» ۶۲
- مسأله (۱۳۰): «احرام در لباس خمس نداده» ۶۲
- مسأله (۱۳۱): «لباس، شرط صحت احرام نیست» ۶۲
- مسأله (۱۳۲): «کنار گذاشتن لباس احرام» ۶۲
- مسأله (۱۳۳): «بستن لباس احرام» ۶۳
- مسأله (۱۳۴): «پوشیدن بیش از دو جامه» ۶۳
- [۱ - ۴] نیت احرام ۶۳
- مسأله (۱۳۵): «امور معتبر در نیت» ۶۳
- مسأله (۱۳۶): «قصد تحریم و قصد پرهیز از محرمات» ۶۳
- مسأله (۱۳۷): «نیت در سایر مناسک حج» ۶۳
- مسأله (۱۳۸): «به زبان آوردن نیت» ۶۳
- [۱ - ۵] لبتیک گفتن ۶۴
- مسأله (۱۳۹): «سومین واجب احرام» ۶۴
- مسأله (۱۴۰): «یادگیری لبتیک» ۶۴
- مسأله (۱۴۱): «وظیفه کسی که نمی‌تواند لبتیک را صحیح بگوید» ۶۴
- مسأله (۱۴۲): «وقف به حرکت و وصل به سکون» ۶۴
- مسأله (۱۴۳): «ورود در احرام با لبتیک گفتن» ۶۴
- مسأله (۱۴۴): «مقدار واجب لبتیک» ۶۴
- مسأله (۱۴۵): «استحباب تکرار لبتیک و مقدار آن» ۶۴
- [۱ - ۶] نماز احرام ۶۵
- مسأله (۱۴۶): «نماز احرام» ۶۵
- [۱ - ۷] آداب و مستحبات احرام ۶۵
- [۱ - ۸] مکروهات احرام ۶۶

- [۱ - ۹] مُحَرَّمَاتِ احرام ۶۶
- ۶۶ مُحَرَّمَاتِ احرام
- ۶۷ برخی از مسائل محرمات
- ۶۷ مسأله (۱۴۷):
- ۶۷ مسأله (۱۴۸):
- ۶۷ مسأله (۱۴۹):
- ۶۸ مسأله (۱۵۰):
- ۶۸ (۱) - پوشیدن لباس معمولی (برای مردان)
- ۶۸ مسأله (۱۵۱): «پوشیدن لباسهای معمولی»
- ۶۸ مسأله (۱۵۲): «پوشیدن عبا»
- ۶۸ مسأله (۱۵۳): «استفاده از پتو و لحاف»
- ۶۸ مسأله (۱۵۴): «دوخته بودن لباس احرام»
- ۶۸ مسأله (۱۵۵): «لباس بانوان»
- ۶۸ مسأله (۱۵۶): «پوشیدن همیان و کمر بند»
- ۶۹ مسأله (۱۵۷): «کیسه خواب»
- ۶۹ مسأله (۱۵۸): «به دوش انداختن کیف دوخته»
- ۶۹ مسأله (۱۵۹): «به مچ بستن ساعت»
- ۶۹ مسأله (۱۶۰): «کفاره»
- ۶۹ (۲) - پوشیدن پاپوش (برای مردان)
- ۶۹ مسأله (۱۶۱): «پوشیدن پاپوش»
- ۶۹ مسأله (۱۶۲): «پوشیده شدن پا هنگام خواب»
- ۶۹ مسأله (۱۶۳): «پوشیده شدن پا با حوله بلند»
- ۷۰ مسأله (۱۶۴): «پوشیدن پاپوش برای زنان»
- ۷۰ مسأله (۱۶۵): «کفاره»

- ۷۰ (۳) - پوشاندن سر خود (برای مردان)
- ۷۰ مسأله (۱۶۶): «پوشاندن سر»
- ۷۰ مسأله (۱۶۷): «پوشاندن قسمتی از سر»
- ۷۰ مسأله (۱۶۸): «هنگام خواب»
- ۷۰ مسأله (۱۶۹): «پوشش غیر ثابت»
- ۷۱ مسأله (۱۷۰): «پوشاندن صورت»
- ۷۱ مسأله (۱۷۱): «پوشاندن سر با بدن»
- ۷۱ مسأله (۱۷۲): «پوشاندن سر با بند کیف»
- ۷۱ مسأله (۱۷۳): «پوشاندن سر در حال سردرد»
- ۷۱ مسأله (۱۷۴): «پوشاندن سر بدون توجه»
- ۷۱ مسأله (۱۷۵): «کفاره»
- ۷۱ (۴) - پوشاندن صورت خود (برای بانوان)
- ۷۱ مسأله (۱۷۶): «پوشاندن صورت»
- ۷۲ مسأله (۱۷۷): «هنگام خواب»
- ۷۲ مسأله (۱۷۸): «پوشش غیر ثابت»
- ۷۲ مسأله (۱۷۹): «پوشش صورت هنگام لباس پوشیدن»
- ۷۲ مسأله (۱۸۰): «پوشاندن صورت با بدن»
- ۷۲ مسأله (۱۸۱): «پوشش نماز»
- ۷۲ مسأله (۱۸۲): «پوشش از نامحرم»
- ۷۲ مسأله (۱۸۳): «ماسک زدن»
- ۷۳ مسأله (۱۸۴): «کفاره»
- ۷۳ (۵) - زیر سایبان حرکت کردن (برای مردان)
- ۷۳ مسأله (۱۸۵): «ماشین سقف‌دار و چتر»
- ۷۳ مسأله (۱۸۶): «سایبان ثابت»

- مسأله (۱۸۷): «عبور از تونل» ۷۳
- مسأله (۱۸۸): «سایبان در مکه و مواقف» ۷۳
- مسأله (۱۸۹): «سوار ماشین سقف دار شدن در مکه» ۷۴
- مسأله (۱۹۰): «در کنار ماشین» ۷۴
- مسأله (۱۹۱): «مشقت شدید» ۷۴
- مسأله (۱۹۲): «کفاره» ۷۴
- مسأله (۱۹۳): «کفاره» ۷۴
- (۶) - زینت کردن خود ۷۴
- مسأله (۱۹۴): «زینت کردن» ۷۴
- مسأله (۱۹۵): «سرمه کشیدن» ۷۵
- مسأله (۱۹۶): «رنگ کردن مو» ۷۵
- مسأله (۱۹۷): «حنا بستن» ۷۵
- مسأله (۱۹۸): «حرمت زینت بر زن و مرد» ۷۵
- مسأله (۱۹۹): «سرمه و حنا برای معالجه» ۷۵
- مسأله (۲۰۰): «نگاه کردن در آینه» ۷۵
- مسأله (۲۰۱): «عکس برداری» ۷۵
- مسأله (۲۰۲): «نگاه سهوی در آینه» ۷۶
- مسأله (۲۰۳): «کفاره» ۷۶
- (۷) - پوشیدن زیورآلات ۷۶
- مسأله (۲۰۴): «گوشواره و گردنبند» ۷۶
- مسأله (۲۰۵): «پوشیدن سایر زیورآلات» ۷۶
- مسأله (۲۰۶): «بیرون آوردن زیورآلات» ۷۶
- مسأله (۲۰۷): «عینک زدن» ۷۶
- مسأله (۲۰۸): «زیور پوشیدن مرد» ۷۶

- مسأله (۲۰۹): «کفاره» ۷۷
- (۸) - استفاده محرم از عطریات ۷۷
- مسأله (۲۱۰): «پرهیز از بوی خوش» ۷۷
- مسأله (۲۱۱): «استفاده از مشک و عود و زعفران» ۷۷
- مسأله (۲۱۲): «عطرهای امروزی» ۷۷
- مسأله (۲۱۳): «بوییدن و خوردن گل‌ها و سبزیجات خوشبو» ۷۷
- مسأله (۲۱۴): «خوردن میوه‌های خوشبو» ۷۷
- مسأله (۲۱۵): «صابونهای معطر» ۷۷
- مسأله (۲۱۶): «عطر کعبه و مسجد النبی صلی الله علیه و آله» ۷۸
- مسأله (۲۱۷): «رفتن به اماکن معطر» ۷۸
- مسأله (۲۱۸): «گرفتن بینی از بوی بد» ۷۸
- مسأله (۲۱۹): «کفاره» ۷۸
- (۹) - استفاده محرم از روغن ۷۸
- مسأله (۲۲۰): «روغن معطر» ۷۸
- مسأله (۲۲۱): «مالیدن روغن» ۷۸
- مسأله (۲۲۲): «روغن مالی قبل از احرام» ۷۸
- مسأله (۲۲۳): «مالیدن پماد برای درمان» ۷۹
- مسأله (۲۲۴): «خوردن غذای چرب» ۷۹
- مسأله (۲۲۵): «کفاره خوردن روغن معطر» ۷۹
- مسأله (۲۲۶): «کفاره مالیدن روغن» ۷۹
- (۱۰) - بیرون آوردن خون از بدن خود ۷۹
- مسأله (۲۲۷): «بیرون آوردن خون» ۷۹
- مسأله (۲۲۸): «کشیدن دندان» ۷۹
- مسأله (۲۲۹): «مسواک زدن» ۸۰

- مسأله (۲۳۰): «تزریق آمپول» ۸۰
- مسأله (۲۳۱): «برای درمان» ۸۰
- مسأله (۲۳۲): «خون آمدن هنگام سر تراشیدن» ۸۰
- مسأله (۲۳۳): «کفاره» ۸۰
- (۱۱) - گرفتن ناخن خود ۸۰
- مسأله (۲۳۴): «ناخن گرفتن» ۸۰
- مسأله (۲۳۵): «گرفتن ناخن در ناچاری» ۸۰
- مسأله (۲۳۶): «کفاره» ۸۰
- (۱۲) - جدا کردن مو از بدن خود یا دیگری ۸۱
- مسأله (۲۳۷): «انواع جدا کردن مو» ۸۱
- مسأله (۲۳۸): «کنده شدن مو هنگام غسل و وضو» ۸۱
- مسأله (۲۳۹): «خاراندن و شانه کردن مو» ۸۱
- مسأله (۲۴۰): «کفاره» ۸۱
- (۱۳) - کشتن و انداختن جانوران بدن ۸۱
- مسأله (۲۴۱): «کشتن جانوران بدن» ۸۱
- مسأله (۲۴۲): «انداختن جانوران بدن» ۸۱
- مسأله (۲۴۳): «کفاره کشتن و انداختن شپش» ۸۲
- مسأله (۲۴۴): «کفاره سایر جانوران» ۸۲
- (۱۴) - دروغ و دشنام و فخرفروشی ۸۲
- مسأله (۲۴۵): «موارد فسوق» ۸۲
- مسأله (۲۴۶): «حرمت دروغ و دشنام» ۸۲
- مسأله (۲۴۷): «دستور دادن محرم» ۸۲
- مسأله (۲۴۸): «کفاره» ۸۲
- (۱۵) - قسم خوردن به خداوند متعال ۸۲

- مسأله (۲۴۹): «جدال» ۸۲
- مسأله (۲۵۰): «انواع قسم به خدا» ۸۳
- مسأله (۲۵۱): «قسم به غیر خدا» ۸۳
- مسأله (۲۵۲): «قسم‌های روزمره» ۸۳
- مسأله (۲۵۳): «کفاره» ۸۳
- (۱۶) - بهره‌گیری شهوانی زن و مرد از یکدیگر ۸۳
- مسأله (۲۵۴): «التذاذ جنسی» ۸۳
- مسأله (۲۵۵): «ارتباط عادی محرم با همسر» ۸۳
- مسأله (۲۵۶): «ارتباط محرم با محارم» ۸۴
- مسأله (۲۵۷): «کفاره» ۸۴
- (۱۷) - عقد کردن و شاهد عقد شدن ۸۴
- مسأله (۲۵۸): «عقد کردن و شاهد عقد شدن» ۸۴
- مسأله (۲۵۹): «خواستگاری» ۸۴
- مسأله (۲۶۰): «شهادت دادن بر عقد» ۸۴
- مسأله (۲۶۱): «حرام ابدی» ۸۴
- (۱۸) - استمناء ۸۴
- مسأله (۲۶۲): «استمناء» ۸۵
- (۱۹) - شکار حیوانات وحشی صحرائی ۸۵
- مسأله (۲۶۳): «شکار صحرائی وحشی» ۸۵
- مسأله (۲۶۴): «پرنندگان و ملخ» ۸۵
- مسأله (۲۶۵): «شکار دریایی و ذبح حیوان اهلی» ۸۵
- مسأله (۲۶۶): «کشتن زنبور و مگس» ۸۵
- مسأله (۲۶۷): «کشتن مگس» ۸۵
- مسأله (۲۶۸): «کفاره» ۸۵

- ۸۶ (۲۰) - مسلح بودن
- ۸۶ مسأله (۲۶۹): «مسلح بودن»
- ۸۶ [۱ - ۱۰] احکام عمومی کفاره محرمات احرام
- ۸۶ مسأله (۲۷۰): «صورت اشتباه یا ندانستن مسأله کفاره ندارد»
- ۸۶ مسأله (۲۷۱): «مکان قربانی کفاره»
- ۸۶ مسأله (۲۷۲): «شرایط قربانی کفاره»
- ۸۶ مسأله (۲۷۳): «مصرف قربانی کفاره»
- ۸۶ [۱ - ۱۱] احکام حرم
- ۸۶ مسأله (۲۷۴): «حدود حرم»
- ۸۶ مسأله (۲۷۵): «ورود به حرم»
- ۸۷ مسأله (۲۷۶): «شکار در حرم»
- ۸۷ مسأله (۲۷۷): «کندن درخت و گیاه حرم»
- ۸۷ مسأله (۲۷۸): «راه رفتن عادی»
- ۸۷ [۱ - ۱۲] آداب ورود به حرم
- ۸۷ [۱ - ۱۳] آداب و مستحبات مسجدالحرام
- ۸۷ آداب
- ۸۸ «تذکر مهم»
- ۸۸ ۲ - طواف «دومین عمل عمره تمتع»
- ۸۹ [مسائل]
- ۸۹ مسأله (۲۷۹): «دومین عمل عمره تمتع»
- ۸۹ مسأله (۲۸۰): «آغاز وقت طواف عمره تمتع»
- ۸۹ مسأله (۲۸۱): «پایان وقت طواف»
- ۸۹ مسأله (۲۸۲): «ترک عمدی طواف»
- ۸۹ مسأله (۲۸۳): «فراموشی طواف»

- مسأله (۲۸۴): «فراموشی بخشی از طواف» ۸۹
- مسأله (۲۸۵): «شک در طواف بعد از انصراف» ۹۰
- مسأله (۲۸۶): «شک در طواف در حال نماز» ۹۰
- مسأله (۲۸۷): «امور لازم در طواف» ۹۰
- اشاره ۹۰
- ۱ - نیت ۹۱
- مسأله (۲۸۸): «قصد قربت» ۹۱
- مسأله (۲۸۹): «به زبان آوردن نیت» ۹۱
- مسأله (۲۹۰): «نیت قبل از حجرا لاسود» ۹۱
- مسأله (۲۹۱): «ریا در عبادات» ۹۱
- ۲ - پاک بودن از حدث اکبر و اصغر ۹۱
- مسأله (۲۹۲): «طهارت از حدث» ۹۱
- مسأله (۲۹۳): «طهارت در اعمال عمره و حج» ۹۱
- مسأله (۲۹۴): «طهارت در طواف واجب و مستحب» ۹۲
- مسأله (۲۹۵): «تیمم به جای وضو یا غسل» ۹۲
- مسأله (۲۹۶): «کفایت غسل از وضو» ۹۲
- مسأله (۲۹۷): «شک در حدث» ۹۲
- مسأله (۲۹۸): «شک در طهارت» ۹۲
- مسأله (۲۹۹): «شک در طهارت بعد از طواف» ۹۲
- مسأله (۳۰۰): «حدث در اثناء طواف» ۹۲
- مسأله (۳۰۱): «قرص خوردن بانوان» ۹۳
- ۳ - پاک بودن بدن و لباس @@@ ۹۳
- مسأله (۳۰۲): «پاکی بدن و لباس» ۹۳
- مسأله (۳۰۳): «نجاست در اثناء طواف» ۹۳

- مسأله (۳۰۴): «طواف با نجاست بخشوده شده در نماز» ۹۳
- مسأله (۳۰۵): «همراه داشتن چیز نجس» ۹۳
- مسأله (۳۰۶): «شک در پاکی لباس و بدن» ۹۳
- ۴ - ختنه (برای مردان) ۹۴
- مسأله (۳۰۷): «ختنه برای مردان» ۹۴
- ۵ و ۶ - شروع از حجرالاسود و ختم به آن ۹۴
- مسأله (۳۰۸): «آغاز و پایان طواف» ۹۴
- ۷ - طواف در جهتی باشد که خانه خدای سمت چپ او قرار گیرد. ۹۴
- مسأله (۳۰۹): «مسیر طواف» ۹۴
- مسأله (۳۱۰): «برگرداندن صورت» ۹۴
- مسأله (۳۱۱): «طواف رو به کعبه» ۹۴
- مسأله (۳۱۲): «تند و کند رفتن» ۹۴
- مسأله (۳۱۳): «بوسیدن خانه خدا» ۹۴
- ۸ - از بیرون حجر اسماعیل طواف کردن ۹۵
- مسأله (۳۱۴): «طواف کردن دور حجر اسماعیل» ۹۵
- مسأله (۳۱۵): «دست گذاردن روی دیوار حجر» ۹۵
- ۹ - در فاصله مقام ابراهیم علیه السلام طواف کردن ۹۵
- مسأله (۳۱۶): «محدوده مطاف در شرایط عادی» ۹۵
- مسأله (۳۱۷): «محدوده طواف در طرف حجر اسماعیل» ۹۵
- مسأله (۳۱۸): «تأخیر طواف برای رعایت محدوده» ۹۵
- مسأله (۳۱۹): «رعایت محدوده مقام برای ناتوان‌ها» ۹۵
- مسأله (۳۲۰): «محدوده مطاف در ایام شلوغ» ۹۶
- مسأله (۳۲۱): «طواف در طبقه دوم» ۹۶
- ۱۰ - وارد کعبه نشدن ۹۶

- ۹۶ مسأله (۳۲۲): «ورود کعبه»
- ۹۶ مسأله (۳۲۳): «طواف روی شاذروان»
- ۹۶ ۱۱ - هفت عدد بودن تعداد دورها
- ۹۶ مسأله (۳۲۴): «تعداد دورها»
- ۹۶ مسأله (۳۲۵): «شروع قبل از حجرالاسود»
- ۹۷ مسأله (۳۲۶): «تکرار قسمتی از طواف»
- ۹۷ مسأله (۳۲۷): «اضافه کردن بر هفت دور»
- ۹۷ مسأله (۳۲۸): «ترک قسمتی از وسط طواف»
- ۹۷ مسأله (۳۲۹): «ناقص ماندن طواف»
- ۹۷ ۱۲ - رعایت موالات بین اجزاء طواف
- ۹۷ مسأله (۳۳۰): «موالات در طواف»
- ۹۷ مسأله (۳۳۱): «موارد جواز قطع طواف»
- ۹۸ مسأله (۳۳۲): «استراحت در اثناء طواف»
- ۹۸ مسأله (۳۳۳): «قطع دلخواه طواف»
- ۹۸ مسأله (۳۳۴): «رها کردن موقت طواف»
- ۹۸ مسأله (۳۳۵): «نقص سهوی طواف»
- ۹۸ مسأله (۳۳۶): «حکم قطع طواف در موارد خاص»
- ۹۸ مسأله (۳۳۷): «از سرگیری طواف»
- ۹۸ ۱۳ - با اختیار طواف کردن
- ۹۸ مسأله (۳۳۸): «اختیار در طواف»
- ۹۹ مسأله (۳۳۹): «طواف ناتوان‌ها»
- ۹۹ ۱۴ - ترتیب بین اجزاء طواف
- ۹۹ مسأله (۳۴۰): «ترتیب بین اجزاء»
- ۹۹ ۱۵ - اطمینان به عدد دورها

- ۹۹ مسأله (۳۴۱): «اطمینان به تعداد دورها»
- ۹۹ مسأله (۳۴۲): «گمان در عدد دورها»
- ۹۹ مسأله (۳۴۳): «اعتماد به شمارش دیگری»
- ۹۹ ۱۶ - بدون نقاب بودن بانوان
- ۹۹ مسأله (۳۴۴): «نقاب بانوان»
- ۹۹ احکام متفرقه طواف
- ۱۰۰ مسأله (۳۴۵): «پوشش طواف کننده»
- ۱۰۰ مسأله (۳۴۶): «پوشش، شرط صحت طواف نیست»
- ۱۰۰ مسأله (۳۴۷): «پوشیدن لباس حرام»
- ۱۰۰ مسأله (۳۴۸): «ترک لباس احرام در طواف»
- ۱۰۰ مسأله (۳۴۹): «صحبت در حال طواف»
- ۱۰۰ مسأله (۳۵۰): «نگاه و تماس با نامحرم»
- ۱۰۰ مسأله (۳۵۱): «استراحت در طواف»
- ۱۰۰ مسأله (۳۵۲): «همراه داشتن پول خمس نداده»
- ۱۰۱ طواف مستحب
- ۱۰۱ مسأله (۳۵۳): «طواف مستحب»
- ۱۰۱ مسأله (۳۵۴): «کیفیت طواف مستحب»
- ۱۰۱ مسأله (۳۵۵): «طواف به نیابت»
- ۱۰۱ مسأله (۳۵۶): «نیابت از حضرات معصومین علیهم‌السلام»
- ۱۰۱ مسأله (۳۵۷): «طواف برای چند نفر»
- ۱۰۱ مسأله (۳۵۸): «طواف مستحب در اثناء عمره یا حج تمتع»
- ۱۰۱ مسأله (۳۵۹): «طواف مستحب در اثناء عمره مفرده یا حج افراد»
- ۱۰۲ مسأله (۳۶۰): «طهارت در طواف مستحب»
- ۱۰۲ مسأله (۳۶۱): «مکان نماز طواف مستحب»

- مسأله (۳۶۲): «شک در طواف مستحب و نماز آن» ۱۰۲
- مسأله (۳۶۳): «رها کردن طواف مستحب» ۱۰۲
- مسأله (۳۶۴): «پی در پی بودن طواف مستحب» ۱۰۲
- مسأله (۳۶۵): «رعایت کردن حجاج» ۱۰۲
- آداب و مستحبات طواف ۱۰۲
- ۳ - نماز طواف «سومین عمل عمره تمتع» ۱۰۳
- مسائل ۱۰۳
- مسأله (۳۶۶): «سومین عمل عمره تمتع» ۱۰۳
- مسأله (۳۶۷): «کیفیت نماز طواف» ۱۰۴
- مسأله (۳۶۸): «حمد و سوره در نماز طواف» ۱۰۴
- مسأله (۳۶۹): «فاصله طواف و نماز» ۱۰۴
- مسأله (۳۷۰): «مکان نماز طواف» ۱۰۴
- مسأله (۳۷۱): «نماز هنگام ازدحام» ۱۰۴
- مسأله (۳۷۲): «نماز مردان و بانوان در کنار هم» ۱۰۴
- مسأله (۳۷۳): «سجده بر سنگ‌های مسجد» ۱۰۴
- مسأله (۳۷۴): «جماعت در نماز طواف» ۱۰۴
- مسأله (۳۷۵): «یادگیری نماز» ۱۰۵
- مسأله (۳۷۶): «تأخیر طواف برای تصحیح قرائت» ۱۰۵
- مسأله (۳۷۷): «کسی که قرائتش غلط است» ۱۰۵
- مسأله (۳۷۸): «کوتاهی در تصحیح قرائت» ۱۰۵
- مسأله (۳۷۹): «فراموشی نماز طواف» ۱۰۵
- مسأله (۳۸۰): «نماز طواف در غیر مقام» ۱۰۶
- مسأله (۳۸۱): «شک در رکعات نماز طواف» ۱۰۶
- مسأله (۳۸۲): «شک در افعال نماز طواف» ۱۰۶

- مسأله (۳۸۳): «شک در صحت اجزاء نماز طواف» ۱۰۶
- آداب و مستحبات نماز طواف ۱۰۶
- ۴ - سعی «چهارمین عمل عمره تمتع» ۱۰۷
- مسائل ۱۰۷
- مسأله (۳۸۴): «چهارمین عمل عمره تمتع» ۱۰۷
- مسأله (۳۸۵): «سعی، رکن عمره» ۱۰۷
- مسأله (۳۸۶): «سعی مستحب نداریم» ۱۰۷
- مسأله (۳۸۷): «امور لازم در سعی» ۱۰۷
- اشاره ۱۰۷
- ۱ - ترتیب بین طواف و سعی ۱۰۸
- مسأله (۳۸۸): «سعی بعد از طواف» ۱۰۸
- ۲ - فاصله سعی از طواف ۱۰۸
- مسأله (۳۸۹): «زمان سعی» ۱۰۸
- ۳ - نیت سعی ۱۰۸
- مسأله (۳۹۰): «قصد قربت» ۱۰۸
- مسأله (۳۹۱): «به زبان آوردن نیت» ۱۰۸
- ۴ و ۵ - شروع از صفا و ختم به مروه ۱۰۸
- مسأله (۳۹۲): «آغاز و پایان سعی» ۱۰۸
- مسأله (۳۹۳): «اشتباه در نقطه شروع سعی» ۱۰۸
- مسأله (۳۹۴): «سعی در طبقه فوقانی» ۱۰۹
- ۶ - هفت عدد بودن تعداد دورها ۱۰۹
- مسأله (۳۹۵): «تعداد دورها» ۱۰۹
- مسأله (۳۹۶): «زیادی عمدی در سعی» ۱۰۹
- مسأله (۳۹۷): «زیادی سهوی در سعی» ۱۰۹

- مسأله (۳۹۸): «تکرار قسمتی از سعی» ۱۰۹
- مسأله (۳۹۹): «کم کردن از سعی» ۱۰۹
- ۷ - بین دو کوه بودن در حال سعی ۱۰۹
- مسأله (۴۰۰): «بیرون رفتن از سعی» ۱۰۹
- مسأله (۴۰۱): «برگرداندن صورت» ۱۰۹
- ۸ - رعایت موالات عرفی بین اجزاء سعی ۱۱۰
- مسأله (۴۰۲): «قطع سعی» ۱۱۰
- مسأله (۴۰۳): «از بین رفتن موالات عرفی» ۱۱۰
- مسأله (۴۰۴): «توقف طولانی در صفا و مروه» ۱۱۰
- مسأله (۴۰۵): «موارد قطع سعی» ۱۱۰
- مسأله (۴۰۶): «حکم قطع سعی» ۱۱۰
- مسأله (۴۰۷): «از سر گیری سعی» ۱۱۰
- مسأله (۴۰۸): «خوردن در اثناء سعی» ۱۱۰
- مسأله (۴۰۹): «استراحت در اثناء سعی» ۱۱۰
- ۹ - اطمینان به عدد اشواط ۱۱۱
- مسأله (۴۱۰): «شک در تعداد دورها» ۱۱۱
- مسأله (۴۱۱): «اطمینان به شمارش دیگری» ۱۱۱
- مسأله (۴۱۲): «گمان در عدد دورها» ۱۱۱
- مسأله (۴۱۳): «شک در تعداد دورها» ۱۱۱
- مسأله (۴۱۴): «شک در تعداد دورها بین سعی و تقصیر» ۱۱۱
- مسأله (۴۱۵): «شک در سعی بعد از تقصیر» ۱۱۲
- ۱۰ - با اختیار سعی کردن ۱۱۲
- مسأله (۴۱۶): «با اختیار، سعی کردن» ۱۱۲
- مسأله (۴۱۷): «سعی ناتوانها» ۱۱۲

- ۱۱ - رعایت ترتیب بین اجزاء سعی ۱۱۲
- مسأله (۴۱۸): «رعایت ترتیب بین سعی» ۱۱۲
- احکام متفرقه سعی @@@ ۱۱۲
- مسأله (۴۱۹): «وضو و طهارت بدن و لباس» ۱۱۲
- مسأله (۴۲۰): «سعی حائض» ۱۱۲
- مسأله (۴۲۱): «پوشش سعی کننده» ۱۱۳
- مسأله (۴۲۲): «نگاه و تماس با نامحرم» ۱۱۳
- مسأله (۴۲۳): «سعی با لباس حرام» ۱۱۳
- مسأله (۴۲۴): «همراه داشتن پول خمس نداده» ۱۱۳
- مسأله (۴۲۵): «از سرگیری سعی» ۱۱۳
- مسأله (۴۲۶): «حلال شدن محرمات بعد از تقصیر» ۱۱۳
- آداب و مستحبات سعی ۱۱۳
- ۵ - تقصیر «آخرین عمل عمره تمتع» ۱۱۵
- تقصیر ۱۱۵
- مسأله (۴۲۷): «آخرین عمل عمره تمتع» ۱۱۵
- مسأله (۴۲۸): «مقدار تقصیر» ۱۱۵
- مسأله (۴۲۹): «خروج از احرام» ۱۱۵
- مسأله (۴۳۰): «طواف نساء در عمره تمتع» ۱۱۵
- مسأله (۴۳۱): «تراشیدن سر» ۱۱۵
- مسأله (۴۳۲): «فاصله زمانی سعی و تقصیر» ۱۱۵
- مسأله (۴۳۳): «مکان تقصیر» ۱۱۵
- مسأله (۴۳۴): «تقصیر بانوان» ۱۱۶
- مسأله (۴۳۵): «تقصیر کردن برای دیگری» ۱۱۶
- مسأله (۴۳۶): «تقصیر توسط شخص دیگر» ۱۱۶

- مسأله (۴۳۷): «ترک عمدی تقصیر» ۱۱۶
- مسأله (۴۳۸): «فراموشی تقصیر» ۱۱۶
- از تقصیر تا احرام حج ۱۱۶
- مسأله (۴۳۹): «سر تراشیدن مردان» ۱۱۶
- مسأله (۴۴۰): «حرام بودن محرمات حرم» ۱۱۶
- مسأله (۴۴۱): «انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع» ۱۱۷
- مسأله (۴۴۲): «انجام عمره مفرده قبل از عمره تمتع و بعد از حج تمتع» ۱۱۷
- مسأله (۴۴۳): «خروج از مکه بین عمره و حج تمتع» ۱۱۷
- مسأله (۴۴۴): «خروج عمدی، مبطل عمره» ۱۱۷
- مسأله (۴۴۵): «رفتن به غار حرا و غار ثور» ۱۱۷
- مسأله (۴۴۶): «ارتباط عمره و حج تمتع» ۱۱۷
- بخش سوم؛ اعمال حج تمتع ۱۱۷
- اعمال حج تمتع ۱۱۷
- ۱ - احرام؛ «اولین عمل حج تمتع» ۱۱۷
- مسأله (۴۴۷): «اولین عمل حج» ۱۱۷
- مسأله (۴۴۸): «زمان احرام» ۱۱۸
- مسأله (۴۴۹): «مکان احرام» ۱۱۸
- مسأله (۴۵۰): «احرام بستن از مناطق جدید مکه» ۱۱۸
- مسأله (۴۵۱): «نیت احرام» ۱۱۸
- مسأله (۴۵۲): «لبیک واجب» ۱۱۸
- مسأله (۴۵۳): «محرمات احرام» ۱۱۸
- مسأله (۴۵۴): «ماشین سقف‌دار» ۱۱۸
- مسأله (۴۵۵): «تکرار تلبیه» ۱۱۹
- مسأله (۴۵۶): «ترک احرام بدون عذر» ۱۱۹

- ۱۱۹ مسأله (۴۵۷): «فراموشی احرام حج»
- ۱۱۹ اشاره
- ۱۱۹ اول:
- ۱۱۹ دوم:
- ۱۱۹ سوم:
- ۱۱۹ چهارم:
- ۱۲۰ ۲ - وقوف در عرفات؛ «دومین عمل حج تمتع»
- ۱۲۰ مسائل
- ۱۲۰ مسأله (۴۵۸): «دومین عمل حج»
- ۱۲۰ مسأله (۴۵۹): «معنای وقوف»
- ۱۲۱ مسأله (۴۶۰): «نیت وقوف»
- ۱۲۱ مسأله (۴۶۱): «زمان وقوف»
- ۱۲۱ مسأله (۴۶۲): «تأخیر وقوف از ظهر عرفه»
- ۱۲۱ مسأله (۴۶۳): «وقوف در عرفات رکن حج»
- ۱۲۱ مسأله (۴۶۴): «کوچ کردن قبل از مغرب»
- ۱۲۱ مسأله (۴۶۵): «وقوف اضطراری عرفات»
- ۱۲۱ مسأله (۴۶۶): «وضو و طهارت بدن و لباس»
- ۱۲۲ مسأله (۴۶۷): «ذکر و دعا در عرفات»
- ۱۲۲ مسأله (۴۶۸): «خوابیدن در عرفات»
- ۱۲۲ مسأله (۴۶۹): «حدود عرفات»
- ۱۲۲ مسأله (۴۷۰): «رفتن بالای جَبَلِ الرَّحْمَةِ»
- ۱۲۲ مسأله (۴۷۱): «ثبوت هلال نزد قاضی عامه»
- ۱۲۲ آداب و مستحبات وقوف در عرفات
- ۱۲۴ در راه مشعر

- ۳ - وقوف در مشعرالحرام؛ «سومین عمل حج تمتع» ۱۲۵
- مسائل ۱۲۵
- مسأله (۴۷۲): «سومین عمل حج» ۱۲۵
- مسأله (۴۷۳): «شب ماندن در مشعر» ۱۲۵
- مسأله (۴۷۴): «زمان وقوف» ۱۲۵
- مسأله (۴۷۵): «تأخیر وقوف از طلوع فجر» ۱۲۵
- مسأله (۴۷۶): «کوچ کردن قبل از طلوع آفتاب» ۱۲۵
- مسأله (۴۷۷): «وقوف در مشعر رکن حج» ۱۲۵
- مسأله (۴۷۸): «وقوف اضطراری مشعر» ۱۲۵
- مسأله (۴۷۹): «وضو و طهارت بدن و لباس» ۱۲۶
- مسأله (۴۸۰): «ذکر در مشعرالحرام» ۱۲۶
- مسأله (۴۸۱): «ذکر به زبان» ۱۲۶
- مسأله (۴۸۲): «وقوف ناتوانان» ۱۲۶
- مسأله (۴۸۳): «وقوف بانوان و بیماران» ۱۲۶
- مسأله (۴۸۴): «وقوف همراهان بانوان و بیماران» ۱۲۷
- آداب و مستحبات وقوف در مشعر الحرام ۱۲۷
- در راه منا ۱۲۷
- ۴ - رمی جَمَره عَقَبه؛ «چهارمین عمل حج تمتع» ۱۲۷
- مسائل ۱۲۷
- مسأله (۴۸۵): «کوچ کردن از مشعر» ۱۲۷
- مسأله (۴۸۶): «اعمال منا» ۱۲۸
- مسأله (۴۸۷): «جمرات» ۱۲۸
- مسأله (۴۸۸): «اولین عمل روز عید قربان» ۱۲۸
- مسأله (۴۸۹): «نیت رمی» ۱۲۸

- مسأله (۴۹۰): «چگونه سنگ بزیم؟» ۱۲۸
- مسأله (۴۹۱): «موالات در رمی» ۱۲۸
- مسأله (۴۹۲): «برخورد ریگ‌ها» ۱۲۸
- مسأله (۴۹۳): «شک در تعداد» ۱۲۹
- مسأله (۴۹۴): «شرایط سنگ‌ها» ۱۲۹
- مسأله (۴۹۵): «مباح بودن ریگ‌ها» ۱۲۹
- مسأله (۴۹۶): «بهترین مکان برای جمع‌آوری سنگ‌ها» ۱۲۹
- مسأله (۴۹۷): «ریگ‌های ریخته شده در مکه و مشاعر» ۱۲۹
- مسأله (۴۹۸): «سنگ زدن به جمرات جدید» ۱۲۹
- مسأله (۴۹۹): «رمی از طبقات فوقانی» ۱۳۰
- مسأله (۵۰۰): «رمی با تیر و کمان» ۱۳۰
- مسأله (۵۰۱): «زمان رمی جمره» ۱۳۰
- مسأله (۵۰۲): «رمی ناتوانان» ۱۳۰
- مسأله (۵۰۳): «وظیفه بانوان و ناتوانان» ۱۳۰
- مسأله (۵۰۴): «نایب گرفتن در رمی جمره» ۱۳۱
- مسأله (۵۰۵): «بررسی از نزدیک» ۱۳۱
- مسأله (۵۰۶): «با ماشین به جمرات رفتن» ۱۳۱
- مسأله (۵۰۷): «سنگ زدن بدون گفتن حاجی» ۱۳۱
- مسأله (۵۰۸): «وضو داشتن و طهارت از حیض و نفاس» ۱۳۱
- مسأله (۵۰۹): «پاک بودن رمی کننده و ریگ‌ها» ۱۳۱
- مسأله (۵۱۰): «شک بعد از رمی» ۱۳۲
- مسأله (۵۱۱): «شک بعد از روز دهم» ۱۳۲
- مسأله (۵۱۲): «فراموشی رمی جمره عقبه» ۱۳۲
- مسأله (۵۱۳): «موفق نشدن به رمی» ۱۳۲

- ۱۳۲ مسأله (۵۱۴): «ترتیب بین رمی نیابتی و رمی خود»
- ۱۳۲ آداب و مستحبات رمی جمره
- ۱۳۳ ۵ - قربانی؛ «پنجمین عمل حج تمتع»
- ۱۳۳ مسأله (۵۱۵): «دومین وظیفه روز عید»
- ۱۳۳ مسأله (۵۱۶): «ترتیب بین رمی جمره و قربانی»
- ۱۳۳ مسأله (۵۱۷): «نوع قربانی»
- ۱۳۳ مسأله (۵۱۸): «نیت قربانی»
- ۱۳۳ مسأله (۵۱۹): «شرایط قربانی»
- ۱۳۴ مسأله (۵۲۰): «شرط اول؛ سن قربانی»
- ۱۳۴ مسأله (۵۲۱): «تحقیق از سن قربانی»
- ۱۳۴ مسأله (۵۲۲): «شرط دوم؛ سالم باشد»
- ۱۳۴ مسأله (۵۲۳): «تحقیق از سلامت قربانی»
- ۱۳۴ مسأله (۵۲۴): «شرط سوم؛ معیوب و ناقص العضو نباشد»
- ۱۳۴ مسأله (۵۲۵): «نقص گوش»
- ۱۳۴ مسأله (۵۲۶): «نقص شاخ»
- ۱۳۵ مسأله (۵۲۷): «نقص چشم»
- ۱۳۵ مسأله (۵۲۸): «نقص دست و پا»
- ۱۳۵ مسأله (۵۲۹): «نقص دم»
- ۱۳۵ مسأله (۵۳۰): «تحقیق از ناقص نبودن قربانی»
- ۱۳۵ مسأله (۵۳۱): «اطلاع از نقص بعد از ذبح»
- ۱۳۵ مسأله (۵۳۲): «شرط چهارم؛ لاغر نباشد»
- ۱۳۵ مسأله (۵۳۳): «اطلاع از لاغری بعد از ذبح»
- ۱۳۵ مسأله (۵۳۴): «شرط پنجم؛ اخته نباشد»
- ۱۳۵ مسأله (۵۳۵): «اگر غیر اخته پیدا نشود»

- مسأله (۵۳۶): «حیوان بیضه کوبیده یا رگ مالیده یا تابیده» ۱۳۶
- مسأله (۵۳۷): «تحقیق از اخته نبودن قربانی» ۱۳۶
- مسأله (۵۳۸): «اطلاع از اخته بودن بعد از ذبح» ۱۳۶
- مسأله (۵۳۹): «قربانی با پول خمس نداده» ۱۳۶
- مسأله (۵۴۰): «زمان قربانی» ۱۳۶
- مسأله (۵۴۱): «قربانی در شب» ۱۳۶
- مسأله (۵۴۲): «مکان قربانی» ۱۳۶
- مسأله (۵۴۳): «ذبح در مسلخ‌های کنونی» ۱۳۶
- مسأله (۵۴۴): «قربانی در وطن» ۱۳۶
- مسأله (۵۴۵): «فرستادن دیگری برای قربانی» ۱۳۷
- مسأله (۵۴۶): «تعیین قربانی» ۱۳۷
- مسأله (۵۴۷): «نیت ذابح» ۱۳۷
- مسأله (۵۴۸): «قربانی کردن ذابح بدون گفتن حاجی» ۱۳۷
- مسأله (۵۴۹): «دین و مذهب ذابح» ۱۳۷
- مسأله (۵۵۰): «شک در قربانی کردن نماینده» ۱۳۷
- مسأله (۵۵۱): «شک در صحت عمل ذابح» ۱۳۷
- مسأله (۵۵۲): «شک در صحت ذبح خود» ۱۳۸
- مسأله (۵۵۳): «ذبح با کارد استیل» ۱۳۸
- مسأله (۵۵۴): «جدا کردن سر قربانی» ۱۳۸
- مسأله (۵۵۵): «سهم فقیر از قربانی» ۱۳۸
- مسأله (۵۵۶): «هدیه دادن و خوردن از قربانی» ۱۳۸
- مسأله (۵۵۷): «چگونه سهم فقیر را به او برسانیم؟» ۱۳۸
- مسأله (۵۵۸): «روزه گرفتن به جای قربانی» ۱۳۸
- مسأله (۵۵۹): «وام گرفتن برای قربانی» ۱۳۸

- مسأله (۵۶۰): «فروش اموال برای قربانی» ۱۳۹
- مسأله (۵۶۱): «اگر قربانی پیدا نشود» ۱۳۹
- ۶ - حلق یا تقصیر؛ «ششمین عمل حج تمتع» ۱۳۹
- مسأله (۵۶۲): «سومین وظیفه روز عید» ۱۳۹
- مسأله (۵۶۳): «اولین مرحله حلال شدن» ۱۳۹
- مسأله (۵۶۴): «دومین مرحله حلال شدن» ۱۳۹
- مسأله (۵۶۵): «مرحله سوم و چهارم حلال شدن» ۱۴۰
- مسأله (۵۶۶): «مردان در حجۃ الاسلام خود باید سر بتراشند» ۱۴۰
- مسأله (۵۶۷): «مشقت یا ضرر در حلق» ۱۴۰
- مسأله (۵۶۸): «مخیر بودن بین حلق و تقصیر» ۱۴۰
- مسأله (۵۶۹): «وظیفه بانوان» ۱۴۰
- مسأله (۵۷۰): «انتخاب کوتاه کردن مو در تقصیر» ۱۴۰
- مسأله (۵۷۱): «خون آمدن سر هنگام حلق» ۱۴۰
- مسأله (۵۷۲): «نیت حلق و تقصیر» ۱۴۰
- مسأله (۵۷۳): «مکان حلق و تقصیر» ۱۴۱
- مسأله (۵۷۴): «حلق و تقصیر در قربانگاه» ۱۴۱
- مسأله (۵۷۵): «زمان حلق و تقصیر» ۱۴۱
- مسأله (۵۷۶): «مقدم داشتن حلق و تقصیر» ۱۴۱
- مسأله (۵۷۷): «حلق و تقصیر در شب» ۱۴۱
- مسأله (۵۷۸): «تراشیدن سر با ماشین» ۱۴۱
- مسأله (۵۷۹): «حلق و تقصیر توسط دیگری» ۱۴۱
- مسأله (۵۸۰): «حلق و تقصیر محرم از دیگری» ۱۴۲
- مسأله (۵۸۱): «ماشین کردن سر قبل از حلق» ۱۴۲
- مسأله (۵۸۲): «ترتیب بین قربانی و حلق» ۱۴۲

- ۱۴۲ مسأله (۵۸۳): «کسی که قربانی نکرده»
- ۱۴۲ مسأله (۵۸۴): «حلق به خیال انجام قربانی»
- ۱۴۲ مسأله (۵۸۵): «فراموشی حلق و تقصیر»
- ۱۴۲ آداب و مستحبات حلق و تقصیر
- ۱۴۳ ۷ تا ۱۱ - اعمال مکه
- ۱۴۳ مسائل
- ۱۴۳ مسأله (۵۸۶): «اعمال مکه»
- ۱۴۳ مسأله (۵۸۷): «ترتیب بین حلق یا تقصیر و اعمال مکه»
- ۱۴۳ مسأله (۵۸۸): «زمان اعمال مکه»
- ۱۴۳ مسأله (۵۸۹): «ترتیب بین اعمال مکه»
- ۱۴۴ مسأله (۵۹۰): «موالات بین طواف حج و سعی»
- ۱۴۴ مسأله (۵۹۱): «طواف مستحب»
- ۱۴۴ مسأله (۵۹۲): «کیفیت طواف و سعی»
- ۱۴۴ مسأله (۵۹۳): «طواف و سعی از ارکان حج»
- ۱۴۴ مسأله (۵۹۴): «فراموشی طواف یا سعی»
- ۱۴۴ مسأله (۵۹۵): «ترتیب طواف و سعی»
- ۱۴۴ مسأله (۵۹۶): «حلال شدن بوی خوش»
- ۱۴۵ مسأله (۵۹۷): «طواف نساء و نماز آن»
- ۱۴۵ مسأله (۵۹۸): «کیفیت طواف نساء»
- ۱۴۵ مسأله (۵۹۹): «طواف نساء بانوان»
- ۱۴۵ مسأله (۶۰۰): «آخرین مرحله بیرون آمدن از احرام»
- ۱۴۵ مسأله (۶۰۱): «طواف نساء از مناسک حج»
- ۱۴۵ مسأله (۶۰۲): «موالات بین سعی و طواف نساء»
- ۱۴۵ مسأله (۶۰۳): «ترتیب بین طواف حج و طواف نساء»

- مسأله (۶۰۴): «ترتیب بین سعی و طواف نساء» ۱۴۶
- مسأله (۶۰۵): «نیت نایب» ۱۴۶
- مسأله (۶۰۶): «عمره مفرده قبل از طواف نساء حج» ۱۴۶
- مسأله (۶۰۷): «جایگاه اصلی اعمال مکه» ۱۴۶
- مسأله (۶۰۸): «لزوم انجام اعمال مکه قبل از عرفات» ۱۴۶
- مسأله (۶۰۹): «لزوم انجام طواف و سعی قبل از عرفات» ۱۴۶
- مسأله (۶۱۰): «جواز انجام طواف و سعی قبل از عرفات» ۱۴۷
- مسأله (۶۱۱): «مقدم داشتن طواف نساء» ۱۴۷
- مسأله (۶۱۲): «احرام بستن برای انجام اعمال مکه» ۱۴۷
- مسأله (۶۱۳): «کفایت اعمال مکه قبل از عرفات» ۱۴۷
- مسأله (۶۱۴): «تشخیص عذر» ۱۴۷
- مسأله (۶۱۵): «زمان حلال شدن محرمات احرام» ۱۴۷
- آداب و مستحبات طواف حج و سعی ۱۴۷
- ۱۲ - بیتوته در منا؛ «دوازدهمین عمل حج تمتع» ۱۴۸
- مسائل ۱۴۸
- مسأله (۶۱۶): «وظیفه شب‌های منا» ۱۴۸
- مسأله (۶۱۷): «نیت بیتوته و اصباح» ۱۴۸
- مسأله (۶۱۸): «بیتوته شب یازدهم» ۱۴۸
- مسأله (۶۱۹): «خروج پس از نیمه شب» ۱۴۸
- مسأله (۶۲۰): «کفاره ترک بیتوته» ۱۴۸
- مسأله (۶۲۱): «ترک بیتوته برای اعمال واجب مکه» ۱۴۸
- مسأله (۶۲۲): «ترک بیتوته برای اعمال مستحب» ۱۴۹
- مسأله (۶۲۳): «مقدار بیتوته شب دوازدهم» ۱۴۹
- مسأله (۶۲۴): «کفاره ترک بیتوته» ۱۴۹

- مسأله (۶۲۵): «بیتوته شب سیزدهم» ۱۴۹
- مسأله (۶۲۶): «مقدار بیتوته شب سیزدهم» ۱۴۹
- مسأله (۶۲۷): «وقت خارج شدن روز سیزدهم» ۱۴۹
- مسأله (۶۲۸): «مشقت شدید در بیتوته» ۱۵۰
- مسأله (۶۲۹): «ضرر اساسی در بیتوته» ۱۵۰
- مسأله (۶۳۰): «وظیفه پزشکان و پرستاران» ۱۵۰
- آداب و مستحبات منا ۱۵۰
- آداب و مستحبات مسجد خَیْف ۱۵۰
- ادامه‌ی مسائل ۱۵۱
- مسأله (۶۳۱): «وظیفه روز یازدهم و دوازدهم» ۱۵۱
- مسأله (۶۳۲): «وظیفه روز سیزدهم» ۱۵۱
- مسأله (۶۳۳): «زمان رمی جمرات» ۱۵۱
- مسأله (۶۳۴): «لزوم رمی در شب قبل» ۱۵۱
- مسأله (۶۳۵): «جواز رمی در شب قبل» ۱۵۱
- مسأله (۶۳۶): «نایب گرفتن معذورین» ۱۵۱
- مسأله (۶۳۷): «اگر معلوم شود معذور نبوده» ۱۵۱
- مسأله (۶۳۸): «رمی شبانه در صورت عذر» ۱۵۲
- مسأله (۶۳۹): «کیفیت و احکام رمی» ۱۵۲
- مسأله (۶۴۰): «ترتیب رمی جمرات» ۱۵۲
- مسأله (۶۴۱): «رعایت نکردن ترتیب» ۱۵۲
- مسأله (۶۴۲): «ترتیب قربانی و تقصیر و رمی جمرات» ۱۵۲
- مسأله (۶۴۳): «رمی جمرات رکن حج نیست» ۱۵۲
- مسأله (۶۴۴): «ترک عمدی رمی جمرات» ۱۵۲
- مسأله (۶۴۵): «فراموشی رمی جمرات» ۱۵۲

- مسأله (۶۴۶): «ترتیب بین رمی قضا و ادا» ۱۵۳
- مسأله (۶۴۷): «شک پس از خروج از محلّ جمرات» ۱۵۳
- مسأله (۶۴۸): «شک بعد از وقت» ۱۵۳
- کوچ کردن از منا ۱۵۳
- مسأله (۶۴۹): «کوچ کردن از منا» ۱۵۳
- مسأله (۶۵۰): «خروج موقت» ۱۵۳
- بخش چهارم؛ خاتمه ۱۵۳
- محصور و مصدود ۱۵۳
- مسأله (۶۵۱): «محصور و مصدود» ۱۵۳
- مسأله (۶۵۲): «موارد صدّ و حصر» ۱۵۴
- مسأله (۶۵۳): «مصدود و محصورى که شرط تحلل کرده‌اند» ۱۵۴
- مسأله (۶۵۴): «وظیفه مصدود از حج تمتّع» ۱۵۴
- مسأله (۶۵۵): «وظیفه محصور از حج تمتّع» ۱۵۴
- مسأله (۶۵۶): «وظیفه دیگر مصدود و محصور از حج» ۱۵۴
- مسأله (۶۵۷): «صد و حصر در حج استحبابی و نیابتی» ۱۵۴
- آداب و مستحبات مکه مکرمه ۱۵۴
- طواف وداع ۱۵۵
- نماز حجّاج در مکه و مدینه ۱۵۵
- مسأله (۶۵۸): «نماز مسافر در مکه و مدینه» ۱۵۵
- مسأله (۶۵۹): «رفتن به احد» ۱۵۵
- مسأله (۶۶۰): «نماز در عرفات و مشعر و منا» ۱۵۶
- مسأله (۶۶۱): «شرکت در نماز جماعت اهل سنت» ۱۵۶
- مسأله (۶۶۲): «خارج شدن از مسجد هنگام نماز جماعت» ۱۵۶
- مسأله (۶۶۳): «سجده بر فرش» ۱۵۶

- ۱۵۶ مسأله (۶۶۴): «گذاشتن مهر»
- ۱۵۶ مسائل متفرقه
- ۱۵۶ مسأله (۶۶۵): «شک بعد از وقت»
- ۱۵۶ مسأله (۶۶۶): «شک بعد از انجام عمل»
- ۱۵۷ مسأله (۶۶۷): «عبور حائض از مسجدالحرام»
- ۱۵۷ مسأله (۶۶۸): «برداشتن قرآن از مساجد»
- ۱۵۷ مسأله (۶۶۹): «سنگ صفا و مروه»
- ۱۵۷ مسأله (۶۷۰): «وضو گرفتن از آبهای آشامیدنی»
- ۱۵۷ مسأله (۶۷۱): «روزه مستحب در مدینه منوره»
- ۱۵۷ مسأله (۶۷۲): «نذر روزه در مسافرت»
- ۱۵۷ ادعیه و زیارات «مدینه مُنَوَّره»
- ۱۵۷ اهمیت عبادت و تلاوت قرآن در سفر حج
- ۱۵۸ دعای فَرَج
- ۱۵۸ دعای استغاثه
- ۱۵۹ دعای توشل
- ۱۶۰ آداب زیارت
- ۱۶۱ زیارت جامعه اول
- ۱۶۱ زیارت جامعه کبیره
- ۱۶۳ زیارت أمين الله
- ۱۶۴ زیارت وارث
- ۱۶۵ زیارت قبور شهدا
- ۱۶۵ زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۶۵ زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۶۶ آداب زیارت

- ۱۶۶ اذن دخول
- ۱۶۶ زیارت اول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۶۷ زیارت دوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۶۷ سلام مخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۶۷ صلوات مخصوص حضرت رسول صلی الله علیه و آله
- ۱۶۸ در کنار ستون توبه
- ۱۶۸ نیابت در زیارت
- ۱۶۸ زیارت حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام
- ۱۶۸ زیارت حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام
- ۱۶۸ زیارت اول حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام
- ۱۶۹ زیارت دوم حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام
- ۱۶۹ زیارت سوم حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام
- ۱۷۰ زیارت امامان مظلوم بقیع علیهمالسلام
- ۱۷۰ زیارت امامان مظلوم بقیع علیهمالسلام
- ۱۷۰ فضیلت زیارت
- ۱۷۰ زیارت ائمه بقیع علیهمالسلام
- ۱۷۱ بهترین زیارت مؤمنین
- ۱۷۱ زیارت فاطمه بنت اسد علیهاالسلام (مادر حضرت امیرالمؤمنین علیهالسلام)
- ۱۷۲ زیارت ابراهیم فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۷۲ زیارت حضرت حمزه علیهالسلام (عموی گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) در احد
- ۱۷۳ زیارت شهدای احد
- ۱۷۳ دعای مسجد فتح
- ۱۷۴ زیارت وداع رسول اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۷۴ زیارت وداع ائمه بقیع علیهمالسلام

۱۷۴ پی‌نوشت

۱۷۴ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مناسک زائر مرجع عالیقدر حضرت آیه الله شبیری زنجانی «مد ظله العالی»

مشخصات کتاب

سرشناسه: شبیری زنجانی موسی

عنوان و نام پدیدآور: مناسک زائر

شبیری زنجانی.

مشخصات نشر: قم:

شهاب‌الدین ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۳۶۴ ص. : مصور، نقشه؛ ۱۱ / ۱۶×۵ / ۵ س.م.

شابک: ۹۶۴ - ۸۳۴۶ - ۸۰ - ۱

وضعیت فهرست نویسی: برون‌سپاری.

یادداشت: چاپ قبلی: فقه ۱۳۸۱ [۲۴۷] ص.

موضوع: حج

موضوع: زیارتنامه‌ها

موضوع: دعاها

موضوع: زیارت - آداب و رسوم

موضوع: فقه جعفری - رساله عملیه

رده بندی کنگره: ۸ / ۱۸۸ BP / ش ۸م ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۱۳۸۶۰

[مقدمه]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» (حج / ۲۷)

«[ای ابراهیم] در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور تا [زائران] پیاده و سوار بر هر شتر لاغری از هر راه دوری به سوی تو روی آورند.»

ندای حضرت ابراهیم خلیل علیه‌السلام در همه جا پیچید و به همه انسانها در سراسر تاریخ رسید.

و تو ای زائر! برای پاسخ به این نداست که گام در راه نهاده‌ای و اوست که تو را برای مهمانی خود برگزیده و دروازه‌های خانه خویش را به رویت گشوده است و چگونه می‌توان این نعمت را شکر گفت که دعوت خاص او به تو رسیده و تو اکنون کوله‌بار سفر بر دوش، شور و شوق دیدار سراپای وجودت را فرا گرفته، با خود می‌اندیشی که چگونه باید برای این سفر مهیا شد که این سفر سفری دیگر است و راه و رسمی دیگر دارد، مقصد تو «خانه خدا» قطعه‌ای از این دنیای خاکی نیست؛ بلکه نقطه وصل مکان و زمان و پیوند زمین و آسمان است.

و تو اینک! پا بر جای پیامبران نهاده‌ای و چون فرشتگان گرد عرش، بر پای بندگی ایستاده‌ای و کعبه بیت معمور زمینیان است.

در آسمان فرشتگان به نشانه فرمانبری گرد بیت معمور به طواف می‌پردازند و در زمین آدمیان در گرد کعبه او آزمون تسلیم و رضا به جا می‌آورند که حج سراپا آزمون است و فصل فصل این عبادت پر راز و رمز، آزمایش تعبد و فرمانپذیری و صبر و بردباری و تسلیم مطلق در برابر فرمان حضرت حق است.

و تو ای زائر! از او همت می‌طلبی که از این امتحان سربلند بیرون آیی و با انجام این مراسم هر گونه آلودگی و تباهی که یک عمر به دوش کشیده‌ای از خویش بزدایی و به حج مقبول و سعی مشکور دست یابی.

«مدینه» شور دیگری را در وجود انسان برمی‌انگیزد. از یک سو، یادآور شکوه و عظمت سالهای آغازین اسلام است که تازه مسلمانان در «مسجد النبی» گرد شمع وجود پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله جامعه اسلامی نمونه را پایه‌ریزی می‌کنند و از سوی دیگر این شهر، غم و اندوه و مظلومیت خاندان همان پیامبر صلی الله علیه و آله را در خاطره‌ها زنده می‌سازد که جای جای این شهر، حدیث تازه‌ای از این مظلومیت بر لب دارد.

نام مدینه با نام «بقیع» و مرقد گمشده بانوی اسلام قرین است و زائر در این شهر در جستجوی تاریخ گذشته، برای تجدید عهد با آنان که به ولایشان دل بسته گام می‌نهد.

روح مکه را در مدینه می‌توان یافت که حج بدون امامت حج نیست، گرد سنگ و خشت گردیدن است و تلاش خویش تباه کردن. امام باقر علیه السلام فرمودند:

«إِنَّمَا أُمِرَ النَّاسُ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَخْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا، ثُمَّ يَأْتُوا نَابِيَّ مُحَمَّدٍ وَبِوَالِدَيْهِ وَيُحِبُّوهُمَا وَيُحِبُّوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ»

[کافی ۴: ۱ / ۵۴۹]

مردم مأمورند که بیایند و به گرد این سنگ‌ها بگردند و پس از آن به نزد ما بیایند و اظهار ولایت کنند و هواداری خود را نسبت به ما نشان دهند. آری! تنها در سایه‌سار امامت حج کمال می‌یابد.

این کتاب تحریر دوم کتاب «مناسک زائر» است که با افزودن مسائل بسیار و تلاش برای ارائه بهتر احکام حج و عمره مطابق فتاوی «حضرت آیه الله العظمی شبیری زنجانی مد ظله» توسط دفتر معظم له فراهم آمده است.

این کتاب برای «عموم زائران» نگارش یافته و کوشش شده با حفظ دقت در صحت متن، از نثر شیوا و روان برخوردار باشد و پاسخگوی مسائل مورد نیاز زائران شریف باشد. در اینجا تذکر نکاتی چند لازم می‌باشد:

۱- در رساله و مناسک حج معظم له اصطلاح «احتیاط واجب» با قید واجب به معنای ویژه‌ای به کار رفته که چون در مقام عمل با فتوا تفاوتی ندارد در این کتاب حذف گردید و در مواردی که در این کتاب کلمه «احتیاط» دیده می‌شود، می‌توان به مجتهدین دیگر (با رعایت شرط اعلیت نسبی) مراجعه کرد.

۲- هرگاه برای زائران عزیز مسأله‌ای پیش آمد از روحانیون معظم کاروان‌ها سؤال نمایند و بعثه معظم له در موسم حج نیز همه روزه آماده پاسخگویی به سؤالات روحانیون مکرم و زائران محترم است.

۳- از آنجا که استحباب پاره‌ای از آداب و مستحباتی که در این کتاب ذکر شده، ثابت نیست، شایسته است آنها را به «امید ثواب» و «قصد رجاء» به جا آورند.

۴- ضمن تشکر از سرورانی که با تذکرات خود ما را در تحریر جدید کتاب یاری رسانده‌اند، از پیشنهادها و راهنمایی‌هایی که درباره این کتاب ارائه می‌دهند صمیمانه استقبال می‌کنیم و دستشان را به گرمی می‌فشاریم.

«دفتر حضرت آیه الله العظمی شبیری زنجانی مد ظله»

اشاره

مسئله (۱): «آموختن احکام حج»

بر کسی که لازم است عمره یا حج به جا آورد، واجب است با یاد گرفتن احکام و مسائل شرعی آن یا با نظارت عالمی که احکام را می‌داند، عمره و حج را به شکل صحیح انجام دهد.

مسئله (۲): «بقاء بر تقلید میت»

اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کرده از دنیا برود، در مسائل عمره و حج به احکام مندرج در این مناسک عمل نماید.

مسئله (۳): «مخاطبین مناسک زائر»

از آنجا که متن حاضر برای کسانی نگاشته شده است که از راه دور به مکه مکرمه مشرف می‌شوند و وظیفه آنها انجام «عمره و حج تمتع» است، در این نوشتار به بیان احکام عمره و حج تمتع می‌پردازیم و نسبت به عمره مفرده و حج افراد، تنها نگاهی گذرا خواهیم داشت.

استطاعت

مسئله (۴): «حجۃ الاسلام»

حج از ارکان دین اسلام است و بر هر فرد بالغ و عاقلی که استطاعت داشته باشد واجب می‌گردد. حجی که به جهت استطاعت واجب می‌شود «حجۃ الاسلام» نام دارد و در تمام عمر بیش از یک بار واجب نیست و ترک آن از گناهان کبیره است و در منابع اسلامی وعده عذاب بر آن داده شده است.

مسئله (۵): «شرایط وجوب حجۃ الاسلام»

«حجۃ الاسلام» با چند «شرط» واجب می‌شود:

- ۱ - بلوغ
- ۲ - عقل
- ۳ - استطاعت

مسئله (۶): «حجۃ الاسلام، واجب فوری»

مستطیع باید در اولین سالی که می‌تواند، حج را به جا آورد و تأخیر آن جایز نیست و اگر تأخیر انداخت باید در سال بعد انجام دهد و همچنین در سالهای بعد.

مسئله (۷): «امور لازم در استطاعت»

برای این که انسان مستطیع گردد باید چند چیز وجود داشته باشد:

۱ - استطاعت مالی: آنچه برای سفر و انجام حج لازم است - مانند:

وسيله سفر و آذوقه - یا هزینه‌ی تهیه آن را داشته باشد.

۲ - استطاعت بدنی: از نظر جسمانی، توانایی انجام حج را داشته باشد.

۳ - استطاعت طریقی: راه سفر حج برای او باز باشد.

۴ - استطاعت زمانی: برای رسیدن به مکه و انجام اعمال حج به مقدار کافی وقت داشته باشد.

۵ - تشرّف به حج، زندگی او را مختل نکند.

۶ - تشرّف به حج با انجام واجب یا ترک حرامی که اهمیت آن مساوی یا بیشتر از حج است مزاحمت نکند؛ بنابراین اگر تشرّف به حج، مستلزم ریختن آبروی مؤمنی باشد، حج واجب نمی‌شود.

مسأله (۸): «کسانی که حج بر آنها واجب نیست»

انجام حج بر کودک، شخص دیوانه و کسی که استطاعت ندارد، واجب نیست.

مسأله (۹): «حج کودک و غیر مستطیع»

انجام حج بر کودک ممیز و غیر مستطیع ممیز، مستحب است؛ ولی این حج از حجّه‌الاسلام آنها کفایت نمی‌کند و اگر پس از بلوغ

مستطیع شوند، باید حجّه‌الاسلام خود را به جا آورند.

مسأله (۱۰): «استطاعت با دریافت طلب»

کسی که هزینه حج را ندارد، ولی به مقدار آن از دیگری طلب دارد، اگر می‌تواند بدون مشقت شدید و آبروریزی، طلبش را

بگیرد، یا نمی‌تواند طلبش را بگیرد ولی می‌تواند بدون مشقت شدید، آن را به مقدار هزینه حج مبادله کند، از نظر مالی مستطیع

می‌باشد.

مسأله (۱۱): «استطاعت با وام گرفتن»

بر کسی که هزینه حج را ندارد، وام گرفتن برای انجام حج واجب نیست؛ ولی اگر به مقدار هزینه حج قرض کند، چنانچه اگر این

پول را صرف حج کند در پرداخت بدهی به مشقت شدید نمی‌افتد، از نظر مالی مستطیع است.

مسأله (۱۲): «استطاعت بدهکار خمس و زکات»

کسی که خمس یا زکات بر گردن اوست، چنانچه علاوه بر خمس و زکات مخارج حج را هم داشته باشد، از نظر مالی مستطیع

است و چنانچه تنها به مقدار هزینه پرداخت خمس و زکات، مالی را داشته باشد، باید خمس و زکاتش را بپردازد و مستطیع

نمی‌باشد؛ بلی اگر خمس و زکاتش را نپردازد و مالش به مقدار هزینه حج باشد از نظر مالی مستطیع است.

مسأله (۱۳): «استطاعت بدهکار به مردم»

کسی که به دیگران بدهکار است و به مقدار مخارج حج مال دارد، در صورتی استطاعت مالی پیدا می‌کند که انجام حج، او را در

پرداخت بدهی به مشقت شدید نیندازد؛ بلی چنانچه آن مال را در پرداخت بدهی مصرف نکند، از نظر مالی مستطیع است.

مسئله (۱۴): «استطاعت با فروش اموال اضافی»

کسی که به مقدار مخارج حج، پول نقد ندارد، ولی اموالی دارد که به آن نیاز ندارد و بدون مشقت شدید می‌تواند با فروش آنها هزینه حج را تأمین کند، از نظر مالی مستطیع است؛ بنابراین کسی که ملک و مستغلاتی دارد که مورد نیاز او نیست، یا بخشی از کارخانه یا سرمایه کسب یا ابزار کار یا لوازم خانه یا زیور آلات او بیشتر از نیاز اوست و با فروش آنها می‌تواند بدون مشقت شدید، هزینه حج را تأمین کند، استطاعت مالی دارد.

مسئله (۱۵): «استطاعت با مال الاجاره»

اگر کسی برای نیابت از دیگری مزدی دریافت کند و با آن از جهت مالی مستطیع شود، اگر نایب شده که در همان سال اول حج او را انجام بدهد، باید در سال اول حج نیابی را به جا آورد و اگر با اجرتی که گرفته می‌تواند در سال بعد یا پس از آن برای خودش حج به جا آورد، مستطیع می‌باشد و باید در اولین سالی که می‌تواند حجه الاسلام خود را به جا آورد.

مسئله (۱۶): «استطاعت با تبدیل اموال به ارزان‌تر»

کسی که هزینه حج را به طور نقدی ندارد، ولی اموالی مثل خانه یا ماشین گران قیمتی دارد که می‌تواند بدون مشقت شدید با تبدیل آن به خانه یا ماشین ارزان‌تر هزینه حج را تأمین کند، از نظر مالی مستطیع است.

مسئله (۱۷): «استطاعت با ارث»

اگر به کسی اموالی به ارث برسد که به مقدار مخارج حج باشد، با داشتن سایر شرایط، مستطیع است و باید به حج برود.

مسئله (۱۸): «استطاعت با مهریه»

خانمی که مهریه‌اش مساوی یا بیشتر از هزینه حج او است، چنانچه بتواند بدون مشقت شدید و آبروریزی، مهریه‌اش را بگیرد، از نظر مالی مستطیع است.

مسئله (۱۹): «لزوم پرداخت مهریه»

مردی که مهریه همسر خود را حج قرار داده یا تعهد کرده که همسرش را به حج بفرستد، چنانچه بتواند باید به آن عمل نماید.

مسئله (۲۰): «اجازه شوهر در حج همسر»

اگر زن مستطیع باشد باید حج به جا آورد و در این حج، اجازه شوهر شرط نیست، ولی برای حج و عمره مستحب، باید از شوهر خود اجازه بگیرد.

مسئله (۲۱): «اخلال حج در زندگی»

یکی از شرایط استطاعت، آن است که انجام حج، زندگی انسان را مختل نکند؛ بنابراین اگر تشرف به حج، سبب بروز «اختلال» در

تأمین زندگی خود یا کسانی باشد که نفقه آنها عرفاً یا شرعاً بر انسان واجب است، چنین شخصی مستطیع نیست.

مسئله (۲۲): «اخلال حج در شغل»

کسی که رفتن به حج، سبب برکناری او از شغلش باشد و برای تأمین مخارج زندگی آبرویش برود یا به مشقت شدید بیفتد، مستطیع نیست.

مسئله (۲۳): «ازدواج مانع استطاعت»

کسی که نیاز جدی به ازدواج دارد و اگر پولی را که پس انداز کرده صرف حج نماید، برای تأمین مخارج ازدواج به مشقت شدید یا آبروریزی می‌افتد، حج بر او واجب نیست.

مسئله (۲۴): «استطاعت فرزند و همسر»

کسی که دیگری خرجی او را می‌دهد، چنانچه هزینه سفر حج را داشته باشد از نظر مالی مستطیع می‌باشد؛ بنابراین فرزند و خانمی که پدر و همسرشان مخارج آنها را تأمین می‌کنند، اگر هزینه سفر حج را داشته باشند، از نظر مالی مستطیع هستند.

مسئله (۲۵): «استطاعت طلاب و دانشجویان»

طلاب و دانشجویانی که از شهریه حوزه و دانشگاه، زندگی آنها تأمین می‌شود، اگر هزینه حج را داشته باشند، استطاعت مالی دارند.

مسئله (۲۶): «مستطیع مالی که از جهات غیر مالی استطاعت ندارد»

کسی که از نظر مالی مستطیع است ولی از جهات دیگر استطاعت ندارد، مثلاً بیمار است یا راه حج برای او باز نیست، چنانچه بتواند استطاعت خود را از آن جهات تأمین کند، انجام حج بر او واجب است.

مسئله (۲۷): «لزوم ثبت نام بر مستطیع»

بر کسی که استطاعت مالی دارد، ولی بدون نام نویسی نمی‌تواند به حج مشرف شود، واجب است برای حج نام‌نویسی کند، هر چند نوبت او برای سالهای بعد درآید؛ و تا راه مطمئن دیگری پیدا نکرده، نمی‌تواند با پس گرفتن نوبت راه حج را به روی خود ببندد.

مسئله (۲۸): «استطاعت بیمار»

کسی که استطاعت مالی دارد، ولی به خاطر بیماری نمی‌تواند حج به جا آورد، چنانچه بتواند خود را معالجه کند، حج بر او واجب می‌شود و برای این که بتواند حج به جا آورد باید خود را معالجه کند.

مسئله (۲۹): «مستطیعی که نمی‌تواند حج برود»

مستطیع باید خودش به حج برود و حج گزاردن دیگری به جای او کفایت نمی‌کند؛ بلی کسانی که استطاعت مالی دارند و به جهت دیگری مانند بیماری یا پیری یا بسته بودن راه نمی‌توانند به حج مشرف شوند و از برطرف شدن مشکل خود نیز ناامید هستند، باید با

قصد قربت برای انجام حج در اولین سال نایب بگیرند و حج میقاتی کفایت می‌کند و در صورت تأخیر در سال بعد و همچنین در سالهای بعد؛ و این حج کفایت از حجه الاسلام آنها می‌کند، هر چند در آینده مشکل آنها برطرف شود.

مسئله (۳۰): «مصرف کردن پول حج»

کسی که مستطیع است، باید حج به جا آورد و جایز نیست با مصرف کردن پول حج یا بخشیدن آن به دیگران، حتی پدر و مادر، خود را از رفتن حج ناتوان سازد؛ بلی چنانچه مصرف کردن پول، او را از رفتن حج ناتوان نمی‌سازد، می‌تواند پولی را که برای حج تهیه کرده به دیگری ببخشد یا در کار خیر یا سایر امور زندگی خود هزینه نماید، هر چند مجبور شود که با مشقت هزینه حج را تأمین کند و حج به جا آورد.

مسئله (۳۱): «پول قربانی، جزء استطاعت نیست»

کسی که می‌تواند روزه بگیرد، لازم نیست پول قربانی را داشته باشد تا مستطیع شود؛ پس چنانچه سایر شرایط وجوب حج را دارد ولی پول قربانی را ندارد، باید حج به جا آورد و به جای قربانی روزه بگیرد.

مسئله (۳۲): «حج بذلی»

کسی که هزینه حج را ندارد، اگر دیگری هزینه حج را به او ببخشد، یا در اختیار او بگذارد، یا مخارج حج او را به عهده بگیرد، از نظر مالی مستطیع می‌باشد و همچنین است اگر کسی بخشی از هزینه حج را داشته باشد و دیگری باقیمانده آن را عهده‌دار شود و به این حج «حج بذلی» می‌گویند.

مسئله (۳۳): «مشکل در قبول هدیه حج»

هر گاه کسی هزینه حج را به مکلف هدیه کند و پذیرفتن هدیه با مشقت شدید یا ذلت و خواری همراه باشد، بر مکلف حج واجب نمی‌شود.

مسئله (۳۴): «کفایت حج بذلی»

حج بذلی، کفایت از حجه الاسلام می‌کند؛ یعنی اگر بعد از انجام این حج، خودش بدون بذل هم استطاعت پیدا کرد، واجب نیست دوباره به حج برود.

مسئله (۳۵): «قربانی و کفارات در حج بذلی»

بذل مخارج حج تمتع به حسب ظاهر عرفی، پول قربانی و کفاراتی را که ارتکاب سبب آن، از لوازم متعارف حج است، شامل می‌شود، بنابراین هزینه چیزهایی مانند کفاره رفتن با ماشین سرپوشیده در روزهای بسیار سرد بر عهده کسیست که مخارج حج را عهده‌دار شده است، مگر بر خلاف آن تصریح کند؛ و در صورتی که بذل کننده پول قربانی را عهده‌دار نشود، اگر حاجی پول قربانی را داشته باشد باید حج به جا بیاورد و قربانی ذبح کند؛ و اگر پول ندارد، ولی می‌تواند روزه بگیرد، به جای قربانی روزه می‌گیرد.

مسئله (۳۶): «تهیه فیش آزاد»

کسی که می‌تواند فیش حج به قیمت آزاد تهیه کند، یا از فیش ثبت نامی متوفی با اجازه ورثه برای خودش استفاده کند، اگر این امر برای او مشقت شدید ندارد و با ذلت و خواری وی همراه نیست، با داشتن شرایط دیگر استطاعت، حج بر او واجب می‌گردد.

مسئله (۳۷): «استطاعت حج در میقات»

کسی که استطاعت «حج بلدی» ندارد، یعنی در محل خودش مستطیع نیست لازم نیست به حج برود، هر چند استطاعت «حج میقاتی» را داشته باشد؛ ولی اگر رفت و به جایی رسید که از آنجا می‌تواند حج به جا آورد، با داشتن سایر شرایط، مستطیع است و باید حج به جا آورد.

مسئله (۳۸): «استطاعت کارکنان حج»

آنان که با مأموریت به حج می‌روند، مانند روحانیون و پزشکان کاروان و کارگران حج، چنانچه از میقات استطاعت انجام حج را داشته باشند وقتی به میقات می‌رسند مستطیع می‌باشند و باید حج به جا آورند، هر چند لازم است مأموریت خود را نیز انجام بدهند؛ بلی چنانچه انجام حج با وظیفه کاری آنها منافات داشته باشد، حج بر آنها واجب نمی‌شود.

مسئله (۳۹): «حکم حج مستقر شده»

اگر شخص مستطیع کوتاهی کند و از انجام حج در اولین سالی که می‌توانسته به حج مشرف شود، باز بماند، حج بر عهده او مستقر می‌شود و باید به هر گونه که می‌تواند در اولین فرصت، حج خود را به جا آورد؛ بلی اگر بدون اختیار، انجام حج بر او با مشقت بسیار همراه شده باشد، جایز است تا زمان برطرف شدن مشقت بسیار، حج خود را به تأخیر بیندازد.

مسئله (۴۰): «تحقیق از استطاعت»

کسی که نمی‌داند هزینه سفر حج را دارد یا خیر، باید اموال خود را بررسی و محاسبه نماید تا برای او معلوم شود مستطیع است یا نه.

مسئله (۴۱): «حج با مال حرام»

تصرف در مال حرام و مالی که وجوه شرعیه آن - خمس یا زکات یا ... پرداخت نشده جایز نیست و بر کسی که می‌خواهد حج برود، واجب است کلیه هزینه‌هایی را که در راه حج مصرف می‌کند - مانند پولی که برای ثبت نام می‌دهد و پول قربانی و لباس احرام و سوغاتی و ولیمه و ... از مال حلال تهیه کند.

مسئله (۴۲): «حج با مال خمس نداده»

انسان اگر اطلاع نداشته باشد که به اموالش خمس تعلق گرفته و با عین آن اموال لباس احرام تهیه کرده با آن طواف یا نماز یا سعی نماید یا قربانی تهیه کند، اعمالش صحیح است، ولی اگر در این کار معذور نباشد، گناه کرده و بنا بر احتیاط مؤکد مستحب به آن اعمال اکتفا نکند.

مسئله (۴۳): «خمس هزینه حج»

پولی را که برای نام‌نویسی حج واجب می‌دهند، اگر در همان سال درآمد، ثبت نام کرده باشد، خمس ندارد، هر چند تا رسیدن نوبت، چند سال بر آن بگذرد و اگر از درآمد سالهای قبل است، پرداخت خمس آن واجب است.

پولی که برای نام‌نویسی عمره یا حج مستحبی هزینه می‌کنند، بعد از گذشتن یک سال از زمان به دست آوردن پول، پرداخت خمس آن واجب می‌شود.

مسئله (۴۴): «وصیت به حجه الاسلام»

اگر کسی حجه الاسلام بر او واجب شده و انجام نداده باشد، وقتی نشانه‌های مرگ را در خود ببیند باید کاری کند که پس از مرگ از طرف او حجه الاسلام انجام شود مثلاً هزینه حج را به شخص مورد اعتمادی بسپارد و «وصیت» کند که از طرف او حج بدهد و در هر حال اگر از دنیا برود باید بدون تأخیر از طرف او حج به جا آورند و حج میقاتی کفایت می‌کند و هزینه حج میقاتی از اصل مال او برداشته می‌شود.

مسئله (۴۵): «فوت مستطیع»

اگر مستطیع پیش از انجام حج از دنیا برود، باید در اولین سال برایش حج بدهند و حج میقاتی کفایت می‌کند و هزینه حج میقاتی از اصل مال او برداشته می‌شود.

مسئله (۴۶): «بیماری یا فوت قبل از رسیدن نوبت»

اگر مستطیع برای حج نام‌نویسی نماید و پیش از رسیدن نوبت، سلامتی جسمانی خود را از دست بدهد و از سلامتی خود ناامید باشد، باید برای انجام حج نایب بگیرد؛ و کسی که استطاعت مالی دارد و برای حج نام‌نویسی کرده، اگر پیش از رسیدن نوبت از دنیا برود، چنانچه می‌توانسته نایب بگیرد و در زمان حیاتش نایب برای او حج به جا آورد، باید پس از مرگ برای انجام حج او نایب بگیرند.

مسئله (۴۷): «شک در استطاعت متوفی»

هر گاه ورثه ندانند که متوفی مستطیع بوده یا خیر، لازم نیست از طرف او حج بدهند.

مسئله (۴۸): «وصیت به حج مستحب»

اگر کسی وصیت کند که برایش عمره یا حج به جا آورند، باید بعد از فوت بدون تأخیر به وصیت عمل نمایند؛ بلی چنانچه عمره یا حج مستحب باشد و بیش از ثلث اموالش وصیت کرده باشد، در صورتی عمل به وصیت واجب است که ورثه اجازه دهند.

نیابت

مسئله (۴۹): «نیابت»

به کسی که از طرف دیگری، عملی را به جا می‌آورد «نایب» و به آن دیگری «منوب عنه» و کار نایب را «نیابت» می‌گویند.

مسئله (۵۰): «نیابت در طواف مستحب»

طواف مستحب را می‌توان به نیابت شخص زنده یا مرده انجام داد و درخواست کردن منوب عنه بلکه اطلاع داشتن او نیز لازم نیست؛ بلی انجام طواف مستحب از طرف کسانی که در مکه یا حوالی آن (تا حدود ۱۸ کیلومتر) حضور دارند و می‌توانند خودشان طواف کنند، صحیح نیست.

مسئله (۵۱): «عمره و حج مستحبی به نیابت از آشنایان و ائمه معصومین علیهم السلام»

انجام عمره و حج مستحب از طرف خویشان و دوستان و غیر آنها، هرچند در مکه یا حوالی آن حضور داشته باشند، همچنین از طرف حضرات معصومین علیهم السلام و حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه) و امام زادگان لازم التکریم، مستحب است.

مسئله (۵۲): «شرایط نایب در حج و عمره»

نایب در حج و عمره باید دارای شرایط زیر باشد:

- ۱ - عاقل باشد.
 - ۲ - ممیز باشد.
 - ۳ - مسلمان بلکه بنا بر مشهور شیعه دوازده امامی باشد.
 - ۴ - در زمان نیابت حج، انجام حجة الاسلام خودش بر او واجب نباشد.
 - ۵ - هنگام محرم شدن، گمان قابل توجهی داشته باشد که می‌تواند مناسک اختیاری عمره و حج را به جا آورد.
- این شرط اختصاص به حج واجب دارد؛ بنابراین کسی که - مثلاً - از قرائت صحیح نماز معذور است، می‌تواند از طرف دیگری حج مستحب به جا آورد.

مسئله (۵۳): «شرایط منوب عنه در حج و عمره»

کسی که از طرف او حج یا عمره آورده می‌شود، باید دارای شرایط زیر باشد:

- ۱ - مسلمان باشد.
- ۲ - عاقل باشد.
- ۳ - بالغ باشد.
- ۴ - اگر حج نیابتی، حجة الاسلام است، چنانچه منوب عنه از دنیا رفته باید مستطیع باشد که حج خود را به جا نیاورده است و چنانچه زنده است باید استطاعت مالی داشته باشد، ولی از برخی از جهات دیگر نتواند حج به جا آورد و از برطرف شدن مشکل خویش در آینده نیز ناامید باشد.

مسئله (۵۴): «نیابت زن و مرد از یکدیگر»

نیابت زن از مرد و نیابت مرد از زن صحیح است و در هر دو صورت، نایب باید در مناسک حج و عمره و در محرمات احرام، وظیفه خود را رعایت کند.

مسئله (۵۵): «نایب شدن کسی که به حج نرفته»

کسی که تا کنون به حج نرفته اگر خودش مستطیع نباشد و سایر شرایط نایب را داشته باشد می‌تواند برای انجام حج از طرف دیگری نایب شود.

مسئله (۵۶): «نیابت معذور»

کسی که در هنگام احرام بستن تردید دارد که آیا می‌تواند مناسک اختیاری عمره و حج را به جا آورد یا خیر، نمی‌تواند در حج و عمره واجب نایب شود و عمره و حج نیابتی معذور باطل است، خواه نیابت مجانی باشد یا در مقابل پول؛ بلی اگر در هنگام احرام، گمان قابل توجهی داشته باشد که می‌تواند اعمال اختیاری را انجام دهد نیابتش صحیح است، هر چند در اثناء عمل برایش عذری پیش بیاید و از انجام اعمال اختیاری معذور شود.

مسئله (۵۷): «نیابت معذور از قرائت صحیح»

کسانی که از قرائت صحیح نماز یا قرائت صحیح تلبیه معذورند، نمی‌توانند در عمره یا حج واجب نایب شوند؛ پس اگر متوفی وصیت کرده که - مثلاً - پسرش از طرف او حج واجب او را به جا آورد، چنانچه پسر نمی‌تواند قرائت نمازش را تصحیح کند، باید نایب دیگری بگیرند.

مسئله (۵۸): «نیابت با ارتکاب محرمات احرام»

اگر نایب - از روی اختیار یا ناچاری - برخی از محرمات احرام را مرتکب شود، به نیابتش صدمه‌ای نمی‌رسد.

مسئله (۵۹): «نیابت بانوان و خدمه»

بانوان و خدمه همراه آنها که مجازند شب عید قربان پس از وقوف شبانه در مشعر به منا بروند، می‌توانند نایب شوند؛ بلی اگر خدمه بتوانند قبل از طلوع آفتاب به مشعر برگردند، باید بازگردند و تا طلوع آفتاب در آنجا وقوف نمایند.

مسئله (۶۰): «نیابت بانوانی که در شب، رمی می‌کنند»

بانوان می‌توانند جمره عقبه را در شب عید قربان سنگ بزنند هر چند از سنگ زدن در روز دهم ناتوان نباشند و این امر ضروری به نیابت آنها نمی‌زند؛ ولی در مورد رمی روز یازدهم و دوازدهم چنانچه نمی‌توانند در روز رمی کنند، نیابتشان صحیح نیست.

مسئله (۶۱): «نایب، فتوای کدام مرجع را رعایت کند؟»

نایب باید در محرمات احرام و همچنین در دیگر مناسک حج و عمره، فتوای مرجع تقلید خود را رعایت کند، تا به شکل صحیح محرم شده و از احرام خارج شود و در صورتی که با نذر یا عهد یا اجاره یا شرط و مانند آن متعهد شده باشد که فتوای مرجع دیگری را رعایت کند، باید آن فتوی را نیز رعایت کند.

مسئله (۶۲): «قصد نایب»

نایب باید تمام اعمال عمره و حج را از طرف منوب عنه به جا آورد و باید منوب عنه را - هر چند به طور اجمالی - در نیت مشخص

کند، ولی لازم نیست نام او را به زبان بیاورد.

مسئله (۶۳): «نیابت نایب در طواف نساء»

نایب طواف نساء را نیز باید از طرف منوب عنه به جا آورد و اگر طواف نساء را به طور صحیح به جا نیاورد، زن بر خودش حلال نمی‌شود.

مسئله (۶۴): «نیابت یک نفر از چند نفر»

در حجه الاسلام و حج کفاره‌ای، نیابت یک نایب از چند نفر در یک سال صحیح نیست و در عمره یا حجی که به جهت نذر یا عهد یا اجاره و مانند آن واجب شده، صحت نیابت اشتراکی بستگی به کیفیت تعهد دارد و در عمره و حج و طواف مستحب، یک نفر می‌تواند از طرف چندین نفر نایب شود.

مسئله (۶۵): «شرکت دادن دیگران در مناسک مستحب»

انسان می‌تواند یک طواف یا یک عمره و یا یک حج مستحبی را هم از جانب خود و هم به نیابت از دیگران انجام دهد.

مسئله (۶۶): «نیابت در اثناء انجام مناسک حج»

نایب در حج یا عمره می‌تواند در اثناء مناسک به نیابت از دیگری طواف یا سعی یا رمی به جا آورد، هر چند اعمال خود را به جا نیاورده باشد، ولی نمی‌تواند عمره یا حج دیگری به جا آورد؛ بلی قبل از آن که احرام عمره تمتع ببندد یا بعد از اتمام حج تمتع و گذشتن روزهای تشریق (۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذی‌حجه) می‌تواند عمره مفرده به جا آورد و در این امر فرقی بین نایب اجیر شده و غیر او نیست.

مسئله (۶۷): «برداشته شدن حج یا عمره از گردن منوب عنه»

نایب گرفتن، به تنهایی حج یا عمره را از گردن منوب عنه، بر نمی‌دارد، بلکه تا نایب عمل را به طور صحیح انجام نداده، تکلیف بر گردن منوب عنه باقی می‌ماند. بلی اگر نایب برای انجام حجه الاسلام، اجیر شده باشد و بعد از احرام و ورود به حرم از دنیا برود، حجه الاسلام از گردن منوب عنه برداشته می‌شود.

مسئله (۶۸): «صحیح شمردن عمل نایب»

هر گاه نایب، اعمال را انجام دهد و در صحت عمل او شک کنیم، می‌توانیم آن را صحیح بدانیم.

اقسام حج و عمره

مسئله (۶۹): «اقسام حج و عمره»

عمره و حج سه گونه است:

۱ - تَمَتُّع

۲ - اِفراد

۳ - قِران

مسأله (۷۰): «حج تمتع»

وظیفه مستطیعی که فاصله محل سکونت او تا مکه معظمه بیشتر از ۱۶ فرسخ شرعی (حدود ۸۰ کیلومتر) باشد، انجام حج تمتع است. حج تمتع مرکب از دو عمل است:

۱ - عمره تمتع

۲ - حج تمتع

مسأله (۷۱): «حج افراد و قران»

وظیفه مستطیعی که از اهالی مکه یا ساکنین اطراف آن تا فاصله ۱۶ فرسخی است، انجام حج افراد یا قران است.

مسأله (۷۲): «وظیفه بانوان در ایام پاک»

خانمی که از اهالی مکه و اطراف آن نیست و در میقات می‌داند که عادت ماهیانه او مانع انجام عمره تمتع نخواهد شد، باید عمره و حج تمتع به جا آورد؛ بلی چنانچه هنگام ورود مکه حائض باشد می‌تواند طواف عمره و نماز آن را رها کند و سعی را به جا آورد و با تقصیر از احرام بیرون آید؛ پس اگر قبل از احرام حج پاک شد، طواف عمره تمتع و نماز آن را به جا می‌آورد و اگر پاک نشد، پس از پاک شدن و قبل از طواف حج، آن را انجام می‌دهد.

مسأله (۷۳): «شک در عادت شدن»

خانمی که در میقات پاک است و نمی‌داند آیا قبل از انجام عمره تمتع مبتلا به عادت ماهانه خواهد شد یا نه، باید به عمره تمتع محرم شود و پس از ورود مکه بدون تأخیر، اعمال آن را انجام دهد و اگر عادت ماهانه پیش آمد به دستور مسأله قبل رفتار می‌کند.

مسأله (۷۴): «وظیفه بانوان در ایام عادت»

بانوانی که هنگام احرام می‌دانند به خاطر عادت ماهانه، فرصتی برای طواف عمره تمتع و نماز آن نخواهند داشت، باید به نیت حج افراد احرام ببندند و پس از انجام آن و گذشتن روز سیزدهم عمره مفرده به جا آورند و این حج از حجة الاسلام آنها کفایت می‌کند؛ بلی اگر قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شدند باید نیت خود را به عمره تمتع برگردانند و با همان احرام اعمال عمره تمتع و پس از آن حج تمتع را به جا آورند.

مسأله (۷۵): «شک در پاک شدن»

بانوانی که هنگام احرام می‌دانند که قبل از آن که بتوانند طواف عمره تمتع را به جا آورند مبتلا به عادت ماهانه می‌شوند و شک دارند که آیا بعد از پاک شدن فرصت انجام اعمال عمره تمتع را پیدا می‌کنند یا نه، باید به دستور مسأله قبل رفتار کنند.

مسئله (۷۶): «تنگی وقت احرام عمره»

کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است ولی دیرنگام به میقات رسیده است و نگران آن است که اگر بخواهد احرام عمره تمتع ببندد و اعمال آن را به جا آورد قبل از غروب روز نهم به وقوف عرفات نرسد، به حج افراد محرم می‌شود و پس از انجام حج افراد گذشته روز سیزدهم عمره مفرده به جا می‌آورد و چنانچه در این تأخیر معذور باشد، این حج از حجه الاسلام او کفایت می‌کند.

مسئله (۷۷): «حج واجب و تأخیر ورود مکه»

اگر کسی برای عمره تمتع محرم شده، ولی دیروقت به مکه رسیده است؛ به طوری که اگر بخواهد بقیه اعمال عمره را به جا آورد، نگران آن است که به وقوف عرفات نرسد، باید نیت خود را به حج افراد برگرداند و اعمال حج افراد و بعد از روز سیزدهم، عمره مفرده به جا آورد و اگر در این تأخیر معذور باشد کفایت از حجه الاسلام او می‌کند.

مسئله (۷۸): «حج مستحب و تأخیر ورود مکه»

کسی که حج مستحب به جا می‌آورد، اگر پس از ورود مکه برای به جا آوردن عمره تمتع وقت نداشته باشد، باید نیت خود را به حج افراد برگرداند و پس از آن و گذشته روز سیزدهم عمره مفرده به جا آورد.

مسئله (۷۹): «صورت حج افراد»

مناسک حج افراد، مانند حج تمتع است؛ و تنها در دو جهت با آن تفاوت دارد:

اول:

قربانی کردن در حج افراد مستحب است.

دوم:

تمام اعمال آن باید به نیت حج افراد به جا آورده شود.

مسئله (۸۰): «عمره و حج کسی که قرائت صحیح نیست»

کسی که نمی‌تواند تلبیه را صحیح ادا کند یا نمازش را با قرائت صحیح بخواند، همچنانکه می‌تواند عمره یا حج واجب به جا آورد می‌تواند عمره یا حج مستحب به جا آورد، افراد باشد یا تمتع، برای خودش باشد یا دیگری، ولی در هر صورت باید تا آخرین فرصت برای تصحیح قرائتش تلاش کند.

عمره مفرده

مسئله (۸۱): «موارد وجوب عمره مفرده»

اموری که انجام عمره مفرده را واجب می‌کند، عبارت است از:

۱ - استطاعت

۲ - برای ورود مکه یا حرم

۳ - تبدل حج تمتع به حج افراد

۴ - عهد و نذر و قسم

۵ - قراردادِ عمره مفرده

۶ - ابطال عمره مفرده. توضیح این امور در مسائل بعدی خواهد آمد.

مسئله (۸۲): «استطاعتِ عمره مفرده»

بر کسانی که در شهر مکه و اطراف آن - تا فاصله ۱۶ فرسنگی (حدود ۸۰ کیلومتر) - سکونت دارند و استطاعت انجام عمره مفرده را دارند، واجب است عمره مفرده به جا آورند، هر چند استطاعت انجام حج را نداشته باشند.

مسئله (۸۳): «عمره الاسلام»

عمره‌ای که به خاطر استطاعت واجب می‌شود «عمره الاسلام» نامیده می‌شود و در تمام عمر بیش از یک بار واجب نیست.

مسئله (۸۴): «وظیفه ساکنان مناطق دور»

کسانی که منزل آنها تا مکه معظمه بیشتر از ۱۶ فرسنگ شرعی فاصله دارد، چنانچه استطاعت حج تمتع را داشته باشند، باید حج تمتع انجام دهند و لازم نیست عمره مفرده به جا آورند، هر چند استطاعت آن را نیز داشته باشند و اگر استطاعت حج تمتع را نداشته باشند، وظیفه‌ای ندارند؛ بلی اگر استطاعت عمره مفرده را داشته باشند، احتیاط مستحب در انجام عمره مفرده است.

مسئله (۸۵): «عمره مفرده برای نایب حج»

اگر شخص غیر مستطیع حج نیابی به جا آورد، بنا بر احتیاط مستحب برای خودش نیز عمره مفرده به جا آورد و تکرار عمره مفرده در سفرهای بعدی لازم نیست.

مسئله (۸۶): «عمره مفرده برای ورود مکه یا حرم»

ورود مکه یا حرم بدون احرام جایز نیست؛ بلکه کسی که تصمیم دارد وارد مکه یا حرم شود، نباید بدون احرام از میقات‌های پنج‌گانه یا محاذات نزدیک آن عبور کند، بنا بر این کسی که در غیر ماه‌های حج می‌خواهد به مکه برود، وقتی به میقات رسید باید به عمره مفرده محرم گردد.

مسئله (۸۷): «تبدل حج تمتع به حج افراد»

کسانی که حج تمتع آنها مبدل به حج افراد شده، باید پس از انجام حج و گذشتن روز سیزدهم ذیحجه عمره مفرده به جا آورند؛ هر چند حج تمتع آنها استحبابی باشد.

مسئله (۸۸): «نذر عمره مفرده»

اگر کسی قسم بخورد یا نذر یا عهد کند که عمره مفرده به جا آورد، باید به نذر خود عمل کند و ترک آن کفاره دارد.

مسئله (۸۹): «قرارداد عمره مفرده»

اگر کسی در ضمن قراردادی که عمل به آن لازم است - مانند اجاره و شرط کردن - متعهد شود که عمره مفرده به جا آورد، باید به تعهدش عمل کند.

مسئله (۹۰): «ابطال عمره مفرده»

هر گاه کسی که احرام عمره مفرده بسته، قبل از تمام کردن سعی، با همسر خویش مباشرت کند، چنانچه این کار را با علم و عمد و اختیار انجام داده، عمره‌اش باطل می‌شود و باید یک شتر قربانی کند و تا اول ماه بعد در مکه بماند، سپس به میقات منطقه خویش برود و عمره مفرده دیگری به جا آورد.

مسئله (۹۱): «مناسک عمره مفرده»

اعمال عمره مفرده، به ترتیب عبارت است از:

- ۱ - احرام
- ۲ - طواف
- ۳ - نماز طواف
- ۴ - سعی
- ۵ - حلق یا تقصیر
- ۶ - طواف نساء
- ۷ - نماز طواف نساء

مسئله (۹۲): «تفاوت عمره مفرده و عمره تمتع»

اعمال عمره مفرده و عمره تمتع، فرقی ندارد مگر در دو جهت:

اول:

محرم در عمره تمتع باید تقصیر کند، یعنی با کوتاه کردن مو یا گرفتن ناخن از احرام بیرون می‌آید و تراشیدن سر در عمره تمتع جایز نیست؛ ولی در عمره مفرده مردان می‌توانند تقصیر کنند یا سر بتراشند.

دوم:

عمره تمتع طواف نساء ندارد و پس از تقصیر، تمام کارهایی که به سبب احرام حرام شده بود حلال می‌شود؛ و در عمره مفرده طواف نساء واجب است و با تقصیر یا حلق هر چند اغلب محرمات احرام حلال می‌شود، ولی هر گونه بهره‌گیری جنسی زن و مرد از یکدیگر همچنان حرام است و پس از طواف نساء و نماز آن حلال می‌شود.

مسئله (۹۳): «طواف نساء در عمره مفرده»

طواف نساء اختصاص به مردان متأهل ندارد بلکه همه کسانی که عمره مفرده به جا می‌آورند - مرد و زن، متأهل و مجرد، جوان و پیر - واجب است.

مسئله (۹۴): «استحباب عمره مفرده»

یکی از مستحبات، انجام عمره مفرده است و تکرار آن نیز مستحب است و فاصله افتادن بین دو عمره لازم نیست؛ بلکه انسان می‌تواند در یک روز چندین عمره مفرده به جا آورد؛ و در این امر فرق نمی‌کند که همه عمره‌ها برای خودش باشد یا به نیابت از دیگری.

مسئله (۹۵): «زمان انجام عمره مفرده»

عمره مفرده را در طول سال می‌توان انجام داد، مگر در سه مقطع:

۱- روزهای تشریق (۱۱ و ۱۲ و ۱۳ @ ذی‌حجه)

۲- در اثناء عمره یا حج دیگر.

۳- بین عمره تمتع و حج تمتع.

مسئله (۹۶): «عمره مفرده قبل از طواف نساء»

کسی که هنوز طواف نساءش را به جا نیاورده است - خواه طواف نساء حج باشد یا عمره مفرده - می‌تواند احرام عمره مفرده ببندد و در این صورت باید دو طواف نساء - یکی برای احرام جدید و دیگری برای احرام قبلی - به جا آورد.

مسئله (۹۷): «عمره مفرده به نیابت از دیگران»

عمره مفرده مستحبی را می‌توان به نیابت از یک یا چند نفر - زنده یا مرده - انجام داد؛ ولی به نیابت از هر کس که شروع کرد، بقیه اعمال را باید به همان نیت، انجام دهد.

مسئله (۹۸): «بیرون رفتن از مکه در عمره مفرده»

کسانی که عمره مفرده انجام می‌دهند می‌توانند در اثناء عمره یا بعد از آن از مکه خارج شوند و در بازگشت نیز احتیاج به احرام مجدد ندارند مگر آن که بعد از اتمام عمره خارج شده و هنگام بازگشت به حرم یا مکه یک ماه از احرام قبلی‌شان گذشته باشد؛ بنابراین کسانی که به عمره مفرده می‌روند و سازمان حج آنها را به عرفات و مشعر و منا می‌برد و قبل از فاصله شدن یک ماه باز می‌گردند، لازم نیست مجدداً محرم شوند هر چند احرام عمره مفرده آنها در ماه گذشته باشد.

مسئله (۹۹): «قطع تئیک در عمره مفرده»

بر کسی که احرام عمره مفرده بسته مستحب است تئیک گفتن را تکرار کند و چنانچه از میقات‌های پنج‌گانه محرم شده باشد، استحباب تکرار تلبیه تا ورود در حرم ادامه دارد و اگر احرام عمره مفرده را از حدود حرم مثلاً - تنعیم بسته، تکرار تلبیه تا زمانی مستحب است که به جایی برسد که بتواند مسجدالحرام را ببیند.

مسئله (۱۰۰): «استحباب تبدیل عمره مفرده به عمره تمتع»

کسی که در یکی از ماه‌های حج (شوال، ذی‌قعدة و ذیحجه) عمره مفرده مستحبی برای خودش یا دیگری به جا آورده و بعد از پایان عمره از مکه بیرون رفته، مستحب است آن را عمره تمتع استجابی قرار دهد و پس از آن حج تمتع به جا آورد و تبدیل عمره مفرده واجب به عمره تمتع صحیح نیست.

بخش دوم؛ اعمال عمره تمتع

اشاره

مسئله (۱۰۱): «اعمال عمره تمتع»

پیش از حج تمتع باید «عمره تمتع» به جا آورد و اعمال عمره تمتع به ترتیب عبارت است از:

۱ - احرام

۲ - طواف

۳ - نماز طواف

۴ - سعی

۵ - تقصیر

مسئله (۱۰۲): «سیر اجمالی عمره تمتع»

کسی که می‌خواهد عمره تمتع انجام بدهد، باید ابتدا به قصد انجام عمره تمتع «احرام» ببندد و پس از ورود به مکه هفت مرتبه دور خانه خدا «طواف» کند و پس از آن در پشت مقام ابراهیم علیه‌السلام دو رکعت «نماز طواف» به جا آورد و سپس به کوه صفا برود و هفت مرتبه بین صفا و مروه «سعی» نماید؛ یعنی فاصله بین آنها را بپیماید و در پایان قدری از «موی سر یا صورت کوتاه» کند، یا از ناخن خود بچیند و با این کار از احرام بیرون می‌آید.

مسئله (۱۰۳): «قصد قربت در مناسک حج»

تمام اعمال عمره و حج از عبادات است و باید با نیت خالص برای خداوند متعال انجام شود.

مسئله (۱۰۴): «ارتباط عمره و حج تمتع»

عمره و حج تمتع از یکدیگر جدا نمی‌باشند بلکه اجزاء یک عمل هستند و بر کسی که محرم به عمره تمتع می‌شود، واجب است عمره تمتع را به پایان برساند و پس از آن حج تمتع نیز به جا آورد، هر چند عمره تمتع او استحبابی باشد.

مسئله (۱۰۵): «زمان عمره تمتع»

عمره تمتع باید در ماه‌های حج (شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه) انجام شود و پایان وقت عمره تمتع زمانی است که محرم بتواند اعمال آن را به اتمام رساند و به حج تمتع محرم شود و خود را قبل از غروب روز نهم به عرفات برساند.

۱ - احرام «اولین عمل عمره تمتع»

[۱ - ۱] میقات

مسئله (۱۰۶): «میقات»

احرام معمولاً در محلی بسته می‌شود که به آن «میقات» می‌گویند. میقات پنج تاست:

× «مسجد شجره» که در منطقه ذوالحلیفه، نزدیک مدینه منوره واقع شده است و میقات کسانی است که از آن مسیر به مکه می‌روند.
× «جحفه» میقات کسانی است که از راه شام به مکه می‌روند. اکنون بسیاری از زائران از جده به جحفه می‌روند و در آنجا محرم می‌شوند.

× «وادی عقیق» برای کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

× «قَرْن المنازل» میقات کسانی است که از راه طائف به مکه می‌روند.

× «یَلْمَم» میقات اهل یمن و کسانی است که از آن مسیر به مکه می‌روند.

مسئله (۱۰۷): «احرام از میقات»

کسی که از مواقیت پنج گانه یا نزدیکی آن می‌گذرد، نمی‌تواند از غیر میقات محرم شود، حتی با نذر. کسی که مسیرش از میقات و حوالی آن نیست، قبل از رسیدن به حرم هر کجا که بخواهد می‌تواند محرم شود؛ و نیازی به نذر نیست.

مسئله (۱۰۸): «احرام از مسجد شجره»

زائرانی که قبل از حج برای زیارت مرقد مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه بقیع علیهم السلام به مدینه منوره می‌روند، آنگاه که عازم مکه معظمه می‌شوند، باید در «مسجد شجره» نیت احرام را «انشاء کنند»، یعنی از قلب خود بگذرانند که خود را - مثلاً - به عمره تمتع محرم قرار می‌دهم. نیت احرام از قسمت‌های توسعه یافته مسجد صحیح است و لازم نیست محل مسجد اصلی را پیدا کرده در آنجا نیت کنند. برای محرم شدن باید لبیک بگویند؛ ولی لازم نیست داخل مسجد شجره باشد و گفتن لبیک واجب در کل منطقه ذوالحلیفه جایز است.

مسئله (۱۰۹): «طهارت در احرام»

در صحت احرام طهارت از حدث و خبث شرط نیست؛ یعنی کسی که وضو ندارد یا غسل بر عهده اوست، یا بدن یا لباسش نجس است، می‌تواند در این حال محرم شود.

مسئله (۱۱۰): «احرام حائض»

بانوان حائض می‌توانند در حال عبور از مسجد شجره نیت احرام نمایند و با لبیک گفتن محرم شوند؛ همچنان که می‌توانند در خارج مسجد محرم گردند؛ و اگر قسمت بانوان مسجد شجره تنها یک در داشته باشد، بانوان حائض باید در خارج مسجد محرم شوند.

مسئله (۱۱۱): «احرام از جحفه»

زائرانی که از جده به جحفه می‌روند و از آنجا عازم مکه می‌شوند، باید در منطقه جحفه محرم شوند. احرام در هر نقطه از منطقه جحفه صحیح است و لازم نیست احرام در داخل مسجدی که اخیراً در آنجا ساخته شده، بسته شود.

مسئله (۱۱۲): «احرام از جدّه»

کسانی که از جدّه مستقیماً به مکه می‌روند، قبل از رسیدن به حرم هر کجا که بخواهند می‌توانند محرم شوند، هر چند در «فرودگاه جدّه» باشد؛ ولی چون ورود به مکه نیز بدون احرام جایز نیست، چنانچه مسیرشان از طرف خیابان تنعیم است، باید قبل از ورود به مکه محرم گردند.

مسئله (۱۱۳): «احرام کسی که در مکه است»

کسی که در مکه است، اگر بخواهد عمره تمتع به جا آورد، می‌تواند از حرم خارج شود - مثلاً به مسجد تنعیم برود - و به عمره تمتع محرم گردد، هر چند بهتر است که از یکی از مواقیع پنج‌گانه محرم شود. در این حکم فرقی بین ساکنان مکه و زائران آن نیست.

مسئله (۱۱۴): «عبور از میقات»

بر کسی که می‌خواهد وارد حرم یا مکه شود گذشتن از میقات‌های پنج‌گانه و محاذات نزدیک آن بدون احرام، جایز نیست.

مسئله (۱۱۵): «ورود مکه و حرم بدون احرام»

سه گروهند که می‌توانند بدون احرام وارد مکه و حرم شوند:

- ۱ - کسانی که قبلاً احرام حج یا عمره بسته‌اند و اعمال آن را به جا آورده‌اند و از آن احرام، یک ماه نگذشته است، هر چند ماه عوض شده باشد.
- ۲ - کسانی که محرم شدن برای آنها با مشقت شدید همراه است.
- ۳ - اشخاصی که به خاطر شغلشان زیاد وارد مکه یا حرم شده و از آن خارج می‌گردند.

مسئله (۱۱۶): «راه شناخت میقات»

برای شناخت میقات، گواهی اهل محل کافی است.

مسئله (۱۱۷): «واجبات احرام»

واجبات احرام سه چیز است:

- ۱ - پوشیدن لباس احرام (بنا بر مشهور)
- ۲ - نیت احرام
- ۳ - لیتیک گفتن

مسئله (۱۱۸): «سیر اجمالی احرام بستن»

کسی که می‌خواهد محرم شود، پس از بیرون آوردن لباس‌های عادی «لباس» مناسب احرام را می‌پوشد و «تیت احرام» می‌نماید و برای محرم شدن «لُتیک» می‌گوید، پس از لُتیک گفتن، شخص محرم می‌شود و محرمات احرام بر او حرام می‌گردد.

مسئله (۱۱۹): «وجوب اتمام عمره و حج»

بر کسی که محرم به هر گونه عمره یا حج می‌شود، واجب است مناسک آن - حتی طواف نساء - را به جا آورد و نمی‌تواند آن را رها کند؛ هر چند مستحبی باشد.

[۱ - ۲] غسل احرام

مسئله (۱۲۰): «غسل احرام»

بنا بر احتیاط مؤکد مستحب، کسی که می‌خواهد محرم شود، برای احرام غسل نماید و در این حکم فرقی بین مرد و زن، حائض و غیر او نیست.

مسئله (۱۲۱): «مکان غسل احرام»

بهتر است در میقات غسل نماید، ولی انجام آن قبل از میقات نیز صحیح است.

مسئله (۱۲۲): «مبطلات غسل احرام»

چهار چیز غسل احرام را باطل می‌کند:

- ۱ - پوشیدن پیراهن و به سر بستن دستمال، روسری، مقنعه و مانند آن برای مردان و زدن نقاب برای زنان.
 - ۲ - خوردن غذای معطر.
 - ۳ - خوابیدن قبل از لُتیک گفتن، در مورد کسی که در میقات یا نزدیک آن غسل کرده است.
 - ۴ - به مقدار یک روز و مانند آن فاصله شدن بین غسل و لُتیک گفتن.
- سایر مبطلات وضو و غسل، غسل احرام را باطل نمی‌کند و خوابیدن پس از لُتیک گفتن، اشکال ندارد.

[۱ - ۳] لباس احرام

مسئله (۱۲۳): «لباس احرام مردان»

لباس احرام پسران و مردان دو قطعه است که یکی را مانند «لنگ» به کمر می‌بندند و دیگری «رداء» است که آن را بر شانه می‌اندازند.

مسئله (۱۲۴): «بیرون آوردن لباسهای معمولی»

مردی که می‌خواهد احرام ببندد، واجب است لباس‌هایی را که بر مرد محرم حرام است، از تن بیرون آورد و چنانچه در همان

لباس‌های معمولی نیت کند و لئیک بگوید، محرم می‌شود، ولی اگر بدون عذر این کار را کرده، گناهکار است.

مسئله (۱۲۵): «قصد قربت در پوشیدن لباس احرام»

برای بیرون آوردن لباس‌های معمولی و همچنین برای پوشیدن لباس‌های احرام، نیت و قصد قربت لازم نیست.

مسئله (۱۲۶): «لباس احرام بانوان»

بانوان برای احرام، لباس مخصوص ندارند و می‌توانند در لباس‌های معمولی خود - اگر شرایط زیر را داشته باشد - محرم شوند.

مسئله (۱۲۷): «ویژگیهای لباس احرام»

لباسی که محرم در حال احرام می‌پوشد - مرد باشد یا زن - نباید از ابریشم خالص باشد و واجب است شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد؛ پس باید پاک و حلال بوده و از اجزاء مردار و حیوان حرام گوشت نباشد.

مسئله (۱۲۸): «تطهیر لباس و بدن محرم»

هرگاه لباس یا بدن محرم نجس شود، باید بدون تأخیر، آن را تطهیر نماید یا لباس را عوض کند؛ ولی اگر این کار را نکند، کفاره ندارد.

مسئله (۱۲۹): «نجاست بخشیده شده در لباس احرام»

در مواردی که نجس بودن لباس نمازگزار اشکال ندارد، نجس بودن لباس احرام نیز اشکال ندارد.

مسئله (۱۳۰): «احرام در لباس خمس نداده»

اگر کسی بدون عذر در لباسی که خمس داشته و خمس آن داده نشده محرم شود، گناهکار است و بنا بر احتیاط مؤکد مستحب، به آن احرام اکتفا نکند.

مسئله (۱۳۱): «لباس، شرط صحت احرام نیست»

پوشیدن لباس احرام، شرط صحت احرام نیست؛ هر چند بنا بر مشهور پوشیدن آن هنگام لئیک گفتن لازم است و در هر حال اگر لباسی را که پوشیده شرایط لباس احرام را نداشته باشد، به احرام ضرری نمی‌رساند.

مسئله (۱۳۲): «کنار گذاشتن لباس احرام»

لازم نیست محرم، جامه احرام را همیشه پوشیده باشد؛ بلکه می‌تواند آن را کنار بگذارد.

مسأله (۱۳۳): «بستن لباس احرام»

برای مردان در حال احرام گره زدن لباس احرام و بستن آن با دکمه و کش و سنجاق و مانند آن در صورت لزوم جایز است و در غیر این صورت باید از این امور اجتناب کنند؛ و در هر حال این عمل به احرام آنان ضرر نمی‌زند.

مسأله (۱۳۴): «پوشیدن بیش از دو جامه»

پوشیدن بیش از دو جامه (مثلاً سه حوله) هنگام محرم شدن یا بعد از آن برای جلوگیری از سرما یا غیر آن، اشکالی ندارد، ولی تمام این لباس‌ها باید از قبیل حوله و لنگ و ملافه و پارچه و ... باشد و دوخته بودن این لباس‌ها اشکال ندارد.

[۱ - ۴] نیت احرام

مسأله (۱۳۵): «امور معتبر در نیت»

در نیت احرام باید چند امر را رعایت کرد:

- ۱ - تعیین در نیت؛ یعنی ویژگیهای عمره یا حجی را که برای آن احرام می‌بندد، در نیت مشخص کند و اگر عمره و حج به نیابت از دیگری است، باید نیت نیابت هم داشته باشد و منوب عنه را معین نماید؛ هر چند بردن نام او لازم نیست.
- ۲ - انشاء احرام؛ نیت احرام عمره یا حج را انشاء کند؛ یعنی از قلب خود بگذراند که: «خود را محرم به - مثلاً - عمره تمتع از حجه الاسلام قرار می‌دهم» و در نیت احرام، داشتن انگیزه و نیت ارتکازی کافی نیست.
- ۳ - قصد قربت؛ یعنی با نیت خالص برای خداوند متعال احرام ببندد.
- ۴ - تصمیم بر انجام مناسک؛ یعنی تصمیم داشته باشد مناسک حج و عمره را انجام دهد و در عمره و حج تمتع، عمره و حج تمتع را به عنوان بخشی از مجموعه عمره و حج تمتع به جا آورد.

مسأله (۱۳۶): «قصد تحریم و قصد پرهیز از محرمات»

در نیت احرام، قصد حرام کردن محرمات احرام و قصد پرهیز از آنها لازم نیست؛ بلکه اگر تصمیم هم داشته باشد در اثناء احرام برخی از محرمات احرام را مرتکب شود، ضرری به احرام او نمی‌زند؛ مگر در احرام عمره مفرده که اگر قصد نزدیکی با زن قبل از اتمام سعی را داشته یا در این کار تردید داشته باشد، احرامش باطل است.

مسأله (۱۳۷): «نیت در سایر مناسک حج»

به جز احرام در سایر مناسک عمره و حج نیت ارتکازی کافی است، به طوری که اگر در حال - مثلاً - طواف از او بپرسند:
«چه می‌کنی؟» بگوید:
«برای خدا طواف می‌کنم».

مسأله (۱۳۸): «به زبان آوردن نیت»

به زبان آوردن نیت در هیچ کدام از مناسک عمره و حج، لازم نیست.

[۱-۵] نیت گفتن

مسئله (۱۳۹): «سومین واجب احرام»

پس از نیت، لازم است برای خداوند متعال با قرائت صحیح بگوید:
«لَيْتِيكَ، اَللّٰهُمَّ لَيْتِيكَ، لَيْتِيكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْتِيكَ،
اِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».
و گفتن «لَيْتِيكَ» دیگر در آخر عبارت لازم نیست.

مسئله (۱۴۰): «یادگیری نیت»

واجب است نیت‌های چهارگانه فوق را به شکل صحیح بگوید و کسی که آن را نمی‌داند، باید یاد بگیرد یا به کمک تلقین دیگری، آن را به شکل صحیح ادا نماید.

مسئله (۱۴۱): «وظیفه کسی که نمی‌تواند نیت را صحیح بگوید»

اگر نتواند - حتی با تلقین شخص دیگر - نیت را به طور صحیح ادا کند، باید برای گفتن آن نیت بگیرد و بنا بر احتیاط مستحب، خود نیز به کامل‌ترین شکلی که می‌تواند آن را ادا کند.

مسئله (۱۴۲): «وقف به حرکت و وصل به سکون»

وقف به حرکت و وصل به سکون در گفتن تلبیه و خواندن نماز اشکال ندارد، هر چند خلاف احتیاط استجابی است.

مسئله (۱۴۳): «ورود در احرام با نیت گفتن»

تا زمانی که انسان نیت نگفته، محرّمات احرام بر او حرام نبوده و کفّاره ندارد، هر چند لباس احرام را پوشیده نیت احرام هم کرده باشد، بلکه انسان پس از نیت احرام و گفتن نیت محرم می‌شود و تا از احرام بیرون نیامده، باید از کارهایی که بر محرم حرام است، پرهیز کند.

مسئله (۱۴۴): «مقدار واجب نیت»

برای محرم شدن تنها یک بار نیت گفتن، لازم است.

مسئله (۱۴۵): «استحباب تکرار نیت و مقدار آن»

مستحب است محرم نیت گفتن را تکرار کند و در عمره تمتّع وقتی محرم، به جایی رسید که خانه‌های محدوده مکه قدیم

(محدوده مکه زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) دیده می‌شود، لَبِیک گفتن را قطع می‌کند؛ و تکرار آن دیگر مستحب نیست.

[۱-۶] نماز احرام

مسئله (۱۴۶): «نماز احرام»

بنا بر احتیاط مؤکد مستحب کسی که می‌خواهد محرم شود، بعد از خواندن نماز واجب یا مستحب، نیت کند و لبیک بگوید. نیت احرام می‌تواند پس از نماز تحیت مسجد هم باشد و کسی که از مدینه به مکه می‌رود و در مسجد شجره محرم می‌شود، این نماز را در مسجد شجره به جا می‌آورد.

[۱-۷] آداب و مستحبات احرام

۱- کسی که می‌خواهد حج به جا آورد از اول ذی‌قعدة موی سر و ریش را کوتاه نکند.

۲- قبل از احرام بدن خود را شستشو دهد.

۳- موی زیر بغل و عانه را تمیز کند.

۴- ناخن و شارب خود را بگیرد.

۵- هنگام غسل احرام این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِزًّا وَأَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسِقْمٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي مَحَبَّتِكَ وَمَدْحَتِكَ وَالشَّاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِوَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لَكَ وَالْإِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

۶- لباس احرام سفید و پاکیزه و از جنس پنبه باشد.

۷- آنگاه که جامه احرام را می‌پوشد، بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوَدَّى فِيهِ فَرْصِي وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَغَنِي وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَوَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي، فَهُوَ حِضِّي وَكَهْنِي وَحِزْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعَدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي».

۸- هنگام ظهر محرم شود.

۹- مستحب است بعد از نماز نیت احرام کند و محرم گردد، بلکه این امر مطابق احتیاط مؤکد استحبابیست و بهتر آن است که نیت احرام پس از نماز واجب باشد و اگر نمی‌تواند نماز مستحب بخواند و بهتر است سه نماز دو رکعتی بخواند، در رکعت اول پس از حمد، سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره «کافرون» را بخواند.

۱۰- بعد از نماز حمد الهی بگوید و صلوات بر پیامبر و آل او بفرستد و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَأَمَّنْ بَوَّعِدَكَ وَأَتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَلَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ، عَلَيَّ كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَتَقْوِيَّتِي عَلَى مَا ضَعَفْتَ عَنْهُ وَتَسَلِّمَ لِي مَنَاسِكَي، فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفِدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَأَرْضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شِقْمَةٍ بَعِيدَةٍ وَأَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجِّي وَعُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلِّمْ، فَإِنْ عَرَّضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي، فَحَلِّي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ،

اللَّهُمَّ إِنَّمَا تَكُنْ حِجَّةً فَعُمْرَةً، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعَصَبِي، مِنْ النِّسَاءِ وَالنِّسَاءِ وَالطِّيبِ، أُبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ».

۱۱ - نیت احرام را به زبان آورد.

۱۲ - اگر مرد است تلبیه را بلند بگوید.

۱۳ - پس از گفتن تلبیه واجب، مستحب است بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُوْدِيُّ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعِينِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ».

۱۴ - تلبیه را در حال احرام تکرار کند، تا به جایی برسد که خانه‌های محدوده مکه زمان رسول الله صلی الله علیه و آله دیده می‌شود؛ به خصوص در این موارد:

الف - بعد از هر نماز واجب و مستحب

ب - وقت سوار شدن و پیاده شدن

ج - وقت رسیدن به شخص سواره

د - هنگام بالا رفتن از سربالایی و سرازیر شدن از آن

ه - وقت برخاستن از خواب

و - هنگام سحر

[۱ - ۸] مکروهات احرام

۱ - احرام بستن در جامه سیاه.

۲ - احرام بستن در جامه چرکین.

۳ - خوابیدن در رختخواب و بالش سیاه.

۴ - حمام رفتن و ساییدن بدن.

۵ - «لَبَّيْكَ گفتن» در پاسخ کسی که او را صدا می‌زند.

[۱ - ۹] مُحْرَمَات احرام

مُحْرَمَات احرام

بیست چیز بر محرم حرام است:

۱ - پوشیدن لباس معمولی (برای مردان)

۲ - پوشیدن پاپوش (برای مردان)

۳ - پوشاندن سر خود (برای مردان)

۴ - پوشاندن صورت خود (برای بانوان)

۵- زیر سایبان حرکت کردن (برای مردان)

۶- زینت کردن خود

۷- پوشیدن زیورآلات

۸- استفاده از عطریات

۹- استفاده از روغن

۱۰- بیرون آوردن خون از بدن خود

۱۱- گرفتن ناخن خود

۱۲- جدا کردن مو از بدن خود یا دیگری

۱۳- کشتن و انداختن جانوران بدن

۱۴- دروغ و دشنام و فخرفروشی

۱۵- قسم خوردن به خداوند متعال

۱۶- بهره‌گیری جنسی زن و مرد از یکدیگر

۱۷- عقد کردن و شاهد عقد شدن

۱۸- استمناء

۱۹- شکار حیوانات وحشی صحرائی

۲۰- مسلح بودن

برخی از مسائل محرّمات

مسئله (۱۴۷):

در محرمات احرام فرقی بین عمره و حج و اقسام آنها نیست، همچنان که فرقی بین حج و عمره واجب و مستحب، حج نیایی و غیر آن نیست.

مسئله (۱۴۸):

برخی از محرمات احرام، مخصوص مردان و برخی مخصوص بانوان و بقیه محرمات بین مرد و زن مشترک است.

مسئله (۱۴۹):

برخی از محرمات احرام - مانند دروغ گفتن و دشنام دادن - در غیر حال احرام هم حرام است و حرمت آن در حال احرام شدیدتر خواهد بود.

مسئله (۱۵۰):

بر محرمی که بدون عذر، مرتکب یکی از محرمات احرام شده، واجب است که "استغفار" کند و انجام بسیاری از محرمات احرام، علاوه بر این که گناه است، «کفاره» هم دارد که توضیح آن در مسائل بعدی خواهد آمد.

(۱) - پوشیدن لباس معمولی (برای مردان)

مسئله (۱۵۱): «پوشیدن لباسهای معمولی»

مرد محرم باید در حال احرام از پوشیدن کت و قبا، پیراهن و شلوار، شورت و زیرپوش و هر لباسی که مانند آن تمام عرض بدن را می پوشاند، خودداری کند؛ هر چند دوخته نباشد.

مسئله (۱۵۲): «پوشیدن عبا»

مرد محرم می تواند عبا به دوش بگیرد هر چند دوخته باشد، ولی احتیاط استحبابی در ترک آن است؛ و تا ضرورتی پیش نیامده جایز نیست دو لبه آن را با سنجاق یا دکمه و مانند آن به یکدیگر وصل نماید.

مسئله (۱۵۳): «استفاده از پتو و لحاف»

مرد محرم می تواند هنگام خواب از رو انداز لحاف و پتو و ... هر چند دوخته باشد - استفاده کند، همچنان که می تواند هنگام نشستن یا راه رفتن از آن استفاده کند، مثلاً آن را روی دوش خود بیندازد یا به خود بپیچد.

مسئله (۱۵۴): «دوخته بودن لباس احرام»

دوخته بودن لباس احرام - لنگ و رداء - اشکال ندارد.

مسئله (۱۵۵): «لباس بانوان»

برای بانوان پوشیدن انواع لباسهای معمولی در حال احرام جایز است؛ ولی باید ابریشم خالص نبوده و شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد، علاوه بر این بانوان محرم نباید دستکش به دست کنند.

مسئله (۱۵۶): «پوشیدن همیان و کمر بند»

مرد محرمی که برای نگاه داشتن پول یا لباس احرامش لازم است از همیان و کمر بند استفاده کند، می‌تواند همیان یا کمر بند ببندد، هر چند دوخته باشد و کفاره هم ندارد ولی اگر لازم نباشد، باید از پوشیدن آنها پرهیز کند.

مسئله (۱۵۷): «کیسه خواب»

محرم می‌تواند برای خوابیدن از کیسه خواب استفاده کند، هر چند دوخته باشد و روی پایش را نیز ببوشاند.

مسئله (۱۵۸): «به دوش انداختن کیف دوخته»

دست گرفتن و به دوش انداختن بند کیف و ساک و قمقمه آب، بر محرم جایز است، هر چند دوخته باشد.

مسئله (۱۵۹): «به میج بستن ساعت»

به میج بستن ساعت بر محرم جایز است؛ هر چند بند آن دوخته باشد.

مسئله (۱۶۰): «کفاره»

اگر محرم لباسی را ببوشد که بر وی حرام است باید یک گوسفند قربانی کند و احتیاط مستحب آن است که تلبیه بگوید و غسل هم بنماید.

(۲) - پوشیدن پاپوش (برای مردان)

مسئله (۱۶۱): «پوشیدن پاپوش»

پوشیدن چکمه، گیوه و کفش و جوراب و هر گونه پاپوشی که تمام روی پا را می‌پوشاند، بر مرد محرم حرام است؛ بلی می‌تواند از دمپایی رو باز استفاده کند.

مسئله (۱۶۲): «پوشیده شدن پا هنگام خواب»

اگر هنگام خواب روی پای مرد محرم، با پتو و حوله و مانند آن پوشیده شود، اشکال ندارد.

مسئله (۱۶۳): «پوشیده شدن پا با حوله بلند»

هر گاه حوله احرامی بلند باشد و روی پای محرم را بپوشاند، مانع ندارد.

مسئله (۱۶۴): «پوشیدن پاپوش برای زنان»

زن محرم می‌تواند کفش و چکمه و جوراب بپوشد.

مسئله (۱۶۵): «کفاره»

کفاره پوشیدن جوراب یک گوسفند است و ظاهراً پوشیدن چکمه و کفش کفاره ندارد.

(۳) - پوشاندن سر خود (برای مردان)

مسئله (۱۶۶): «پوشاندن سر»

مرد محرم نباید سر خود را بپوشاند؛ خواه با چیزهای پوششی مانند:

کلاه و لباس احرام یا با چیزهای غیرپوششی مانند:

بادبزن و حنا و بار.

مسئله (۱۶۷): «پوشاندن قسمتی از سر»

بر مرد محرم پوشاندن قسمتی از سر حتی گوشها نیز حرام است؛ بنابراین نمی‌تواند کلاه کوچکی که فقط وسط سر را می‌پوشاند بر سر بگذارد یا دستمال به سر ببندد.

مسئله (۱۶۸): «هنگام خواب»

مرد محرم می‌تواند هنگام خواب، رو انداز خود را روی سر خود بکشد و هر چند این کار، مکروه و احتیاط استحبابی در ترک آن است؛ ولی گذاشتن سر روی بالش هیچ اشکالی ندارد.

مسئله (۱۶۹): «پوشش غیر ثابت»

مرد محرم می‌تواند سر خود را با پوششی که ثابت نیست، بپوشاند؛ بنابراین می‌تواند زیر دوش برود یا با حوله، سر خود را خشک کند و کفاره هم ندارد؛ ولی احتیاط استحبابی در ترک همه این کارها است.

مسئله (۱۷۰): «پوشاندن صورت»

مرد محرم می‌تواند صورت خود را بپوشاند؛ بنابراین می‌تواند ماسک به صورت خود بزند، هر چند به آن احتیاج نداشته باشد.

مسئله (۱۷۱): «پوشاندن سر با بدن»

مرد محرم می‌تواند سر خود را با بعضی از اعضای بدن بپوشاند، مثلاً برای جلوگیری از تابش خورشید، دست خود را روی سرش بگذارد.

مسئله (۱۷۲): «پوشاندن سر با بند کیف»

انداختن بند کیف و ساک و مشک و مانند آن روی سر برای جایجا کردن در حال احرام، اشکال ندارد.

مسئله (۱۷۳): «پوشاندن سر در حال سردرد»

مرد محرم می‌تواند برای سردرد دستمال به سر ببندد، یا کلاه بر سر بگذارد؛ ولی باید کفاره بدهد.

مسئله (۱۷۴): «پوشاندن سر بدون توجه»

مرد محرم هرگاه بدون توجه سر را بپوشاند، واجب است فوراً پوشش را بردارد و تلبیه بگوید و گفتن یک «لَبَّيْكَ» کافی است.

مسئله (۱۷۵): «کفاره»

کفاره پوشاندن سر با چیزهای پوششی مانند: کلاه و عمامه، یک گوسفند است و پوشاندن سر با غیر لباس ظاهراً کفاره ندارد؛ ولی بنا بر احتیاط مؤکد مستحب، یک گوسفند قربانی کند.

(۴) - پوشاندن صورت خود (برای بانوان)

مسئله (۱۷۶): «پوشاندن صورت»

زن محرم نباید صورت خود و حتی قسمتی از آن را بپوشاند، خواه به چیزهای پوششی مانند: نقاب و پوشیه و روسری و چادر، یا با چیزهای غیر پوششی مانند:

بادبزنی و حنا.

مسئله (۱۷۷): «هنگام خواب»

زن محرم می‌تواند هنگام خواب، رو انداز خود را روی صورتش بکشد، هر چند این کار مکروه و خلاف احتیاط استحبابی است؛ ولی گذاردن صورت روی بالش هیچ اشکالی ندارد.

مسئله (۱۷۸): «پوشش غیر ثابت»

زن محرم می‌تواند صورت خود را با پوشش‌های غیر ثابت بپوشاند؛ بنابراین شستن صورت و خشک کردن آن با حوله جایز است و کفاره هم ندارد.

مسئله (۱۷۹): «پوشش صورت هنگام لباس پوشیدن»

برای بانوان پوشیده شدن صورت در حال پوشیدن یا در آوردن مقنعه یا لباس، اشکال ندارد.

مسئله (۱۸۰): «پوشاندن صورت با بدن»

زنی که در حال احرام است می‌تواند صورت خود را با برخی از اعضای بدن بپوشاند، مثلاً برای جلوگیری از باد یا آفتاب دست خود را روی صورت بگذارد.

مسئله (۱۸۱): «پوشش نماز»

بانوان برای نماز، باید بدن و موی سر خود را - به استثنای مقداری از صورت که در وضو شسته می‌شود - بپوشانند و اگر برای پوشاندن سر و گردن مقداری از صورت نیز پوشیده شود، مانعی ندارد، لکن باید بعد از نماز فوراً آن را باز کنند.

مسئله (۱۸۲): «پوشش از نامحرم»

زن محرم می‌تواند چادر یا روسری خود را از طرف پیشانی آویزان کند؛ بنابراین برای رو گرفتن از نامحرم می‌تواند چادر و روسری خود را جلو کشیده روی صورت خود بیندازد، هر چند تمام صورت را بپوشاند.

مسئله (۱۸۳): «ماسک زدن»

زن محرم در صورت حاجت می‌تواند از ماسک‌هایی که جهت جلوگیری از ورود هوای آلوده به دهان می‌زنند استفاده کند؛ ولی باید کفاره بدهد.

مسئله (۱۸۴): «کفاره»

کفاره پوشاندن صورت با چیزهای پوششی مانند:

نقاب و پوشیه یک گوسفند است و در غیر لباس ظاهراً کفاره ندارد؛ ولی بنا بر احتیاط مؤکد مستحب یک گوسفند قربانی کند.

(۵) - زیر سایبان حرکت کردن (برای مردان)

مسئله (۱۸۵): «ماشین سقف‌دار و چتر»

حرکت کردن با وسیله نقلیه سقف‌دار برای مرد محرم جایز نیست، روز باشد یا شب، هوا آفتابی باشد یا ابری؛ همچنین جایز نیست در هوای آفتابی یا بارانی در پناه سایبان متحرک مانند چتر، حرکت کند و این امر برای بانوان و کودکان جایز است و کفاره‌ای هم ندارد.

مسئله (۱۸۶): «سایبان ثابت»

محرم می‌تواند در پناه سایبانهای ثابت و مستقر - مانند دیوارها و پلها و تونلهای کوتاه - حرکت کند؛ بنابراین می‌تواند در مسجدی که محرم می‌شود، مساجد و قهوه‌خانه‌های بین راه، منزلی که در آن ساکن شده، در شبستان‌های مسجدالحرام و محل سعی و چادری که در عرفات یا منا منزل گزیده، زیر سقف حرکت کند.

مسئله (۱۸۷): «عبور از تونل»

عبور از طول سایبان‌ها و تونلهای طولانی که اخیراً در مکه و منا احداث شده، در هنگام آفتاب و باران برای مرد محرم، جایز نیست؛ ولی چنانچه انتخاب مسیر روباز با مشقت زیاد همراه باشد می‌تواند از این تونلها عبور کند، هر چند در هوای آفتابی و بارانی کفاره دارد و در هر حال عبور از تونلها و سایبان‌ها در صورتی که آفتاب و باران نباشد، جایز است و کفاره نیز ندارد.

مسئله (۱۸۸): «سایبان در مکه و مواقف»

مرد محرم در مکه و منا و عرفات و مشعر هم نمی‌تواند در سایه چتر حرکت کند یا داخل ماشین سقف‌دار سوار شود؛ بنابراین برای رفتن به قربانگاه یا جمرات یا مسجد حنیف نمی‌تواند در ماشین سقف‌دار سوار شود یا چتر به دست بگیرد.

مسئله (۱۸۹): «سوار ماشین سقف دار شدن در مکه»

مردانی که از مسجد تنعیم محرم می‌شوند، برای رفتن به مسجدالحرام یا هتل، نباید ماشین مسقف سوار شوند. مردانی که در مسجدالحرام برای حج محرم می‌شوند، نمی‌توانند برای رفتن به محل اقامت یا رفتن به عرفات ماشین سقف‌دار سوار شوند.

مسئله (۱۹۰): «در کنار ماشین»

اگر محرم در کنار ماشین حرکت کند و در سایه آن قرار گیرد یا سایه همسفران و صندلیها و دیواره‌های ماشینی که سوار بر آن است، بر وی بیفتد، اشکال ندارد.

مسئله (۱۹۱): «مشقت شدید»

در صورتی که اجتناب از ماشین سقف‌دار و سایبان متحرک برای محرم مشقت شدید یا ضرر اساسی داشته باشد، حرکت با ماشین سقف‌دار و در پناه سایبان متحرک جایز است، هر چند کفاره دارد؛ بنابراین کسانی که از حرارت آفتاب یا سرمای هوا شدیداً ناراحت می‌شوند یا تابش آفتاب و سردی هوا به آنان زیان اساسی می‌رساند؛ می‌توانند در حال احرام از ماشین سقف‌دار و مانند آن استفاده کنند، اما باید کفاره بدهند.

مسئله (۱۹۲): «کفاره»

کفاره حرکت در زیر سایبان و ماشین سقف‌دار، برای هر احرام قربانی کردن یک گوسفند است؛ روز باشد یا شب، هوا صاف باشد یا ابری.

مسئله (۱۹۳): «کفاره»

هرگاه محرم از روی سهو و فراموشی یا ندانستن مسأله، با وسیله نقلیه سقف‌دار حرکت نماید، این عمل او کفاره ندارد.

(۶) - زینت کردن خود

مسئله (۱۹۴): «زینت کردن»

هر گونه زینت کردن با لوازم آرایشی بر محرم حرام و پاک کردن آن واجب است و چنانچه قبل از احرام زینت کرده است، باید برای احرام آن را پاک کند.

مسئله (۱۹۵): «سرمه کشیدن»

کشیدن سرمه سیاه و سرمه معطر بر محرم جایز نیست و کشیدن سرمه‌های دیگر در صورتی که زینت به حساب آید، حرام است و در غیر این صورت اشکال ندارد.

مسئله (۱۹۶): «رنگ کردن مو»

محرم نباید موی خود را با رنگهای زینتی رنگ کند؛ ولی اگر قبل از احرام رنگ کرده باشد، پاک کردن آن لازم نیست.

مسئله (۱۹۷): «حنا بستن»

حنا بستن و رنگ کردن مو با حنا در صورتی که زینت به حساب آید، بر محرم حرام است و اگر زینت نباشد استفاده از آن در غیر سر و صورت اشکال ندارد و اما در مورد سر و صورت چون در حال احرام، پوشاندن سر بر مرد و پوشاندن صورت بر زن، حرام است، نباید در سر و صورت حنا بگذارند.

مسئله (۱۹۸): «حرمت زینت بر زن و مرد»

در حرمت زینت کردن فرقی بین مرد و زن نیست؛ همچنان که فرق نیست که محرم قصد زینت داشته باشد یا خیر.

مسئله (۱۹۹): «سرمه و حنا برای معالجه»

اگر معالجه بیماری متوقف بر سرمه کشیدن باشد، سرمه کشیدن جایز است؛ همچنان که حنا گذاشتن برای مداوای ترک‌های دست و پا جایز می‌باشد.

مسئله (۲۰۰): «نگاه کردن در آینه»

نگاه کردن در آینه اگر به قصد آرایش یا در معرض آرایش باشد، حرام است؛ اما نگاه کردنی که هیچ ارتباطی با آرایش نداشته باشد، مانند نگاه کردن راننده برای دیدن اطراف یا نگاه کردن محرم در آینه برای دیدن دیگری، اشکال ندارد.

مسئله (۲۰۱): «عکس برداری»

عکس برداری و فیلم برداری در حال احرام اشکال ندارد؛ ولی اگر زن محرم بخواهد عکس بگیرد یا فیلمبرداری کند، باید مواظب باشد که دوربین روی صورتش قرار نگیرد.

مسئله (۲۰۲): «نگاه سهوی در آینه»

اگر چشم محرم بدون توجه در آینه بیفتد و خود را در آن ببیند، اشکال ندارد.

مسئله (۲۰۳): «کفاره»

زینت کردن و نگاه کردن در آینه، کفاره ندارد.

(۰۷) - پوشیدن زیورآلات

مسئله (۲۰۴): «گوشواره و گردنبند»

برای بانوان پوشیدن گوشواره و گردنبند در حال احرام جایز نیست؛ بلی در صورتی که پیش از احرام عادت به استفاده از آنها داشته باشند جایز است و در هر دو صورت نباید آن را به مردان نشان دهند.

مسئله (۲۰۵): «پوشیدن سایر زیورآلات»

پوشیدن سایر زیورآلات بر بانوان در حال احرام مکروه است؛ ولی اگر پوشیدند جایز نیست آن را به مردان نشان دهند.

مسئله (۲۰۶): «بیرون آوردن زیورآلات»

بر بانوان واجب نیست زیورآلاتی را که قبل از احرام پوشیده‌اند، برای محرم شدن بیرون آورند و می‌توانند در همان زیورآلات محرم شوند؛ هر چند این کار مکروه و خلاف احتیاط استحبابی است.

مسئله (۲۰۷): «عینک زدن»

زدن عینک غیر زینتی بر محرم جایز است.

مسئله (۲۰۸): «زیور پوشیدن مرد»

پوشیدن هر گونه زیورآلات بر مرد محرم حرام است و به دست کردن انگشتر، در صورتی که به قصد زینت نباشد اشکال ندارد؛ خواه برای استحباب آن را دست کند یا هدف دیگری مانند شمارش اعداد طواف داشته باشد.

مسئله (۲۰۹): «کفاره»

پوشیدن زیور آلات بر زن و مرد محرم، کفاره ندارد.

(۸) - استفاده محرم از عطریات

مسئله (۲۱۰): «پرهیز از بوی خوش»

مرد یا زن محرم باید از بوییدن عطریات و گلاب و گلها و سبزیجات معطر پرهیز کند، بلکه باید از رسیدن بوی خوش آنها به مشامش جلوگیری نماید.

مسئله (۲۱۱): «استفاده از مشک و عود و زعفران»

محرم باید از هر گونه استفاده از عطریاتی که بوی خوش آنها همانند مشک و عود و عنبر و زعفران و یا شدیدتر از آنهاست، پرهیز کند؛ بنابراین نباید با آنها خود را معطر کند، یا آنها را بیوید، یا لباسهای معطر به این عطرها را بپوشد، یا غذای زعفران دار بخورد، یا در فضای معطر به این عطرها توقف کند.

مسئله (۲۱۲): «عطرهای امروزی»

محرم باید از هر گونه استفاده از عطرهایی که امروزه استفاده می‌شود، پرهیز کند.

مسئله (۲۱۳): «بوییدن و خوردن گل‌ها و سبزیجات خوشبو»

بوییدن گل‌های خوشبو مانند:

گل محمدی و یاس و سبزی‌های خوشبو مانند:

ریحان و نعناع، بر محرم حرام است؛ بلکه باید مواظب باشد که بوی خوش آنها به مشامش نرسد و یا؛ ++ رعایت این امر خوردن آنها جایز است.

مسئله (۲۱۴): «خوردن میوه‌های خوشبو»

خوردن میوه‌های خوشبو مانند سیب و ترنج، بر محرم جایز است؛ ولی باید از بوییدن آنها پرهیز کند.

مسئله (۲۱۵): «صابونهای معطر»

محرم نمی‌تواند برای شستن صورت از صابونهای معطر استفاده کند و شستن دست و بدن با صابون معطر در صورتی که بوی خوش آن به مشام او نرسد، اشکال ندارد.

مسئله (۲۱۶): «عطر کعبه و مسجد النبی صلی الله علیه و آله»

پرهیز از بوی خوشی که کعبه مطهر و مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را با آن معطر می‌کنند، بر محرم لازم نیست.

مسئله (۲۱۷): «رفتن به اماکن معطر»

رفتن محرمی که بو را احساس می‌کند به مغازه‌ها و اماکنی که بوی عطر در فضای آن پراکنده است، جایز نیست.

مسئله (۲۱۸): «گرفتن بینی از بوی بد»

محرمی که بود را احساس می‌کند نباید بینی خود را از بوی بد بگیرد؛ ولی می‌تواند با تند رفتن از بوی بد فرار کند.

مسئله (۲۱۹): «کفاره»

خوردن غذای معطر به زعفران، یک گوسفند کفاره دارد و در استفاده‌های دیگر از عطر یا گل‌های معطر ظاهراً کفاره‌ای واجب نیست.

(۹) - استفاده محرم از روغن

مسئله (۲۲۰): «روغن معطر»

هر گونه استفاده از روغنهای خوشبو و کرم و پمادهای روغنی معطر، بر مرد یا زن محرم حرام است.

مسئله (۲۲۱): «مالیدن روغن»

محرم نمی‌تواند روغن یا کرم یا پمادهای روغنی به بدن خود بمالد، اگر چه بوی خوش نداشته باشد؛ ولی استفاده‌های دیگر، مانند خوردن روغن‌های غیر معطر، برای محرم مانعی ندارد.

مسئله (۲۲۲): «روغن مالی قبل از احرام»

کسی که می‌خواهد محرم شود اگر به بدن خود روغن خوشبو یا کرم روغنی معطر مالیده باشد، باید آن را برای احرام پاک کند و اگر روغن یا کرم غیر معطر مالیده چنانچه اثر زیادی از آن نمانده، می‌تواند در آن حال محرم گردد.

مسئله (۲۲۳): «مالیدن پماد برای درمان»

مالیدن پماد طبی در حال ناچاری مثلاً برای درمان بیماری جایز است؛ ولی تا زمانی که مشکل او با مالیدن پماد غیر معطر برطرف می‌شود، نباید از پماد معطر استفاده کند.

مسئله (۲۲۴): «خوردن غذای چرب»

خوردن غذاهای چرب بر محرم جایز است.

مسئله (۲۲۵): «کفاره خوردن روغن معطر»

کفاره خوردن روغن معطر، یک گوسفند است.

مسئله (۲۲۶): «کفاره مالیدن روغن»

کفاره مالیدن روغن در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است و اگر از روی نادانی باشد، غذا دادن یک فقیر است.

(۱۰) - بیرون آوردن خون از بدن خود

مسئله (۲۲۷): «بیرون آوردن خون»

مرد یا زن محرم نباید از بدن خود خون بیرون آورد، هر چند با خاراندن بدن باشد؛ ولی می‌تواند از بدن دیگری - مثلاً با کشیدن دندان او - خون بیرون بیاورد.

مسئله (۲۲۸): «کشیدن دندان»

محرم می‌تواند دندان خود را چنانچه منجر به خونریزی نشود بکشد؛ ولی اگر منجر به خونریزی می‌شود تنها در صورت ضرورت جایز است.

مسئله (۲۲۹): «مسواک زدن»

محرم می‌تواند بدون استفاده از خمیر دندان خوشبو مسواک بزند، هر چند خون بیاید؛ ولی کسی که می‌تواند بدون خونریزی مسواک کند، باید مراعات نماید.

مسئله (۲۳۰): «تزریق آمپول»

تزریق آمپول در حال احرام جایز است؛ ولی اگر موجب بیرون آمدن خون می‌شود، تنها در صورت لزوم جایز می‌باشد.

مسئله (۲۳۱): «برای درمان»

اگر در حال احرام خون دادن یا حجامت کردن یا رنگ زدن لازم شود، مانعی ندارد.

مسئله (۲۳۲): «خون آمدن هنگام سر تراشیدن»

اگر در هنگامی که مرد محرم برای بیرون آمدن از احرام سرش را می‌تراشد، خون بیاید اشکال ندارد.

مسئله (۲۳۳): «کفاره»

بیرون آوردن خون کفاره ندارد.

(۱۱) - گرفتن ناخن خود

مسئله (۲۳۴): «ناخن گرفتن»

مرد یا زن محرم نباید ناخن دست یا پای خود را بگیرد، با هر وسیله‌ای که باشد، کم باشد یا زیاد؛ ولی گرفتن ناخن از دیگری اشکال ندارد.

مسئله (۲۳۵): «گرفتن ناخن در ناچاری»

چیدن ناخن در حال ناچاری اشکال ندارد؛ مثل آن که مقداری از آن افتاده باشد و قسمت باقی مانده باعث آزار محرم شود.

مسئله (۲۳۶): «کفاره»

کفاره گرفتن یک ناخن تا نه ناخن دست یا پا بدون ضرورت برای هر ناخن به مقدار یک مُدّ (حدود ۹۰۰ گرم) غذا دادن به فقیر است و گرفتن ده ناخن دست یا ده ناخن پا، یک گوسفند کفاره دارد و در گرفتن بعضی از ناخن‌های دست و بعضی از ناخن‌های پا کفاره‌های مختلفیست که در مناسک حج آمده است.

(۱۲) - جدا کردن مو از بدن خود یا دیگری

مسئله (۲۳۷): «انواع جدا کردن مو»

جدا کردن مو به هر شکل آن - کندن، تراشیدن، قیچی کردن، سوزاندن و ... بر محرم حرام است؛ و در حرمت آن فرقی نیست که محرم مرد باشد یا زن، مو کم باشد یا زیاد، موی خود را بکند یا دیگری، موی سر باشد یا صورت یا بدن.

مسئله (۲۳۸): «کنده شدن مو هنگام غسل و وضو»

اگر در وقت غسل یا وضو بدون قصد، مو کنده شود اشکال ندارد؛ هر چند غسل یا وضوی مستحب باشد.

مسئله (۲۳۹): «خاراندن و شانه کردن مو»

خاراندن سر و صورت و شانه کردن مو و دست کشیدن بر آن، در صورتی که ترس ریزش مو در آنها نباشد، جایز است.

مسئله (۲۴۰): «کفاره»

جدا کردن مو کفاره دارد و توضیح آن در مناسک حج آمده است.

(۱۳) - کشتن و انداختن جانوران بدن

مسئله (۲۴۱): «کشتن جانوران بدن»

در حال احرام، کشتن پشه و کک در صورتی که آزار نرسانند، جایز نیست و کشتن شپش هم جایز نیست؛ مگر موجب آزار شدید شود و راه‌هایی از آن منحصر به کشتن باشد.

مسئله (۲۴۲): «انداختن جانوران بدن»

انداختن شپش از بدن یا لباس برای محرم جایز نیست و انداختن حشرات دیگر اشکالی ندارد.

مسئله (۲۴۳): «کفاره کشتن و انداختن شپش»

کفاره انداختن شپش از بدن یا لباس یک مشت طعام است و کشتن شپش هم بنا بر احتیاط یک مشت طعام کفاره دارد.

مسئله (۲۴۴): «کفاره سایر جانوران»

انداختن و کشتن سایر جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند، کفاره ندارد.

(۱۴) - دروغ و دشنام و فخرفروشی

مسئله (۲۴۵): «موارد فسوق»

فسوق بر مرد یا زن محرم حرام است و در روایات، دروغ گفتن و دشنام دادن و فخرفروشی، هر سه از موارد فسوق شمرده شده است و محرم باید از آنها پرهیز کند.

مسئله (۲۴۶): «حرمت دروغ و دشنام»

دروغ گفتن، دشنام دادن، بلکه فخرفروشی اگر با اهانت به مؤمن همراه باشد، در همه حال حرام است؛ ولی در حال احرام به خصوص از آنها نهی شده و حرمت آن شدیدتر است.

مسئله (۲۴۷): «دستور دادن محرم»

محرم می‌تواند به دیگری دستور بدهد؛ ولی اگر در آن فخرفروشی و برتری‌جویی باشد، جایز نیست.

مسئله (۲۴۸): «کفاره»

فسوق کفاره ندارد.

(۱۵) - قسم خوردن به خداوند متعال

مسئله (۲۴۹): «جدال»

یکی از محرمات احرام، جدال است و آن عبارت است از: قسم خوردن به خداوند متعال در مقام اثبات یا ابطال مطلبی، راست باشد یا دروغ، همراه با نزاع و ستیزه‌جویی باشد یا نباشد.

مسئله (۲۵۰): «انواع قسم به خدا»

مرد و زن محرم باید از قسم خوردن به خداوند به شکل‌های زیر پرهیز کنند:

۱ - شکل‌های مختلف قسم خوردن به لفظ «الله» مانند:
«وَاللَّهِ» و «تَاللَّهِ».

۲ - قسم خوردن به سایر اسماء مخصوص خداوند مانند:
«بِالرَّحْمَانِ».

۳ - قسم خوردن به مرادف لفظ «الله» در زبانهای دیگر مانند:
«به خدا».

مسئله (۲۵۱): «قسم به غیر خدا»

قسم خوردن به غیر خداوند متعال - هر چند به حضرات معصومین علیهم السلام باشد - بر محرم جایز است.

مسئله (۲۵۲): «قسم‌های روزمه»

قسم‌هایی که بدون توجه از محرم صادر می‌شود، اشکال ندارد.

مسئله (۲۵۳): «کفاره»

در انواع جدال، کفاره‌های مختلفیست که در مناسک حج آمده است.

(۱۶) - بهره‌گیری شهوانی زن و مرد از یکدیگر

مسئله (۲۵۴): «التذاذ جنسی»

آمیزش و هر گونه تمّنع جنسی (بوسیدن، نگاه کردن با لذت، در آغوش گرفتن، لمس کردن و) ... به تفصیلی که در مناسک حج آمده، بر زن و مرد محرم حرام است.

مسئله (۲۵۵): «ارتباط عادی محرم با همسر»

مرد محرم می‌تواند با همسر خود هر چند او نیز محرم باشد، صحبت کند یا کنار او بنشیند یا دست یکدیگر را بگیرند یا به یکدیگر

نگاه کنند، ولی هیچ کدام از این امور نباید از روی لذت باشد.

مسئله (۲۵۶): «ارتباط محرم با محارم»

افرادی مانند مادر، خواهر، عمه و خاله که با انسان محرم هستند، محرمیت آنها در حال احرام نیز باقیست و معاشرت با آنها با غیر حال احرام تفاوتی ندارد.

مسئله (۲۵۷): «کفاره»

بهره گیری جنسی زن و شوهر از یکدیگر در حال احرام، در بسیاری از موارد کفاره دارد و در بعضی موارد باید حج را در سال آینده تکرار کرد که توضیح آن در مناسک حج آمده است.

(۱۷) - عقد کردن و شاهد عقد شدن

مسئله (۲۵۸): «عقد کردن و شاهد عقد شدن»

ازدواج کردن و صیغه عقد خواندن و شاهد عقد شدن، بر محرم حرام است و اگر زن یا شوهر یا مجری صیغه عقد، مُحرم باشند، چنین عقدی باطل است در این امر فرقی بین عقد دائم و موقت نیست.

مسئله (۲۵۹): «خواستگاری»

خواستگاری کردن در حال احرام، مکروه است.

مسئله (۲۶۰): «شهادت دادن بر عقد»

محرم می تواند در حال احرام، بر واقع شدن عقد ازدواج شهادت دهد؛ هر چند این کار او خلاف احتیاط استحبابی است.

مسئله (۲۶۱): «حرام ابدی»

هر گاه کسی که می داند محرم است و ازدواج در حال احرام حرام است، با دیگری ازدواج نماید، آن شخص بر او حرام ابدی می شود؛ هر چند با یکدیگر آمیزش نکرده باشند.

(۱۸) - استمناء

مسئله (۲۶۲): «استمناء»

بر محرم حرام است؛ یعنی نباید با خود یا دیگری - همسر یا غیر همسر - کاری به جز آمیزش انجام دهد که منی از او بیرون آید.

(۱۹) - شکار حیوانات وحشی صحرائی

مسئله (۲۶۳): «شکار صحرائی وحشی»

شکار حیوانات وحشی صحرائی، بر مرد و زن محرم، حرام است و همچنین کمک کردن به شکارچی ولو با راهنمایی او و نگاه داشتن حیوان شکار شده و ذبح آن و خوردن گوشت شکار، بر محرم حرام است، خواه صیاد در حال احرام باشد یا نه. در حرام بودن این امور فرقی نیست که صید، داخل حرم باشد یا خارج از آن.

مسئله (۲۶۴): «پرندگان و ملخ»

بر محرم شکار پرندگان و ملخ و کشتن آنها حرام است؛ بنابراین در روزهایی که ملخ‌ها به مگه می‌آیند و در صحن‌های اطراف مسجدالحرام روی زمین می‌نشینند، محرم باید هنگام راه رفتن مراقب باشد تا ملخ‌ها زیر پای او از بین نروند و اگر سهواً زیر پا رفته و کشته شوند اشکال ندارد.

مسئله (۲۶۵): «شکار دریایی و ذبح حیوان اهلی»

در حال احرام شکار حیوانات دریایی و ذبح و خوردن حیوانات اهلی مانند: مرغ خانگی و گاو و گوسفند، اشکال ندارد؛ مگر باعث نجس شدن بدن یا لباس گردد.

مسئله (۲۶۶): «کشتن زنبور و مگس»

محرم نباید زنبور و مگسی را که به او آزار نمی‌رساند بکشد.

مسئله (۲۶۷): «کشتن مگس»

کشتن مورچه برای محرم اشکال ندارد.

مسئله (۲۶۸): «کفاره»

انواع شکار، کفاره‌های مختلفی دارد که در کتابهای فقهی آمده است.

(۲۰) - مسلح بودن

مسئله (۲۶۹): «مسلح بودن»

مسلح بودن بر محرم جایز نیست؛ مگر در صورت ضرورت.

[۱ - ۱۰] احکام عمومی کفاره محرمات احرام

مسئله (۲۷۰): «صورت اشتباه یا ندانستن مسئله کفاره ندارد»

همه کفارات احرام فقط در صورت علم و عمد لازم می‌شود؛ بنابراین بر کسی که حرام بودن کاری را نمی‌داند و بر کسی که سهواً یکی از محرمات را مرتکب شود، کفاره‌ای نیست مگر در شکار و مالیدن روغن.

مسئله (۲۷۱): «مکان قربانی کفاره»

کفارات عمره و حج به جز کفاره مباشرت با زنان و شکار محل معینی ندارد و اگر پس از مراجعت به وطن هم انجام شود، کافی است.

مسئله (۲۷۲): «شرایط قربانی کفاره»

حیوانی که به عنوان کفاره کشته می‌شود، باید دارای همان شرایطی باشد که در قربانی حج تمتع لازم است.

مسئله (۲۷۳): «مصرف قربانی کفاره»

پس از ذبح قربانی کفاره، باید تمام قسمتهای آن را به فقیر صدقه بدهد و نمی‌تواند خود از آن بخورد هر چند نیازمند باشد و برای صدقه دادن می‌تواند با گوشت قربانی غذایی تهیه کند و فقرا را میهمان کند، همچنان که می‌تواند آن را به صورت خام به فقرا بدهد.

[۱ - ۱۱] احکام حرم

مسئله (۲۷۴): «حدود حرم»

مسجدالحرام و منطقه‌ای در اطراف آن را که احترام خاص و احکام و آداب ویژه‌ای دارد، «حرم» می‌گویند. این منطقه از «تنعیم» تا نزدیکی آخر «مشعر الحرام» ادامه دارد.

مسئله (۲۷۵): «ورود به حرم»

مكلف نباید بدون احرام وارد حرم شود.

مسأله (۲۷۶): «شکار در حرم»

شکار حیوانات در حرم بر محرم و غیر محرم حرام است.

مسأله (۲۷۷): «کندن درخت و گیاه حرم»

کندن یا بریدن یا سوزاندن درخت و گیاهی که در حرم روییده باشد، بر محرم و غیر محرم حرام است.

مسأله (۲۷۸): «راه رفتن عادی»

اگر در حرکت عادی انسان در حرم گیاهی کنده شود، اشکال ندارد.

۱ - ۱۲] آداب ورود به حرم

۱ - برای ورود به حرم غسل کند.

۲ - پیاده و پای برهنه با تواضع و فروتنی کامل نسبت به ذات اقدس حق - جل جلاله - پاپوش خود را به دست بگیرد و وارد حرم شود.

۳ - وقت دخول حرم بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: «وَأَذَّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُوا أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، قَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَالْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَسْتَعِي بِبَدَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَالْتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِي مِنْ عَذَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۱ - ۱۳] آداب و مستحبات مسجدالحرام

آداب

۱ - برای ورود به مسجد غسل کند.

۲ - با پای برهنه و با حالت تواضع و وقار وارد شود.

۳ - از باب بنی شیبه (۱) داخل گردد.

۴ - بر در مسجدالحرام بایستد و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

۵ - پس داخل مسجدالحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند کرده، بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنَاسِكَيَ، أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ أَنْ تَجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَ تَضَعَّ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنَا مَبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلْدُ بِلَدِّكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْفُ طَاعَتِكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

۶- آنگاه به کعبه خطاب کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَمَكَ وَ شَرَّفَكَ وَ كَرَّمَكَ وَ جَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنَا مَبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ».

۷- وقتی روبروی حجرالاسود رسید بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ بِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ بِعِبَادَةِ كُلِّ نِدِّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

۸- و مستحب است رو به حجرالاسود بایستد و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، أَكْبَرُ مِنْ أَحْسَى وَ أَخِذَرُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، [وَ تَرَاهُمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ] كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ سَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أَصْدَقُ رُسُلِكَ وَ أَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

۹- آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُوْفِي بِعَهْدِكَ».

۱۰- و در روایت معتبر آمده است که وقتی نزدیک حجرالاسود رسیدی، دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور و بر پیامبر و آل او صلی الله علیه و آله درود فرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول فرماید، پس از آن حجرالاسود را بوس و اگر نتوانستی دست روی آن بکش و اگر نتوانستی از دور به آن اشاره کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ عِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدِّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و اگر نتوانی همه را بخوانی، قسمتی از آن را بخوان، سپس بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَّطْتُ يَدِي وَ فِي مَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سَيِّئَاتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

«تذکر مهم»

بوسیدن و استلام حجرالاسود در صورت مزاحمت و شلوغی مستحب نیست و بنا بر روایات معتبر، امام صادق علیه السلام به جهت اجتناب از مزاحمت برای مردم، از استلام حجر، خودداری کرده‌اند.

۲- طواف «دومین عمل عمره تمتع»

[مسائل]

مسئله (۲۷۹): «دومین عمل عمره تمتع»

کسی که به عمره تمتع محرم شده، پس از آن که وارد مکه شد، باید برای خداوند متعال هفت مرتبه به دور خانه کعبه بگردد. به این کار «طواف» می‌گویند و هر دور آن را یک «شوط» می‌نامند.

مسئله (۲۸۰): «آغاز وقت طواف عمره تمتع»

کسی که محرم به عمره تمتع شده، پس از ورود مکه می‌تواند طواف و دیگر اعمال عمره را به جا آورد.

مسئله (۲۸۱): «پایان وقت طواف»

پایان وقت طواف عمره تمتع، زمانی است که محرم بتواند اعمال عمره تمتع را به پایان ببرد و پس از احرام حج قبل از غروب روز نهم ذیحجه خود را به عرفات برساند.

مسئله (۲۸۲): «ترک عمدی طواف»

طواف از ارکان عمره است و کسی که از روی عمد و اختیار همه یا بعضی از اشواط طواف را انجام ندهد تا وقت آن بگذرد، عمره تمتعش به حج افراد، مبطل می‌شود - خواه بداند که طواف واجب است یا نداند - و باید با همان احرام به عرفات برود و اعمال حج افراد و پس از آن و گذشتن روز سیزدهم عمره مفرده را به جا آورد، هر چند عمره تمتع او مستحبی باشد و اگر بدون عذر، طواف را ترک کرده، کفایت از حجّه الاسلام نمی‌کند.

مسئله (۲۸۳): «فراموشی طواف»

اگر کسی طواف را فراموش کرده یا همه طوافی را که انجام داده باطل بوده، مسئله دو صورت پیدا می‌کند:

اول:

در مکه یا حوالی آن متوجه شود؛ در این صورت از محرمات احرام پرهیز می‌کند و طواف و اعمال بعد از آن را به جا می‌آورد و اگر مشقت شدید دارد، نایب می‌گیرد.

دوم:

پس از بازگشت به وطن متوجه شود؛ در این صورت محرمات احرام بر او حلال است، ولی باید طواف را به جا آورد و می‌تواند برای طواف نایب بگیرد، مگر آن که انجام آن برای خودش هیچ گونه مشقتی نداشته باشد و در هر صورت لازم نیست اعمال بعدی را دوباره به جا آورد.

مسئله (۲۸۴): «فراموشی بخشی از طواف»

هر گاه یادش آمد که طواف را ناقص گذاشته یا بخشی از آن را باطل انجام داده است، مسئله سه صورت پیدا می‌کند:

اول:

قبل از سعی یادش بیاید، که طواف را تکمیل می‌کند.

دوم:

در حال سعی یادش بیاید، در این صورت سعی را رها می‌کند و پس از تکمیل طواف و خواندن نماز آن، ادامه سعی را به جا می‌آورد.

سوم:

بعد از انجام سعی یادش بیاید، در این صورت طواف و نمازش را تکمیل می‌کند و لازم نیست اعمال بعدی را دوباره به جا آورد، به خصوص اگر بعد از مراجعت به وطن یادش آمده باشد، که در این صورت علاوه بر این که لازم نیست اعمال بعدی را دوباره انجام دهد، می‌تواند برای تکمیل طواف نایب بگیرد، مگر تکمیل طواف برای خودش هیچ گونه مشقتی نداشته باشد.

مسئله (۲۸۵): «شک در طواف بعد از انصراف»

کسی که فکر می‌کرد، طوافش کامل است و از مطاف خارج شد، اگر در تعداد دورهای طواف یا شرایط آن شک کند، چنانچه احتمال بدهد هنگام طواف به رعایت شرایط آن توجه داشته، به شک خود اعتنا نمی‌کند و طوافش صحیح است.

مسئله (۲۸۶): «شک در طواف در حال نماز»

هر گاه پس از شروع نماز در تعداد دورهای طواف یا شرایط آن شک کرد، به شک خود اعتنا نمی‌کند و طوافش صحیح است.

مسئله (۲۸۷): «امور لازم در طواف»

اشاره

اموری که رعایت آن در طواف واجب، لازم است، عبارت است از:

- ۱ - نیت
- ۲ - پاک بودن از حدث اکبر و اصغر
- ۳ - پاک بودن بدن و لباس از نجاست
- ۴ - ختنه برای مردان
- ۵ و ۶ - شروع از حجرالاسود و ختم به آن
- ۷ - طواف در جهتی که خانه خدا، سمت چپ او باشد
- ۸ - از بیرون حجر اسماعیل علیه السلام طواف کردن
- ۹ - در فاصله مقام ابراهیم علیه السلام طواف کردن
- ۱۰ - وارد کعبه نشدن
- ۱۱ - هفت دور طواف کردن
- ۱۲ - موالات عرفی بین اجزاء طواف

- ۱۳ - با اختیار طواف کردن
- ۱۴ - ترتیب بین اجزاء طواف
- ۱۵ - اطمینان به عدد دورها
- ۱۶ - بدون نقاب طواف کردن (برای بانوان)

۱ - نیت

مسئله (۲۸۸): «قصد قربت»

طواف عبادت است و باید آن را با نیت خالص برای خداوند متعال به جا آورد و اگر آن را برای خدا انجام ندهد، یا در انجام آن ریا کند، طوافش باطل است.

مسئله (۲۸۹): «به زبان آوردن نیت»

لازم نیست طواف کننده نیت طواف را به زبان آورد، یا حتی از قلب خود بگذراند؛ بلکه نیتی که در قلب او مرتکز است کافی است؛ یعنی همین مقدار که برای خدا طواف می‌کند، کافی است.

مسئله (۲۹۰): «نیت قبل از حجرالاسود»

اگر قبل از رسیدن به حجرالاسود نیت کند که برای خدا هفت دور از حجرالاسود تا حجرالاسود برای عمره تمتع طواف می‌کنم کافیست و تجدید نیت موقع رسیدن به حجرالاسود و همچنین در دورهای بعد لازم نیست.

مسئله (۲۹۱): «ریا در عبادات»

ریا کردن در عبادات حرام است و اگر کسی در انجام عبادتی مانند نماز، طواف یا سعی، ریا کند، عملش باطل است؛ بلی اگر در خواندن دعاهای طواف یا سعی ریا کند، اصل طواف و سعی او باطل نمی‌شود.

۲ - پاک بودن از حدث اکبر و اصغر

مسئله (۲۹۲): «طهارت از حدث»

کسی که طواف واجب به جا می‌آورد باید از حدث اصغر و اکبر پاک باشد؛ یعنی با وضو بوده و از جنابت و حیض و نفاس پاک باشد و اگر بدون طهارت، طواف کند طواف او باطل است؛ هر چند از روی غفلت یا به خاطر ندانستن مسأله باشد.

مسئله (۲۹۳): «طهارت در اعمال عمره و حج»

در میان اعمال عمره و حج، تنها طواف و نماز طواف است که نیاز به طهارت دارد؛ و طهارت در سایر مناسک عمره و حج لازم نیست.

مسئله (۲۹۴): «طهارت در طواف واجب و مستحب»

طهارت از حدث، در طواف واجب شرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء؛ حتی در طواف عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن، واجب است بقیه اعمال آن از جمله طواف را به جا آورد. رعایت طهارت در طواف مستحب لازم نیست.

مسئله (۲۹۵): «تیمم به جای وضو یا غسل»

کسی که می‌خواهد طواف کند، اگر از وضو گرفتن یا غسل کردن معذور است، چنانچه امید دارد عذرش برطرف شود، بنا بر احتیاط باید صبر کند تا عذرش برطرف گردد و اگر از آن مأیوس است یا نمی‌تواند صبر کند، باید به جای وضو یا غسل، تیمم کند.

مسئله (۲۹۶): «کفایت غسل از وضو»

غسل جنابت بدون تردید کفایت از وضو می‌کند و غسل‌های واجب دیگر و نیز غسل‌هایی که استحباب آنها ثابت شده است مانند غسل احرام، غسل جمعه، غسل ورود مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم، غسل زیارت خانه خدا، کفایت از وضو می‌کند؛ هر چند احتیاط مؤکد استجابی در آن است که در نماز و طواف واجب خانه خدا به این غسل‌ها اکتفا نکنند.

مسئله (۲۹۷): «شک در حدث»

کسی که می‌داند قبلاً با طهارت بوده، اگر شک کند حدثی از او سر زده، لازم نیست دوباره وضو بگیرد و یا غسل نماید؛ خواه قبل از طواف شک کند یا در اثناء طواف یا بعد از آن.

مسئله (۲۹۸): «شک در طهارت»

کسی که وضو یا غسل بر او لازم بوده، اگر شک کند که وضو گرفته یا غسل کرده، باید آن را انجام دهد و سپس طواف کند و اگر در اثناء طواف چنین شکی پیدا کند، باید پس از طهارت طواف را از سر بگیرد.

مسئله (۲۹۹): «شک در طهارت بعد از طواف»

اگر پس از طواف شک کند با طهارت طواف کرده یا نه، طوافش صحیح است؛ ولی برای اعمال بعدی که نیاز به طهارت دارد، باید وضو بگیرد یا غسل کند.

مسئله (۳۰۰): «حدث در اثناء طواف»

هرگاه مشغول طواف واجب باشد و بدون اختیار، وضوی او باطل شود، سه صورت دارد:

اول:

قبل از رسیدن به نیمه دور چهارم باشد؛ در این صورت باید بعد از تجدید وضو، طواف را از سر بگیرد.

دوم:

پس از پایان دور چهارم باشد؛ در این صورت باید بعد از تجدید وضو، طواف قبل را از جایی که وضویش باطل شده، کامل کند.
سوم:

پس از رسیدن به نصف طواف و قبل از اتمام دور چهارم باشد؛ در این صورت باید بعد از وضو گرفتن، ابتدا طواف قبلی را تکمیل کند و پس از خواندن نماز طواف، مجدداً یک طواف کامل به جا آورد و نماز طواف بخواند.

مسئله (۳۰۱): «قرص خوردن بانوان»

بانوان می‌توانند با خوردن قرص، عادت خود را به عقب بیندازند و طواف عمره و حج را به جا آورند.

۳ - پاک بودن بدن و لباس @@@

مسئله (۳۰۲): «پاکی بدن و لباس»

کسی که طواف واجب به جا می‌آورد، باید بدن و لباسش پاک باشد و طواف واجب در بدن یا لباس نجس باطل است؛ ولی اگر پس از پایان طواف بفهمد یا یادش بیاید که با بدن یا لباس نجس طواف کرده، طوافش صحیح است. همچنین اگر بعد از نماز بفهمد بدن یا لباسش نجس بوده، نمازش صحیح است ولی اگر نجاست بدن یا لباس را فراموش کند و نماز طواف را به جا آورد، نمازش باطل است.

مسئله (۳۰۳): «نجاست در اثناء طواف»

اگر در بین طواف واجب ببیند بدن یا لباسش نجس است، طواف را رها می‌کند و پس از آب کشیدن جای نجس، طوافش را ادامه می‌دهد و کامل می‌کند.

مسئله (۳۰۴): «طواف با نجاست بخشوده شده در نماز»

طواف کردن با نجاساتی که در نماز بخشوده شده است - مانند:

خون غیر حیض و نفاس و استحاضه اگر کمتر از درهم باشد و نجاست عینک و انگشتر و جامه‌ای که نمی‌توان عورت را با آن پوشاند، مانند:

کلاه و جوراب - اشکال ندارد.

مسئله (۳۰۵): «همراه داشتن چیز نجس»

اگر چیز نجسی همراه طواف کننده باشد، اشکال ندارد و به طواف او صدمه‌ای نمی‌زند.

مسئله (۳۰۶): «شک در پاکی لباس و بدن»

کسی که شک دارد لباس یا بدنش نجس است، می‌تواند در آن حال طواف کند؛ مگر آن که نجاست آن اثبات شود یا اثبات شود قبلاً نجس بوده است.

۴ - ختنه (برای مردان)**مسئله (۳۰۷): «ختنه برای مردان»**

هرگاه مرد یا پسر ممیزی بخواهد طواف واجب به جا آورد، باید ختنه شده باشد و گرنه طوافش باطل است؛ اگر چه توجه نداشته باشد و این امر در طواف مستحب لازم نیست.

۵ و ۶ - شروع از حجرالاسود و ختم به آن**مسئله (۳۰۸): «آغاز و پایان طواف»**

باید طواف را از مقابل گوشه‌ای از کعبه که حجرالاسود در آن قرار دارد شروع کند و به همانجا ختم نماید و در تشخیص روبروی حجرالاسود، دقت لازم نیست، بلکه همین اندازه که از جایی شروع کند که در عرف گفته شود: از حجرالاسود شروع کرده و به آن ختم نموده، کافی است.

۷ - طواف در جهتی باشد که خانه خدا، سمت چپ او قرار گیرد.**مسئله (۳۰۹): «مسیر طواف»**

در طواف باید در جهتی حرکت کند که خانه کعبه، سمت چپ طواف کننده باشد یعنی بر خلاف جهت حرکت عقربه‌های ساعت طواف کند.

مسئله (۳۱۰): «برگرداندن صورت»

در حال طواف، لازم نیست روی طواف کننده به طرف جلو باشد و می‌تواند به چپ و راست یا پشت سر نگاه کند.

مسئله (۳۱۱): «طواف رو به کعبه»

در حال طواف، لازم نیست شانه چپ طواف کننده به سمت کعبه باشد، بلکه طواف کردن در مسیر متعارف مردم در حالی که روی طواف کننده به طرف کعبه باشد، صحیح است؛ بلکه اگر بخشی از همان مسیر را عقب عقب طواف نماید، ضرری به طوافش نمی‌زند.

مسئله (۳۱۲): «تند و کند رفتن»

هنگام طواف کردن، به هر شکلی حرکت کند مانع ندارد و می‌تواند آهسته یا تند برود؛ ولی بهتر است با آرامش حرکت کند و به خواندن دعا‌های طواف و ذکر خدا مشغول باشد.

مسئله (۳۱۳): «بوسیدن خانه خدا»

حاجی می‌تواند در هنگام طواف به خانه کعبه دست بگذارد یا آن را ببوسد و در حال بوسیدن طواف کند، همچنان که می‌تواند طواف را رها کند و کعبه را ببوسد و سپس برگردد و طواف را از همانجا که قطع کرده ادامه دهد.

۸ - از بیرون حجر اسماعیل طواف کردن

مسئله (۳۱۴): «طواف کردن دور حجر اسماعیل»

طواف کننده باید دور حجر اسماعیل علیه‌السلام بگردد و اگر از داخل حجر اسماعیل علیه‌السلام طواف کند، باید آن دور را از حجر الاسود دوباره طواف نماید.

مسئله (۳۱۵): «دست گذاردن روی دیوار حجر»

دست گذاردن روی دیوار حجر اسماعیل علیه‌السلام در حال طواف، مانع ندارد.

۹ - در فاصله مقام ابراهیم علیه‌السلام طواف کردن

مسئله (۳۱۶): «محدوده مطاف در شرایط عادی»

محدوده اصلی مطاف یعنی منطقه‌ای که در شرایط عادی می‌توان در آن طواف نمود، در تمام اطراف کعبه به مقدار فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه‌السلام است و در شرایط عادی طواف در فاصله دورتر باطل است و در این جهت فرقی بین طواف عمره و حج و همچنین بین طواف واجب و مستحب نیست.

مسئله (۳۱۷): «محدوده طواف در طرف حجر اسماعیل»

این محدوده در طرف حجر اسماعیل از بیرون دیوار حجر اسماعیل علیه‌السلام محاسبه می‌شود نه از کعبه، بنابراین محدوده طواف در طرف حجر اسماعیل علیه‌السلام کم نمی‌شود.

مسئله (۳۱۸): «تأخیر طواف برای رعایت محدوده»

در شرایط عادی محرمی که هنگام ورود به مکه نمی‌تواند در محدوده مقام ابراهیم علیه‌السلام طواف کند ولی با تأخیر می‌تواند، چنانچه تأخیر انداختن طواف برایش زحمت شدید نداشته باشد، باید طواف را تأخیر بیندازد، تا در محدوده مقام ابراهیم علیه‌السلام طواف نماید.

مسئله (۳۱۹): «رعایت محدوده مقام برای ناتوان‌ها»

در شرایط عادی کسی که می‌خواهد طواف واجبش را به جا آورد و نمی‌تواند - ولو با چرخ یا کمک شخص دیگر - در محدوده مقام طواف کند، باید برای طواف در محدود نایب بگیرد (و بنا بر احتیاط مستحب خودش نیز در خارج محدوده طواف کند) و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد، در فاصله دورتر طواف می‌کند و لازم نیست هر چه می‌تواند نزدیک‌تر به مقام طواف کند؛ بلکه اگر در آخر

جمعیت هم طواف کند صحیح است.

مسئله (۳۲۰): «محدوده مطاف در ایام شلوغ»

در ایامی از سال - مانند ایام شلوغ حج - که محدوده مقام با ازدحام جمعیت روبروست و طواف کردن در این محدوده در شب و روز برای معمول مردم مشقت شدید دارد، برای طواف کردن رعایت محدوده مقام لازم نیست؛ بلکه طواف کننده می‌تواند در فاصله دورتر طواف کند؛ هر چند برای شخص او طواف کردن در محدوده مشقت نداشته باشد. در این امر فرقی بین طواف عمره و حج و همچنین طواف واجب و مستحب نیست.

مسئله (۳۲۱): «طواف در طبقه دوم»

در حال اختیار طواف در طبقه دوم کفایت نمی‌کند و در شرایط کنونی حج که به چرخ‌ها اجازه طواف در محدوده مقام نمی‌دهند، کسانی که نمی‌توانند - ولو با دوش گرفتن - در طبقه اول طواف کنند، یا این کار برایشان مشقت شدید دارد، برای طواف در پایین نایب می‌گیرند و بنا بر احتیاط مستحب خودشان نیز در طبقه دوم طواف داده شوند؛ بلی در صورتی که نتوانند نایب بگیرند، یا این کار برایشان مشقت شدید داشته باشد، می‌توانند در طبقه دوم طواف کنند.

۱۰ - وارد کعبه نشدن

مسئله (۳۲۲): «ورود کعبه»

وارد شدن به کعبه، همه طواف را باطل می‌کند، بنا بر این اگر طواف کننده در اثناء طواف وارد کعبه شود، باید همه طواف را از سر بگیرد؛ البته امروزه امکان ورود به کعبه برای افراد عادی وجود ندارد.

مسئله (۳۲۳): «طواف روی شاذروان»

اگر طواف کننده از روی شاذروان (پیش‌آمدگی که در پایین دیوار اطراف کعبه است) طواف کند، آن قسمت از طوافش باطل است.

۱۱ - هفت عدد بودن تعداد دورها

مسئله (۳۲۴): «تعداد دورها»

طواف باید هفت دور باشد، نه کمتر و نه بیشتر.

مسئله (۳۲۵): «شروع قبل از حجرالاسود»

اگر کسی طواف را قبل از حجرالاسود - مثلاً از رکن یمانی - شروع کند، همه طوافش باطل است؛ خواه از روی علم و عمد باشد، یا به خاطر غفلت یا ندانستن مسأله، یا اشتباه در تشخیص رکن حجرالاسود. همچنین اگر بعد از حجرالاسود - مثلاً از مقابل در کعبه

- طواف را شروع کند، همه طوافش باطل است.

مسئله (۳۲۶): «تکرار قسمتی از طواف»

اگر به خاطر غفلت یا ندانستن مسئله، قسمتی از اول یا وسط یا آخر محل طواف را دو بار طواف کند؛ مثلاً در اثناء طواف برای همراهی دوستانش مقداری به عقب بازگشته و دوباره آن مقدار را طواف نماید، طوافش اشکال پیدا نمی‌کند.

مسئله (۳۲۷): «اضافه کردن بر هفت دور»

اگر بعد از طواف متوجه شد که بیش از هفت دور طواف نموده، طوافش صحیح است. همچنین اگر بعد از طواف، به خیال این که یک دور نیز جداگانه مستحب است، یک دور طواف نمود، طوافش صحیح است.

مسئله (۳۲۸): «ترک قسمتی از وسط طواف»

اگر به جهت غفلت یا ندانستن مسئله، قسمتی از وسط طواف را طواف ننمود، مانند کسی که برای بوسیدن کعبه، طواف را رها کرده و در بازگشت، از مقداری جلوتر طواف را ادامه داده، بنا بر احتیاط آن دور را از حجرالاسود دوباره به جا بیاورد و در طواف کردن قسمتی را که قبلاً طواف کرده قصد رجاء کند؛ بلی اگر پس از آن که در دور بعدی به نقطه قطع شده رسیده متوجه شود، یک دور از طواف او کم شده است و باید یک دور دیگر طواف نماید.

مسئله (۳۲۹): «ناقص ماندن طواف»

اگر پس از طواف، متوجه شود که طوافش هفت دور نشده است، باید برگردد و باقیمانده طواف را به جا آورد.

۱۲ - رعایت موالات بین اجزاء طواف

مسئله (۳۳۰): «موالات در طواف»

رعایت موالات عرفی بین اجزاء طواف واجب، لازم است و طواف کننده - در غیر مواردی که می‌آید - نباید طواف واجب را «قطع» کند، یعنی بین اجزاء آن عملی انجام دهد یا به قدری فاصله بیندازد که مجموعه هفت دوری که طواف کرده از نظر متعارف مردم از صورت یک عمل خارج شود؛ ولی قطع طواف مستحب اشکال ندارد.

مسئله (۳۳۱): «موارد جواز قطع طواف»

قطع طواف واجب در موارد زیر جایز است:

برای رفع خستگی، وضو گرفتن، غسل کردن، آب کشیدن بدن یا لباس، تنگی وقت نماز واجب یا نماز وتر، رسیدن به نماز جماعت یا به نماز اول وقت، برآوردن احتیاج دیگری، بیماری، عیادت بیمار و هر کاری که مطلوب شارع مقدس است و وقت آن می‌گذرد مانند:

تطهیر مسجد و تشییع جنازه مؤمن.

مسئله (۳۳۲): «استراحت در اثناء طواف»

طواف کننده می‌تواند برای رفع خستگی، طواف را رها کند و به استراحت پردازد و برای این کار می‌تواند از مطاف بیرون رود یا داخل حجر اسماعیل گردد؛ ولی باید پس از رفع خستگی بلافاصله طواف را ادامه دهد.

مسئله (۳۳۳): «قطع دلخواه طواف»

اگر در غیر موارد خاص، بدون عذر، طواف واجب را «قطع» کند، طوافش باطل می‌شود و باید آن را از سر بگیرد؛ هر چند بعد از دور چهارم باشد.

مسئله (۳۳۴): «رها کردن موقت طواف»

کسی که طواف واجب را «رها کرده»، تا زمانی که موالات عرفی آن از بین نرفته، باید آن را تکمیل کند و طوافش صحیح است، هر چند بدون عذر رها کرده باشد.

مسئله (۳۳۵): «نقص سهوی طواف»

اگر به جهت فراموشی یا ندانستن مسأله، طواف واجب را ناقص گذاشت، هر وقت متوجه شود، طواف قبلی را تکمیل می‌کند؛ هر چند قبل از دور چهارم باشد.

مسئله (۳۳۶): «حکم قطع طواف در موارد خاص»

اگر برای تجدید وضو، طواف واجب را قطع کرده، حکم آن در شرط دوم طواف گذشت و اگر برای رفع خستگی، یا تطهیر بدن یا لباس یا مسجد، یا برای تنگی وقت نماز واجب، یا رسیدن به نماز اول وقت، یا شرکت در نماز جماعت، طواف واجب را قطع کرده، پس از رفع عذر، طواف قبلی را از همانجا که قطع کرده - اگر چه کمتر از نصف باشد - ادامه می‌دهد و حکم موارد دیگر قطع طواف واجب در مناسک حج آمده است.

مسئله (۳۳۷): «از سرگیری طواف»

اگر طواف کننده به هر جهت، در وسط طواف آن را رها نماید و از اول شروع کند، طواف جدیدش اشکال پیدا نمی‌کند؛ هر چند بدون فاصله طواف جدید را شروع کرده باشد.

۱۳ - با اختیار طواف کردن

مسئله (۳۳۸): «اختیار در طواف»

طواف کننده باید با اختیار خود طواف نماید؛ بلی اگر فشار طواف کنندگان باعث تند یا کند رفتن او شود، مانعی ندارد؛ بلکه همین مقدار که عملی انجام دهد که معمول مردم درباره او بگویند: «طواف می‌کند» کافی است.

مسئله (۳۳۹): «طواف ناتوان‌ها»

کسی که بر اثر عذری - مانند بیماری یا پیری - نمی‌تواند با پای خود طواف کند، باید با وسیله‌ای مانند صندلی چرخ‌دار، طواف کند و خودش آن را راه ببرد و اگر نمی‌تواند یا مشقت شدید دارد، از کسی می‌خواهد که او را در محدوده - با چرخ یا دوش گرفتن یا - ... طواف دهد و اگر از کمک گرفتن هم عاجز است یا این کار برایش مشقت شدید دارد، برای طواف نایب می‌گیرد و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد در بیرون محدوده طواف داده شود.

۱۴ - ترتیب بین اجزاء طواف**مسئله (۳۴۰): «ترتیب بین اجزاء»**

طواف کننده باید قسمت‌های طواف را به ترتیب انجام دهد؛ بنابراین اگر در پایان یک دور فهمید که قسمتی از اول آن دور باطل بوده، باید تمام آن دور را از سر بگیرد، تا ترتیب بین اجزاء طواف رعایت شود.

۱۵ - اطمینان به عدد دورها**مسئله (۳۴۱): «اطمینان به تعداد دورها»**

طواف کننده باید نسبت به تعداد دورهای طواف اطمینان پیدا کند؛ و اگر در حال طواف در عدد دورها شک کند، می‌تواند طواف را در حال شک ادامه دهد؛ بلی اگر شکش تا آخر باقی ماند و به اطمینان نرسید، طوافش باطل است.

مسئله (۳۴۲): «گمان در عدد دورها»

گمان در تعداد دورها اعتبار ندارد و حکم شک را دارد؛ پس کسی که نمی‌داند دور پنجم اوست یا ششم، اگر این شک ادامه یابد، طوافش باطل است، اگر چه گمان او به یک طرف بیشتر باشد.

مسئله (۳۴۳): «اعتماد به شمارش دیگری»

طواف کننده می‌تواند در عدد دورهای طواف به شمارش دیگری اعتماد کند، اگر چه گفته او برایش اطمینان بخش نباشد.

۱۶ - بدون نقاب بودن بانوان**مسئله (۳۴۴): «نقاب بانوان»**

اگر خانمی در حال طواف، نقاب بر صورت داشته باشد، طوافش باطل است؛ و در این امر فرقی بین طواف واجب و مستحب نیست.

احکام متفرقه طواف

مسئله (۳۴۵): «پوشش طواف کننده»

بانوان که در هنگام طواف در معرض دید نامحرم هستند، باید سر و بدن خود را بپوشانند البته پوشاندن صورت و دستها از میچ تا سر انگشتان لازم نیست. همچنان که بر مردان واجب است در حال طواف، عورت خود را بپوشانند و اگر بدون عذر خود را بپوشانند، گناهکارند.

مسئله (۳۴۶): «پوشش، شرط صحت طواف نیست»

اگر مرد یا زنی پوشش لازم را در حال طواف رعایت نکرد، طواف او باطل نمی‌شود؛ هر چند احتیاط مؤکد استحبابی در آن است که به این طواف اکتفا نکنند، بنابراین اگر پوشش بانوان در حال طواف بدن‌نما باشد، بنا بر احتیاط مؤکد استحبابی به آن اکتفا نکنند.

مسئله (۳۴۷): «پوشیدن لباس حرام»

پوشیدن لباس دیگری بدون رضایت صاحب آن و پوشیدن لباسی که خمس آن داده نشده است، جایز نیست و اگر طواف کننده چنین لباسی پوشید، بنا بر احتیاط مؤکد استحبابی به این طواف اکتفا نکند.

مسئله (۳۴۸): «ترک لباس احرام در طواف»

کسی که عمره تمتع یا عمره مفرده به جا می‌آورد، اگر بدون عذر، لباس احرام را کنار گذارد و در لباسهای عادی، طواف یا سعی عمره را به جا آورد، گناهکار است؛ ولی در هر حال به اعمالش ضرری نمی‌رسد.

مسئله (۳۴۹): «صحبت در حال طواف»

در حال طواف، صحبت کردن، خندیدن و حتی خوردن و آشامیدن اشکال ندارد؛ ولی بهتر است به ذکر و دعا مشغول باشد و حضور قلب خود را با این امور دنیوی از بین نبرد.

مسئله (۳۵۰): «نگاه و تماس با نامحرم»

هرگاه در حال طواف به نامحرم نگاه کند، یا با وی برخورد کند، طوافش باطل نمی‌شود؛ ولی باید به خصوص هنگام ازدحام مراقب دامهای شیطان بود.

مسئله (۳۵۱): «استراحت در طواف»

کسی که طواف می‌کند می‌تواند برای رفع خستگی، طواف را رها کند و به استراحت پردازد؛ ولی باید پس از رفع خستگی بدون فاصله طواف را ادامه دهد.

مسئله (۳۵۲): «همراه داشتن پول خمس نداده»

اگر طواف کننده بدون عذر، پول خمس نداده همراه داشته باشد، گناهکار است و در هر حال به طواف ضرری نمی‌رسد.

طواف مستحب

مسئله (۳۵۳): «طواف مستحب»

از مستحباتی که در روایات شریف، بسیار بر آن تأکید شده است، طواف کعبه است و به تکرار آن نیز سفارش شده است.

مسئله (۳۵۴): «کیفیت طواف مستحب»

این طواف مانند طواف واجب، هفت دور است و از حجرالاسود شروع و به آن ختم می‌شود و کمتر از هفت دور طواف کردن مستحب نیست.

مسئله (۳۵۵): «طواف به نیابت»

انجام طواف به نیابت از دیگران - بستگان، دوستان و ... نیز مستحب است، به شرطی که آن افراد دیگر در مکه و حوالی آن حضور نداشته باشند، یا اگر در آنجا هستند، خودشان نتوانند طواف کنند.

مسئله (۳۵۶): «نیابت از حضرات معصومین علیهم السلام»

انجام طواف به نیابت از انبیاء عظام و حضرات معصومین علیهم السلام مستحب است؛ ولی چون بنا بر برخی از روایات، حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه) در موسم حج حضور دارند، به جای طواف به نیابت از آن حضرت در این ایام، بسیار مناسب است طواف را به جا بیاورند و ثواب آن را محضر مبارک آن حضرت تقدیم کنند.

مسئله (۳۵۷): «طواف برای چند نفر»

یک طواف مستحب را می‌توان به نیابت از چندین نفر به جا آورد؛ همچنان که می‌توان برای خود و به نیابت از دیگران، یک طواف انجام داد؛ ولی نمی‌توان هر یک یا چند شوط از طواف را به نیت یک نفر انجام داد.

مسئله (۳۵۸): «طواف مستحب در اثناء عمره یا حج تمتع»

کسی که طواف عمره تمتع یا طواف حج تمتع یا طواف نساء حج تمتع بر عهده اوست، نمی‌تواند طواف مستحب به جا آورد و اگر طواف مستحب به جا آورد، به عمره یا حج ضرر نمی‌زند.

مسئله (۳۵۹): «طواف مستحب در اثناء عمره مفرده یا حج افراد»

انجام طواف مستحب در اثناء عمره مفرده یا حج افراد صحیح است، هر چند زائر هنوز طواف عمره یا حج را انجام نداده باشد.

مسئله (۳۶۰): «طهارت در طواف مستحب»

در طواف مستحب با وضو بودن و طهارت بدن و لباس شرط نیست، هر چند بهتر است؛ ولی برای نماز آن، لازم است.

مسئله (۳۶۱): «مکان نماز طواف مستحب»

نماز طواف مستحب را در هر نقطه مسجدالحرام می‌توان به جا آورد و بسیار مناسب است که در مواقع شلوغ، کسانی را که طواف واجب به جا می‌آورند، مراعات کنند و پشت مقام ابراهیم علیه‌السلام را در اختیار آنان قرار دهند.

مسئله (۳۶۲): «شک در طواف مستحب و نماز آن»

شک در تعداد دورهای طواف مستحب، آن را باطل نمی‌کند؛ همچنان که شک در رکعات نماز آن نیز، نماز را باطل نمی‌کند و در هر دو مسأله کسی که شک می‌کند می‌تواند بنا را بر اقل بگذارد.

مسئله (۳۶۳): «رها کردن طواف مستحب»

تمام کردن طواف مستحب واجب نیست؛ بلکه می‌توان آن را بدون هیچ عذری رها کرد.

مسئله (۳۶۴): «پی در پی بودن طواف مستحب»

رعایت موالات عرفی در طواف مستحب شرط نیست و اگر کسی این طواف را رها کرد، هر وقت بازگشت می‌تواند آن را ادامه دهد.

× × ×

مسئله (۳۶۵): «رعایت کردن حجاج»

در مواقعی که محل طواف شلوغ است، بسیار مناسب است که زائران محترم به جای طواف، نماز بخوانند و مطاف را در اختیار کسانی قرار دهند که طواف واجب را به جا می‌آورند.

آداب و مستحبات طواف

۱- در حال طواف مستحب است که بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ، كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» و به جای «أَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» می‌تواند حاجات خود را طلب کند.

۲- و نیز مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَتِيْرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ اسْمِي».

۳- صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بفرستد، به خصوص وقتی به درب خانه می‌رسد.

۴- روبروی در خانه بخواند:

«سَأَلُكَ فَتِيْرُكَ مَسِيْرُكَ بِبَابِكَ، فَتَصِدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَاعْتِنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ».

۵- چون به حجر اسماعیل رسید، به ناودان نگاه کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَذْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَجْزِنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَعَافِنِي مِنَ الشُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۶- وقتی که از حجر گذشت و به پشت کعبه رسید، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، تَقَبَّلْهُ مِنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»

۷- آن گاه که به رکن یمانی (۲) رسید، دست به سوی آسمان بلند کند و بگوید:

«يَا اللَّهُ، يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَنَّانَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَدَوَامَ الْعَافِيَةِ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ، فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۸- و در میان رکن یمانی و حجرالاسود بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

۹- و در شوط هفتم وقتی به مستجار (۳) رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید، شکم و صورت خود را به

دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

پس به گناهان خود اعتراف نماید و از خداوند عالم، آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد.

بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَاغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتُ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، اسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»

و آنچه خواهد دعا کند.

۱۰- رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجرالاسود بیاید و طواف خود را تمام نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي».

۳- نماز طواف «سومین عمل عمره تمتع»

مسائل

مسأله (۳۶۶): «سومین عمل عمره تمتع»

پس از طواف عمره تمتع، باید «دو رکعت نماز»، به نیت نماز طواف خواند.

مسئله (۳۶۷): «کیفیت نماز طواف»

نماز طواف، مانند نماز صبح است، ولی اذان و اقامه ندارد.

مسئله (۳۶۸): «حمد و سوره در نماز طواف»

در نماز طواف پس از حمد، هر سوره‌ای را می‌توان خواند، جز سوره‌هایی که سجده واجب دارد، (سوره‌های فصلت، سجده، نجم و علق) و مرد و زن محرم می‌توانند حمد و سوره نماز طواف را بلند یا آهسته بخوانند.

مسئله (۳۶۹): «فاصله طواف و نماز»

نماز طواف وقت معینی ندارد ولی چون از توابع و ملحقات طواف است، نباید بدون عذر بین آن و طواف فاصله بیندازد، به قدری که عرفاً از توابع آن به حساب نیاید؛ بلی اگر به جهت عذری مانند تشکیل صفوف جماعت یا وضو گرفتن یا ندانستن مسئله به تأخیر بیفتد، اشکال ندارد.

مسئله (۳۷۰): «مکان نماز طواف»

نماز طواف واجب را باید «پشت مقام حضرت ابراهیم علیه‌السلام» به جا آورد و همچنین باید نزدیک مقام باشد، به قدری که مردم متعارف بگویند:
«نزد مقام» نماز می‌خواند.

مسئله (۳۷۱): «نماز هنگام ازدحام»

در مواقع ازدحام جمعیت، نماز طواف را می‌توان دور از مقام خواند؛ ولی باید پشت مقام باشد به طوری که مقام، بین او و کعبه قرار گیرد.

مسئله (۳۷۲): «نماز مردان و بانوان در کنار هم»

از احکام مسجدالحرام و اطراف نزدیک آن - که محل تراکم نمازگزاران است - آن است که بانوان می‌توانند در کنار مردان، بلکه جلوتر از آنها نماز بخوانند و این امر کراهت نیز ندارد.

مسئله (۳۷۳): «سجده بر سنگ‌های مسجد»

سجده بر سنگ‌فرش‌های مسجدالحرام و مسجد النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، صحیح است.

مسئله (۳۷۴): «جماعت در نماز طواف»

به جماعت خواندن نماز طواف صحیح نیست و کسی که طواف کرده نمی‌تواند نماز طواف - واجب یا مستحب - را به نماز

دیگری اقتدا کند، خواه نماز امام جماعت نماز طواف باشد یا از نمازهای روزانه.

مسئله (۳۷۵): «یادگیری نماز»

بر هر فرد بالغ و عاقل واجب است که نماز و احکام آن را یاد بگیرد، تا وظیفه الهی خود را به طور صحیح انجام دهد؛ به خصوص کسی که قصد عمره یا حج را دارد باید از فرصت استفاده کند و قرائت نماز خود را تصحیح کند، تا تمامی نمازها - که یکی از آنها نماز طواف است - به طور صحیح انجام شود.

مسئله (۳۷۶): «تأخیر طواف برای تصحیح قرائت»

کسی که قرائتش اشتباه است، ولی می‌تواند همه یا برخی از اشتباهاتش را تصحیح کند، باید طواف را به تأخیر بیندازد و پس از تصحیح قرائت، طواف و نماز آن را به جا آورد؛ بلی اگر بدون اطلاع از این امر، طواف کند و اعمال بعدی را به جا آورد، هر وقت متوجه شود باید قرائتش را یاد بگیرد و نماز طوافش را به طور صحیح بخواند، ولی طواف و اعمال بعدی او صحیح است.

مسئله (۳۷۷): «کسی که قرائتش غلط است»

کسی که قرائتش اشتباه است و نمی‌تواند آن را تصحیح کند باید به بهترین شکلی که می‌تواند - ولو با تلقین شخص دیگر - نماز طواف را بخواند و این نماز برای او کافیست و لازم نیست نایب بگیرد.

مسئله (۳۷۸): «کوتاهی در تصحیح قرائت»

اگر در یاد گرفتن نماز کوتاهی کند، تا فرصت تمام شود، گناه کرده است و باید به دستوری که در مسئله قبل گفته شده عمل کند.

مسئله (۳۷۹): «فراموشی نماز طواف»

اگر کسی نماز طواف را فراموش کند چهار صورت پیدا می‌کند:

اول:

قبل از سعی یادش بیاید؛ که نماز طواف را می‌خواند.

دوم:

در اثناء سعی یادش بیاید؛ در این صورت سعی را رها می‌کند و پس از خواندن نماز طواف، سعی را از همانجا که رها کرده تکمیل می‌کند.

سوم:

بعد از اعمال بعدی در مکه یا حوالی آن یادش بیاید که اگر می‌تواند باید به مسجدالحرام برگردد و نماز طواف را به جا آورد.

چهارم:

بعد از خروج از حوالی مکه یادش بیاید؛ در این صورت می‌تواند در همانجا که یادش آمد، نماز طواف را به جا آورد.

در هیچ یک از این چند صورت لازم نیست اعمال بعدی را دوباره به جا آورد.

مسئله (۳۸۰): «نماز طواف در غیر مقام»

کسی که نماز طواف را فراموش کرده یا آن را در غیر مقام ابراهیم به جا آورده و به اعتقاد صحت سعی و تقصیر نموده است، هرگاه متوجه شود دو رکعت نماز طواف می‌خواند و لازم نیست اعمال بعدی را دوباره انجام دهد.

مسئله (۳۸۱): «شک در رکعات نماز طواف»

اگر انسان در تعداد رکعت‌های نماز طواف واجب شک کند، باید مقداری فکر کند، پس اگر یادش آمد یا گمان به یک طرف پیدا کرد، مطابق آن عمل کند و نمازش صحیح است، ولی در صورتی که به یک طرف یقین یا گمان پیدا نکرد، نمازش باطل است و باید دوباره بخواند.

مسئله (۳۸۲): «شک در افعال نماز طواف»

هرگاه انسان شک کند که یکی از کارهای واجب نماز را به جا آورده یا نه، چنانچه جزء بعدی را آغاز نکرده، باید آن را به جا آورد، ولی اگر وارد جزء بعدی شده، به شک خود اعتنا نمی‌کند و نماز را ادامه می‌دهد.

مسئله (۳۸۳): «شک در صحت اجزاء نماز طواف»

هرگاه نمازگزار شک کند که بعضی از اجزاء نماز را صحیح به جا آورده یا خیر، چنانچه وارد جزء بعدی شده اعتنا به شک خود نمی‌کند و نماز را ادامه می‌دهد.

آداب و مستحبات نماز طواف

- ۱ - در نماز طواف، مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره «کافرون» را بخواند.
- ۲ - پس از نماز، حمد الهی بگوید و بر پیامبر و آل او صلی الله علیه و آله درود بفرستد و دعا کند که خداوند اعمالش را بپذیرد.
- ۳ - بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهَى الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي».
- ۴ - در روایت دیگر آمده است که بعد از نماز طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَةَ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَيَلَمَ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».
- ۵ - در بعضی روایات است که حضرت صادق علیه‌السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته، چنین می‌گفتند:

«سَجَدَ وَجْهِي لِمَكَ تَعْبُدًا وَرِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي، فَإِنِّي مُعْرِضٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنان بود که گویا در آب فرو رفته باشد.
- ۶ - پس از فراغ از نماز، مستحب است از «آب زمزم» بنوشد و به سر و پشت خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ».

۷- سپس نزد «حجرالاسود» بیاید و آن را «استلام» کند، اگر چه از دور باشد.

۸- از روبروی حجرالاسود با آرامش و وقار به سوی صفا برود.

۴- سعی «چهارمین عمل عمره تمتع»

مسائل

مسئله (۳۸۴): «چهارمین عمل عمره تمتع»

پس از طواف و نماز آن، باید برای خداوند متعال، هفت مرتبه فاصله میان «صفا» تا «مروه» را بپیماید. به این عمل «سعی» می‌گویند و هر مرتبه آن را یک «شوط» می‌نامند.

مسئله (۳۸۵): «سعی، رکن عمره»

سعی، از ارکان عمره است و ترک آن از روی عمد و اختیار یا سهو و فراموشی، حکم ترک طواف را دارد که در آغاز مسائل طواف گذشت.

مسئله (۳۸۶): «سعی مستحب نداریم»

در شرع مقدس سعی مستحب نداریم و مناسب است کسانی که سعی واجب خود را انجام داده‌اند، محل سعی را برای دیگران خلوت کنند.

مسئله (۳۸۷): «امور لازم در سعی»

اشاره

اموری که رعایت آن در سعی لازم است عبارت است از:

۱- ترتیب بین طواف و سعی

۲- زمان سعی

۳- نیت سعی

۴ و ۵- شروع از صفا و ختم به مروه

۶- هفت عدد بودن تعداد دورها

۷- بین دو کوه بودن در حال سعی

۸- رعایت موالات عرفی بین اجزاء سعی

۹- اطمینان به عدد دورها

۱۰ - با اختیار سعی کردن

۱۱ - رعایت ترتیب بین اجزاء سعی

۱ - ترتیب بین طواف و سعی

مسئله (۳۸۸): «سعی بعد از طواف»

سعی، باید بعد از طواف و نماز آن باشد و اگر پیش از طواف سعی کند، باطل است.

۲ - فاصله سعی از طواف

مسئله (۳۸۹): «زمان سعی»

اگر طواف در روز انجام شود، تأخیر سعی تا شب اشکال ندارد؛ ولی بدون عذر، سعی را تا فردا به تأخیر نیندازد.

۳ - نیت سعی

مسئله (۳۹۰): «قصد قربت»

سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص برای خداوند متعال، به جا آورد و اگر آن را برای خداوند متعال به جا نیاورد، یا در انجام آن ریا کند، باطل است.

مسئله (۳۹۱): «به زبان آوردن نیت»

لازم نیست نیت سعی را به زبان آورد یا حتی از قلب خود بگذرانند، بلکه نیتی که در قلب انسان مرتکز است، کافی است؛ یعنی همین مقدار که برای خدا سعی می‌کند، کفایت می‌کند.

۴ و ۵ - شروع از صفا و ختم به مروه

مسئله (۳۹۲): «آغاز و پایان سعی»

سعی را باید از کوه صفا شروع کند، آن گاه که به مروه می‌رسد، یک دور و به صفا که باز می‌گردد، دور دوم به حساب می‌آید و به همین ترتیب پس از هفت دور در مروه، سعی را تمام می‌کند.

مسئله (۳۹۳): «اشتباه در نقطه شروع سعی»

اگر کسی از مروه، سعی را شروع کند، همه سعیش باطل است.

مسئله (۳۹۴): «سعی در طبقه فوقانی»

سعی از طبقه فوقانی باطل است و کسی که نمی‌تواند در طبقه اول سعی نماید، باید برای سعی در طبقه اول نایب بگیرد.

۶ - هفت عدد بودن تعداد دورها

مسئله (۳۹۵): «تعداد دورها»

دوره‌های سعی باید هفت عدد باشد.

مسئله (۳۹۶): «زیادی عمدی در سعی»

اگر عمداً بیش از هفت شوط سعی کند، همه سعیش باطل است.

مسئله (۳۹۷): «زیادی سهوی در سعی»

اگر سهواً بیش از هفت شوط سعی کند، سعی او صحیح است و اگر در حال سعی متوجه شود، می‌تواند از همانجا رها کند، اگر چه می‌تواند هفت شوط دوم را نیز تکمیل کند.

مسئله (۳۹۸): «تکرار قسمتی از سعی»

اگر به جهت غفلت یا ندانستن مسئله، قسمتی از اول یا وسط یا آخر سعی تکرار شود، به سعی، ضرری نمی‌رساند.

مسئله (۳۹۹): «کم کردن از سعی»

اگر به جهت غفلت یا ندانستن مسئله، قسمتی از اول یا وسط یا آخر سعی ناقص بماند، باید آن قسمت و بعد از آن را تکمیل کند؛ بلی اگر بعد از رسیدن به همان نقطه در دو دور بعد متوجه شده، بعد از تکمیل سعی باید دو دور (از صفا به مروه و از مروه به صفا) به آن اضافه کند و اگر بعد از خارج شدن از مکه متوجه شده، باید برگردد و سعی را تکمیل کند؛ بلی اگر این کار برایش مشقت شدید دارد، می‌تواند برای اتمام سعی نایب بگیرد.

۷ - بین دو کوه بودن در حال سعی

مسئله (۴۰۰): «بیرون رفتن از سعی»

سعی کننده باید در حال سعی بین دو کوه باشد، پس اگر از یکی از درهای مسعی خارج شده، از در بعدی وارد شود، به طوری که بخشی از سعی را بین دو کوه نباشد، آن مقدار از سعیش باطل است.

مسئله (۴۰۱): «برگرداندن صورت»

برگرداندن صورت در حال سعی اشکال ندارد؛ بلکه اگر همان مسیر را به پهلو یا عقب عقب هم سعی نماید، صحیح است.

۸ - رعایت موالات عرفی بین اجزاء سعی**مسئله (۴۰۲): «قطع سعی»**

قطع کردن سعی در غیر موارد خاص بدون عذر، جایز نیست؛ یعنی سعی کننده نباید با فاصله انداختن یا انجام دادن کاری، موالات عرفی سعی را از بین ببرد.

مسئله (۴۰۳): «از بین رفتن موالات عرفی»

اگر سعی کننده در غیر موارد خاص عمداً کاری انجام دهد که موالات عرفی سعی از بین رود، باید سعی را از سر بگیرد، هر چند در دور دوم به بعد باشد.

مسئله (۴۰۴): «توقف طولانی در صفا و مروه»

توقف و اشتغال به تلاوت قرآن و ذکر و دعا در کوه صفا و مروه، در اثناء سعی، اشکال ندارد؛ هر چند طول بکشد.

مسئله (۴۰۵): «موارد قطع سعی»

اموری که مجوز قطع طواف است - و ضمن شرط دوازدهم طواف گذشت - مجوز قطع سعی نیز می‌باشد.

مسئله (۴۰۶): «حکم قطع سعی»

در مواردی که قطع سعی جایز است، اگر سعی را در کوه صفا یا مروه قطع نماید، پس از تمام شدن کارش باید بلافاصله برگردد و سعی را از همان جا که قطع کرده، ادامه دهد و اگر در اثناء دورها، سعی را قطع کرده، صورتهای مختلفی دارد که در مناسک حج آمده است.

مسئله (۴۰۷): «از سر گیری سعی»

کسی که مشغول سعی است اگر آن را رها کرده و از اول دوباره شروع کند، در هر صورت سعی جدیدش اشکال پیدا نمی‌کند؛ هر چند بین دو سعی فاصله نشده باشد.

مسئله (۴۰۸): «خوردن در اثناء سعی»

خوردن و آشامیدن و صحبت کردن و خندیدن در اثناء سعی، اشکال ندارد؛ بلکه سعی کننده می‌تواند به طور موقت، سعی را رها کند و برای کاری مثل آب خوردن از مسعی خارج شود؛ ولی باید قبل از آن که موالات از بین برود، برگردد و سعی را از همان محل که رها کرده ادامه دهد.

مسئله (۴۰۹): «استراحت در اثناء سعی»

استراحت کردن در اثناء سعی در صفا و مروه و بین آن دو برای رفع خستگی، اشکال ندارد، گر چه طولانی باشد؛ ولی باید پس از رفع خستگی، بلافاصله سعی را ادامه دهد.

۹ - اطمینان به عدد اشواط

مسئله (۴۱۰): «شک در تعداد دورها»

سعی کننده باید نسبت به عدد دورها اطمینان داشته باشد؛ و کسی که در عدد دورهای سعی شک می‌کند، می‌تواند به سعی ادامه دهد و چنانچه شک او تا آخر باقی باشد و به اطمینان تبدیل نشود، سعیش باطل است.

مسئله (۴۱۱): «اطمینان به شمارش دیگری»

سعی کننده می‌تواند به شمارش شخص دیگر اکتفا کند، هر چند برایش اطمینان حاصل نشود.

مسئله (۴۱۲): «گمان در عدد دورها»

گمان در عدد دورها، اعتبار نداشته، حکم شک را دارد؛ یعنی اگر مثلاً تردید دارد که دور ششم است یا چهارم، چنانچه در ادامه به اطمینان نرسد، سعیش باطل است، هر چند گمانش به شش باشد.

مسئله (۴۱۳): «شک در تعداد دورها»

اگر هنگام سعی، در تعداد دورها شک کند، سه صورت پیدا می‌کند:

اول:

شک کند هفت شوط به جا آورده یا بیشتر؛

در این صورت اگر شک در پایان دور پیش آید اعتنا نمی‌کند و سعی او صحیح است؛ ولی اگر به آخر نرسیده، چنانچه شک او تا آخر باقی باشد، سعی او باطل است.

دوم:

شک میان هفت و کمتر؛

سوم:

شک میان دورهای کمتر از هفت،

مثلاً شک دارد سه شوط به جا آورده یا پنج شوط؛ در این دو صورت، چنانچه شک او تا آخر باقی باشد، سعی او باطل است.

مسئله (۴۱۴): «شک در تعداد دورها بین سعی و تقصیر»

اگر بعد از سعی و قبل از تقصیر در تعداد دورها شک کند، باز مسئله سه صورت پیدا می‌کند:

اول:

شک کند هفت شوط به جا آورده یا بیشتر؛ که چنین شکی اعتبار ندارد و سعی صحیح است.

دوم:

شک میان هفت و کمتر؛

سوم:

شک میان دورهای کمتر از هفت؛ در این دو صورت اگر شک باقی باشد، سعی باطل است.

مسئله (۴۱۵): «شک در سعی بعد از تقصیر»

اگر بعد از تقصیر، در سعی شک کند، به این شک اعتنا نکند و سعی او صحیح است.

۱۰ - با اختیار سعی کردن

مسئله (۴۱۶): «با اختیار، سعی کردن»

کسی که سعی می‌کند، باید با اختیار خود سعی کند.

مسئله (۴۱۷): «سعی ناتوان‌ها»

کسی که نمی‌تواند با پای خود سعی نماید، باید با وسیله‌ای مانند صندلی چرخ‌دار سعی کند ولی خودش آن وسیله را راه برد و اگر نمی‌تواند یا مشقت شدید دارد، از کسی می‌خواهد که او را سعی بدهد و اگر از این امر هم عاجز باشد یا این کار برایش مشقت شدید داشته باشد، برای سعی نایب می‌گیرد.

۱۱ - رعایت ترتیب بین اجزاء سعی

مسئله (۴۱۸): «رعایت ترتیب بین سعی»

اگر در پایان یک دور فهمید قسمتی از اول آن دور باطل بوده، باید آن دور را از اول از سر بگیرد تا ترتیب بین اجزاء سعی رعایت شده باشد.

احکام متفرقه سعی @@@

مسئله (۴۱۹): «وضو و طهارت بدن و لباس»

با وضو بودن و طهارت بدن و لباس در حال سعی، لازم نیست.

مسئله (۴۲۰): «سعی حائض»

محل سعی، مسجد نیست و احکام مسجد را ندارد و سعی در حال حیض یا نفاس صحیح است؛ ولی چنین کسی باید مراقب باشد که برای رفتن به صفا از مسجد الحرام عبور نکند.

مسئله (۴۲۱): «پوشش سعی کننده»

بانوان باید در محل سعی که در معرض دید نامحرم هستند، سر و بدن خود را بپوشانند؛ ولی پوشاندن صورت و دست‌ها از میچ به پایین واجب نیست.

همچنین مردان باید در حال سعی عورت خود را بپوشانند و اگر بدون عذر بپوشانند، گناهکارند؛ ولی به سعی آنها ضرری نمی‌رسد.

مسئله (۴۲۲): «نگاه و تماس با نامحرم»

اگر در حال سعی به نامحرم نگاه کند یا با وی برخورد داشته باشد، سعی او باطل نمی‌شود؛ ولی باید در همه حال مراقب دام‌های شیطان بود.

مسئله (۴۲۳): «سعی با لباس حرام»

هر گاه بدون عذر با لباس غضبی یا لباسی که با عین پول خمس نداده تهیه شده سعی کند گناهکار است ولی سعی او صحیح است؛ و بنا بر احتیاط مؤکد استجابی به این سعی اکتفا نکند.

مسئله (۴۲۴): «همراه داشتن پول خمس نداده»

کسی که بدون عذر در حال سعی پول خمس نداده همراه داشته باشد، گناهکار است؛ ولی سعی او صحیح است.

مسئله (۴۲۵): «از سرگیری سعی»

کسی که پس از انجام مقداری از سعی، آن را رها و دوباره از ابتدا شروع می‌کند، سعیش صحیح است.

مسئله (۴۲۶): «حلال شدن محرمات بعد از تقصیر»

در عمره تمتع با انجام سعی، هیچ یک از محرمات احرام حلال نمی‌شود و محرمات احرام با تقصیر حلال می‌گردد.

آداب و مستحبات سعی

۱ - بر بالای کوه صفا برود و رو به حجرالاسود کند و کعبه را بنگرد.

۲ - حمد و ثنای الهی کند و نعمت‌های او را به یاد آورد.

۳ - آنگاه بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه.

۴ - پس بر پیامبر اکرم و آل او صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد و بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا آتَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» سه مرتبه.

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» سه مرتبه.

۵ - سپس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

۶ - سپس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ»

۷ - مکرر خود و خانواده و دینش را به خداوند متعال بسپارد و بگوید:

«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ، الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي أَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِ وَ أَعِدَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

۸ - سپس سه مرتبه بگوید «اللَّهُ أَكْبَرُ» و دعای سابق را دوباره بخواند و باز بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» و در حدّ توان دعا را تکرار کند و اگر نتواند تمام این اعمال را انجام دهد، برخی از آن را بخواند.

۹ - در روایات است که حضرت امیر علیه السلام هنگامی که بر بالای صفا می‌رفت، رو به قبله می‌کرد و دست‌های مبارکش را بلند

می‌نمود و سپس می‌خواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْتُ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي وَإِنْ تَعِدَّدْتَنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِّي وَعِدَابِي وَأَنَا مُخْتِاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، يَا مَنْ أَنَا مُخْتِاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تَعِدَّدْتَنِي وَلَنْ تَظْلِمَنِي، أَصِيبِحْتُ أَتَقِي عَدْلَكَ وَلَا أَخَافُ جُورَكَ، يَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

۱۰ - در حدیث شریف از امام صادق علیه السلام وارد شده است:

«هر کس بخواند مال او زیاد شود، بسیار بر بالای صفا بماند».

۱۱ - مستحب است از صفا تا چراغ‌های سبز، با آرامش و وقار گام بردارد و از آنجا تا چراغ‌های سبز دوم «هزوله» کند؛ یعنی مانند

شتر تند رود، از آنجا تا مروه نیز با آرامش حرکت کند و در برگشت به همان ترتیب عمل کند.

۱۲ - چون به مروه رسید دعاهایی که درباره کوه صفا گفته شد، بر کوه مروه نیز بخواند.

۱۳ - سپس بگوید:

«يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُجْزَى عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يُعْطَى عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَغْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، أَلْعَفْوِ»

۱۴ - مستحب است در گریه کردن بکوشد و خود را به گریه وادارد و در حال سعی بسیار دعا کند.

۵ - تقصیر «آخرین عمل عمره تمتع»

تقصیر

مسئله (۴۲۷): «آخرین عمل عمره تمتع»

محرم پس از انجام طواف و سعی بین صفا و مروه، باید برای خداوند متعال «تقصیر» کند؛ یعنی قدری از مو یا ناخن خود را بچیند و احتیاط مؤکد مستحب در آنست که برای تقصیر، کوتاه کردن مو را انتخاب کند.

مسئله (۴۲۸): «مقدار تقصیر»

برای تقصیر، چیدن مقدار کمی از موی سر یا صورت یا کمی از ناخن دست یا پا، با هر وسیله‌ای - قیچی یا ناخن گیر یا ... - کفایت می‌کند.

مسئله (۴۲۹): «خروج از احرام»

در عمره تمتع پس از تقصیر، هر آن چه به خاطر احرام حرام شده بود، حلال می‌شود.

مسئله (۴۳۰): «طواف نساء در عمره تمتع»

عمره تمتع طواف نساء ندارد و با تقصیر، اعمال عمره تمتع پایان می‌یابد و بهره‌گیری جنسی زن و مرد از یکدیگر نیز حلال می‌شود.

مسئله (۴۳۱): «تراشیدن سر»

تراشیدن سر و کندن مو برای تقصیر کفایت نمی‌کند، بلکه اگر از روی علم و عمد باشد، گناهکار است و یک گوسفند کفاره دارد.

مسئله (۴۳۲): «فاصله زمانی سعی و تقصیر»

رعایت ترتیب بین سعی و تقصیر لازم است؛ ولی فاصله افتادن بین سعی و تقصیر اشکال ندارد و تأخیر تقصیر تا زمانی که بتواند بعد از آن احرام حج ببندد و خود را قبل از غروب روز نهم به عرفات برساند، جایز است.

مسئله (۴۳۳): «مکان تقصیر»

تقصیر در عمره، مکان خاصی ندارد و محرم در محل اقامت خود نیز می‌تواند تقصیر کند.

مسئله (۴۳۴): «تقصیر بانوان»

بانوان باید موی سر خود را از نامحرم بپوشانند؛ از این رو بسیار شایسته است که برای رعایت این امر، در هتل و محل سکونت خود تقصیر نمایند و اگر بدون عذر در برابر نگاه نامحرم از موی خود تقصیر کنند، گناهکارند؛ ولی در هر حال تقصیرشان صحیح است.

مسئله (۴۳۵): «تقصیر کردن برای دیگری»

کسی که خودش تقصیر نکرده، نمی‌تواند برای تقصیر، موی دیگری را بچیند؛ ولی برای او، چیدن ناخن دیگری اشکال ندارد.

مسئله (۴۳۶): «تقصیر توسط شخص دیگر»

محرم می‌تواند از شخص دیگری هر چند شیعه نباشد بخواهد که برای او تقصیر کند؛ ولی در هر حال باید خودش نیت کند.

مسئله (۴۳۷): «ترک عمدی تقصیر»

اگر کسی از روی عمد و اختیار تقصیر را ترک نماید - خواه بداند باید تقصیر کند یا خیر - و برای حج محرم شود عمره تمتع او تبدیل به حج افراد می‌شود و باید با همان احرام اعمال حج افراد را به جا آورد و پس از آن و گذشتن روزهای تشریق (۱۱ تا ۱۳ ذیحجه) عمره مفرده به جا آورد؛ هر چند عمره تمتع او مستحب باشد و این حج و عمره کفایت از حجه الاسلام نمی‌کند؛ مگر در ترک تقصیر کوتاهی نکرده باشد.

مسئله (۴۳۸): «فراموشی تقصیر»

هرگاه تقصیر را فراموش کند و برای حج محرم شود، عمره تمتع و احرام حج او صحیح است؛ ولی احتیاط مؤکد مستحب در آن است که یک گوسفند قربانی کند و آن را به فقرا بدهد.

از تقصیر تا احرام حج

مسئله (۴۳۹): «سر تراشیدن مردان»

پس از تقصیر عمره تمتع، احتیاط مؤکد مستحب در آن است که مردان سرشان را نتراشند.

مسئله (۴۴۰): «حرام بودن محرمات حرم»

محرمات حرم، یعنی اموری که به احترام حرم الهی حرام شده بود، مانند شکار کردن در حرم و کندن یا بریدن درخت و گیاه حرم، با تقصیر حلال نمی‌شود و بر هر مکلفی محرم باشد یا غیر محرم، حرام است.

مسئله (۴۴۱): «انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع»

بین عمره تمتع و حج تمتع نباید عمره مفرده به جا آورد و اگر کسی به جا آورد، عمره تمتع او باطل می‌شود.

مسئله (۴۴۲): «انجام عمره مفرده قبل از عمره تمتع و بعد از حج تمتع»

قبل از احرام بستن به عمره تمتع و همچنین بعد از انجام حج تمتع و گذشتن روزهای تشریق (۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذیحجه)، می‌توان عمره مفرده به جا آورد.

مسئله (۴۴۳): «خروج از مکه بین عمره و حج تمتع»

بیرون رفتن از شهر مکه در اثناء عمره تمتع اشکال ندارد ولی بعد از اتمام عمره تمتع و قبل از احرام حج خروج از مکه و اطراف نزدیک آن، جایز نیست، مگر در صورت نیاز و در این صورت نیز باید به حج تمتع محرم شود و با احرام حج خارج گردد؛ بلی اگر خروج با احرام برای او با مشقت شدید همراه باشد، می‌تواند بدون احرام بیرون رود.

مسئله (۴۴۴): «خروج عمدی، مبطل عمره»

در فاصله بین اتمام عمره تمتع و احرام حج تمتع اگر کسی بدون نیاز و بدون عذر از مکه خارج شود، عمره تمتعش باطل می‌شود و اگر ندانسته یا از روی اشتباه یا ناچاری از مکه خارج گردد، به عمره تمتع و حج او لطمه‌ای وارد نمی‌شود.

مسئله (۴۴۵): «رفتن به غار حرا و غار ثور»

رفتن به غار حرا و غار ثور اگر در نظر اهالی منطقه از مکه یا اطراف نزدیک آن محسوب گردند، جایز است.

مسئله (۴۴۶): «ارتباط عمره و حج تمتع»

کسی که احرام عمره تمتع بست، باید پس از عمره تمتع حج تمتع انجام دهد، هر چند عمره او استحبابی باشد.

بخش سوم؛ اعمال حج تمتع

اعمال حج تمتع

۱ - احرام؛ «اولین عمل حج تمتع»

مسئله (۴۴۷): «اولین عمل حج»

اولین عمل حج تمتع، احرام حج است و آن مانند احرام عمره تمتع است؛ پس حاجی لباس احرام را می‌پوشد، نیت احرام حج تمتع می‌کند و با لیبیک گفتن محرم می‌شود.

مسئله (۴۴۸): «زمان احرام»

زمان احرام حج، بعد از اعمال عمره تمتع است، تا وقتی که بتواند پیش از غروب روز نهم به وقوف در عرفات برسد و بهترین وقت آن روز هشتم ذیحجه است.

مسئله (۴۴۹): «مکان احرام»

مکان احرام حج تمتع، شهر «مکه معظمه» است از هر کجای آن باشد؛ هر چند مستحب است در مسجدالحرام محرم شود و بهترین نقطه مسجد برای محرم شدن، کنار مقام ابراهیم علیه السلام و پس از آن، داخل حجر اسماعیل علیه السلام است.

مسئله (۴۵۰): «احرام بستن از مناطق جدید مکه»

در احرام از مکه، فرقی بین مکه قدیم و جدید نیست؛ بلکه احرام از «مناطق جدید» شهر مکه که اخیراً احداث شده نیز صحیح است.

مسئله (۴۵۱): «نیت احرام»

در نیت احرام حج - مانند احرام عمره تمتع - رعایت چهار امر لازم است:

- ۱ - تعیین در نیت؛ یعنی ویژگی‌های حجی را که به جا می‌آورد، در نیت مشخص کند.
- ۲ - انشاء احرام؛ یعنی از قلب خود بگذراند که خود را محرم - مثلاً - به حج تمتع از حجه الاسلام قرار می‌دهم.
- ۳ - قصد قربت؛ یعنی با نیت خالص برای خداوند متعال احرام ببندد.
- ۴ - تصمیم انجام مناسک حج را داشته باشد و حج تمتع را به عنوان بخش دیگری از مجموعه عمره و حج تمتع به جا آورد. بنابراین، برای احرام حج تمتع - مثلاً - چنین نیت می‌کند: «خود را محرم به حج تمتع از حجه الاسلام قرار می‌دهم قربۀاً إلى الله» و چنانچه همراه این نیت لبیک بگوید محرم می‌شود.

مسئله (۴۵۲): «لبیک واجب»

تلبیه در احرام حج مانند احرام عمره است و حاجی با گفتن «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ، لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لا شَرِيكَ لَكَ» محرم می‌شود.

مسئله (۴۵۳): «محرمات احرام»

بر کسی که محرم به احرام حج شد، تمام محرماتی که در احرام عمره تمتع گذشت حرام است و کفاره محرمات نیز همان کفاراتیست که گذشت.

مسئله (۴۵۴): «ماشین سقف‌دار»

محرم نباید برای رفتن به منزل خود در مکه، یا رفتن به عرفات، چتر به دست بگیرد یا از وسیله نقلیه سقف‌دار استفاده کند.

مسئله (۴۵۵): «تکرار تلبیه»

تکرار تلبیه بر محرم مستحب است و این استحباب تا ظهر روز عرفه ادامه دارد.

مسئله (۴۵۶): «ترک احرام بدون عذر»

اگر کسی بدون عذر محرم به احرام حج نشود، تا این که زمان وقوف به عرفات بگذرد، حج او باطل است.

مسئله (۴۵۷): «فراموشی احرام حج»

اشاره

اگر احرام حج را فراموش کند یا به جهت ندانستن مسئله بدون احرام از مکه خارج شود مسئله چهار صورت پیدا می‌کند:

اول:

@

قبل از عرفات متوجه شود؛ که باید به مکه برگردد و محرم شود و اگر نتواند همانجا که هست محرم می‌شود.

دوم:

در عرفات متوجه شود؛ که همان جا محرم می‌شود و برای محرم شدن علاوه بر تلبیه می‌گوید:
«اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ».

سوم:

بعد از عرفات و قبل از حلق یا تقصیر متوجه شود، در این صورت همانجا محرم می‌شود و برای محرم شدن بنا بر احتیاط علاوه بر تلبیه، ذکر سابق را بگوید.

چهارم:

بعد از حلق یا تقصیر متوجه شود، که چیزی بر عهده او نیست.
در تمام چهار صورت این حج صحیح است و کفایت از حجه الاسلام می‌کند.
مستحبات احرام حج تا وقوف در عرفات

کارهایی که در احرام عمره مستحب است و در صفحه ۷۱ گذشت، در احرام حج نیز مستحب است.

مستحبات مخصوص احرام حج عبارت است از:

۱ - در روز «ترویبه» (هشتم ذی‌حجه) احرام ببندد و بهتر آن است که قبل از ظهر مُحرم شود و نماز ظهر و عصر را در منا بخواند و اگر سخت است، بعد از نماز ظهر مُحرم شود.

۲ - مستحب است در «مسجدالحرام»، محرم گردد و بهترین مکان برای احرام، نزد مقام ابراهیم علیه‌السلام و پس از آن داخل حجر اسماعیل علیه‌السلام است و زیر ناودان طلا مُحرم شدن، استحباب مخصوصی ندارد.

۳ - پس از خروج از مسجدالحرام همین که به «أَبْطَح» (۴) مُشرف شود به آواز بلند «تلبیه» بگوید

۴ - چون به سوی منا حرکت کند بگوید:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي».

و با وقار و دلی آرام به سوی منا برود و به تسبیح و ذکر حق تعالی مشغول باشد.

۵ - چون به منا رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقَدَمَنِيهَا صَالِحًا فِي عَافِيَةٍ وَ بَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ».

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هِدْهُ مِنِّي وَ هِدْهُ مِنِّي مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ».

۶ - مستحب است «شب عرفه» (شب نهم) را در منا باشد و به طاعت خدا مشغول گردد و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب بگوید و به سوی عرفات روانه شود و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَدَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِخْلَتِي وَ أَنْ تُقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي»

۷ - «تا ظهر عرفه» تلبیه را تکرار کند و پس از آن، تلبیه گفتن مستحب نیست.

۲ - وقوف در عرفات؛ «دومین عمل حج تمتع»

مسائل

مسئله (۴۵۸): «دومین عمل حج»

حاجی پس از احرام حج، باید به «عرفات» برود و در آنجا «وقوف» نماید.

مسئله (۴۵۹): «معنای وقوف»

وقوف در عرفات یعنی «حضور» در آن صحرا، به هر حالتی که باشد، در حال توقف باشد یا حرکت، سواره باشد یا پیاده، نشسته باشد یا ایستاده یا به هر حالت دیگر.

مسئله (۴۶۰): «نیت وقوف»

وقوف در عرفات عبادت است و حاجی باید با نیت خالص برای خداوند در عرفات بماند و به زبان آوردن نیت وقوف لازم نیست؛ بلکه همین مقدار که در آن صحرا بماند، کافی است.

مسئله (۴۶۱): «زمان وقوف»

زمان اصلی وقوف در عرفات، از ظهر تا مغرب روز عرفه (= روز نهم ذیحجه) است.

مسئله (۴۶۲): «تأخیر وقوف از ظهر عرفه»

لازم نیست حاجی از ابتدای ظهر نهم در عرفات باشد، بلکه تأخیر آن تا نزدیک غروب اشکال ندارد؛ بنابراین می‌تواند کمی قبل از مغرب خود را به عرفات برساند و نیت وقوف نماید.

مسئله (۴۶۳): «وقوف در عرفات رکن حج»

وقوف در عرفات از ارکان حج است، بنابراین اگر حاجی از روی عمد و اختیار وقوف را ترک کند و در هیچ مقداری از ظهر تا غروب روز نهم موفق به وقوف در عرفات نشود، حج او باطل می‌شود - خواه بداند که وقوف واجب است یا خیر - در این صورت وقوف در شب عید قربان برای او کفایت نمی‌کند.

مسئله (۴۶۴): «کوچ کردن قبل از مغرب»

حاجی وقتی عرفات را در زمان وقوف درک کرد، تا مغرب نشده نباید از آنجا کوچ کند و اگر بدون عذر قبل از مغرب خارج شود و دیگر برنگردد، گناه کرده و باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نتواند باید هجده روز روزه بگیرد.

مسئله (۴۶۵): «وقوف اضطراری عرفات»

اگر کسی به جهت عذری - مانند بیماری یا ماندن در راه‌بندان - تا مغرب روز عرفه موفق به وقوف در عرفات نشد، واجب است مقداری از شب عید تا طلوع فجر را - هر چند کم باشد - در آنجا وقوف کند.

مسئله (۴۶۶): «وضو و طهارت بدن و لباس»

برای وقوف در عرفات، مانند سایر اعمال حج - به جز طواف و نماز - وضو داشتن و پاک بودن از حیض و نفاس لازم نیست و اگر

بدن یا لباس محرم نجس شود، باید بدون تأخیر تطهیر کند، ولی نجس ماندن آنها وقوف را باطل نمی‌کند.

مسئله (۴۶۷): «ذکر و دعا در عرفات»

حاجی در عرفات غیر از حضور و وقوف وظیفه واجب دیگری - مانند ذکر و دعا - ندارد، ولی اذکار و ادعیه مستحب بسیاری برای وقوف در عرفات ذکر شده که قسمتی از آنها خواهد آمد.

مسئله (۴۶۸): «خوابیدن در عرفات»

خوابیدن در زمان وقوف مانعی ندارد و اگر کسی نیت وقوف کند و بخوابد، وقوف او صحیح است، هر چند در تمام وقت خواب باشد.

مسئله (۴۶۹): «حدود عرفات»

حدودی که با نصب علائم برای عرفات و مشعر و منا مشخص شده است و اهالی منطقه آن را قبول دارند، معتبر است.

مسئله (۴۷۰): «رفتن بالای جبل الرحمة»

بنا بر احتیاط مستحب حاجی در مدت وقوف واجب بالای جبل الرحمة - که کوهی در عرفات است - نرود.

مسئله (۴۷۱): «ثبوت هلال نزد قاضی عامه»

هرگاه قاضی عامه ثبوت هلال ماه ذیحجه را اعلان نمود، تا زمانی که خلاف آن برای حاجی ثابت نشده باشد، باید تبعیت کند.

آداب و مستحبات وقوف در عرفات

- ۱ - در زمین همواری که در طرف چپ «جَبَلُ الرَّحْمَةِ» است، وقوف کند.
- ۲ - در حال وقوف با وضو باشد.
- ۳ - غسل کند و بهتر است نزدیک ظهر باشد.
- ۴ - در اول وقت، نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه به جا آورد.
- ۵ - کاملاً متوجه ذات اقدس الهی باشد و از غیر خدا منقطع شود و بداند که عرفات از بهترین مکانها برای استجابت دعاست و مستحبات بسیاری دارد.

از بهترین مستحبات وقوف در عرفات خواندن «دعای معروف حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام» و «حضرت امام زین العابدین علیه السلام» است و اعمال دیگری نیز در روایات آمده است.

۶ - حمد و ثنای الهی کند و صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید و صد مرتبه «سوره توحید» بخواند و بگوید:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ. اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَخْدَعْني وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَمَنِّكَ وَفَضْلِكَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّظَائِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَبِهِ جَاءَ «أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا» حاجت خود را نام برد.

پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعَنِي وَالَّتِي إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ مَلِكُ يَدِكَ، نَاصِتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوفِّقَنِي لِمَا يُرِضُكَ عَنِّي وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكَ الَّتِي أَرْتِيهَا خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ صِلَاوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ دَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَأَطَلَتْ عُمرُهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ».

۷ - این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَ خَيْرٌ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صِلَاتِي وَ دِينِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي وَ لَكَ تُرَاثِي وَ بِكَ حَوْلِي وَ مَنِّكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ وَسْوَاسِ الصَّدْرِ وَ مِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنَ عَذَابِ النَّارِ وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيَّاحُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيَّاحُ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَ فِي سَمْعِي وَ بَصِيرَتِي نُورًا وَ فِي لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرْوَقِي وَ مَفْعِدِي وَ مَقَامِي وَ مَدْحَلِي وَ مَخْرَجِي نُورًا وَ اعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبَّ يَوْمَ الْقَاكِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۸ - آنگاه رو به قبله کند و این ذکرها را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

«مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه.

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» صد مرتبه.

۹ - سپس آیات زیر را بخواند:

الف - آیه‌های اول تا دهم «سوره بقره».

ب - «سوره توحید» سه مرتبه.

ج - «آیه الكرسي»

د - «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلُ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ، أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، اذْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً، إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَ لَا تُنْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ اذْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا، إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ».

ه - «سوره فلق»

و - «سوره ناس»

۱۰ - نعمتهای خدا را به یاد آورد و بر آنها خدا را شکر کند و بگوید:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ».

و آیاتی از قرآن که در آن «حمد» و «تسبیح» الهی و «الله اکبر» و «لا اله الا الله» آمده است بخواند.

بر محمد و اهل بیتش صلی الله علیه و آله درود فرستد.

خدا را به اسماء الهی که در قرآن آمده است، بخواند و بگوید:

«اللَّهُ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ، الرَّحِيمُ، الْمَلِكُ، الْقُدُّوسُ، السَّلَامُ، الْمُؤْمِنُ، الْمُهِيمُنُ، الْعَزِيزُ، الْجَبَّارُ، الْمُتَكَبِّرُ، الْخَالِقُ، الْبَارِئُ، الْمُصَوِّرُ».

۱۱ - سپس این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ بِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ بِجَمِيعِكَ وَ بَارَكَانِكَ وَ بِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِأَسْمِئِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَ بِأَسْمِئِكَ الْعَظِيمِ، الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ وَ بِأَسْمِئِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ وَ أَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِي».

۱۲ - حاجات خود را از خدا بخواهد و از خداوند کریم بخواهد که همه ساله حج نصیص گرداند و بگوید:

«أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» هفتاد مرتبه.

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» هفتاد مرتبه.

پس بخواند:

«اللَّهُمَّ فَكِّنِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

۱۳ - نزدیک غروب این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ تَشْتُّتِ الْمَأْمَرِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَ أَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَ أَمْسَى وَ جِهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَحْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، جَلَلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَ أَلْبَسَنِي عَافِيَتِكَ وَ أَصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

پس بگوید:

«يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَوْسَعَ مَنْ أُعْطِيَ، يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحَمَ» و حاجات خود را از خدا بخواهد.

۱۴ - پس از غروب این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَ ارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَيْدِي مَا أَبْتَيْتَنِي وَ أَقْلَبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَ اجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَ أَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَاتِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَ بَارِكْ لَهُمْ فِي».

و بسیار بگوید:

«اللَّهُمَّ أَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ».

در راه مشعر

استغفارکنان با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعر الحرام روانه شود.

۳ - وقوف در مشعرالحرام؛ «سومین عمل حج تمتع»

مسائل

مسئله (۴۷۲): «سومین عمل حج»

حاجی پس از عرفات باید به «مشعرالحرام» برود و در آنجا با نیت خالص برای خداوند متعال «وقوف» نماید.

مسئله (۴۷۳): «شب ماندن در مشعر»

بنا بر احتیاط مؤکد مستحب حاجی شب عید را در مشعرالحرام «بیتوته» کند، یعنی با نیت خالص برای خداوند متعال شب را تا طلوع فجر در آنجا بگذراند.

مسئله (۴۷۴): «زمان وقوف»

وقت اصلی وقوف در مشعر، از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز عید قربان است.

مسئله (۴۷۵): «تأخیر وقوف از طلوع فجر»

لازم نیست از ابتدای طلوع فجر در مشعرالحرام توقف کند؛ بلکه می‌تواند کمی قبل از طلوع آفتاب خود را به آن صحرا برساند و نیت وقوف نماید.

مسئله (۴۷۶): «کوچ کردن قبل از طلوع آفتاب»

حاجی وقتی شب عید وارد مشعرالحرام شد، نباید قبل از روشن شدن هوا - بلکه بنا بر احتیاط قبل از طلوع آفتاب - از آنجا کوچ نماید و اگر بدون عذر زودتر کوچ کرد، باید به تفصیلی که در مناسک آمده کفاره بدهد.

مسئله (۴۷۷): «وقوف در مشعر رکن حج»

وقوف در مشعرالحرام (از بین غروب شب دهم تا طلوع آفتاب) از ارکان حج است و اگر حاجی از روی عمد و اختیار هیچ مقداری از شب عید تا طلوع آفتاب روز عید را وقوف نکند، حشش باطل می‌شود، خواه بداند که وقوف واجب است یا نداند و در این صورت وقوف بعد از طلوع آفتاب کفایت نمی‌کند.

مسئله (۴۷۸): «وقوف اضطراری مشعر»

اگر حاجی به جهت عذری - مانند بیماری یا دیر رسیدن - در شب عید تا طلوع آفتاب روز عید موفق به وقوف در مشعرالحرام نشد، باید مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر را در مشعر وقوف نماید - اگر چه کم باشد - و حجش صحیح است.

مسئله (۴۷۹): «وضو و طهارت بدن و لباس»

برای وقوف در مشعر - مانند وقوف در عرفات - وضو داشتن و پاک بودن از حیض و نفاس لازم نیست؛ هر چند اگر بدن یا لباس محرم نجس شود، باید بدون تأخیر تطهیر کند، ولی ترک آن ضرری به حج نمی‌زند.

مسئله (۴۸۰): «ذکر در مشعرالحرام»

یکی از واجبات مشعرالحرام «ذکر خداوند» است و لازم نیست که آن را به عنوان ذکر مشعرالحرام بگویند؛ بلکه اگر بدون توجه به این امر نماز واجبش را بخواند، کفایت می‌کند.

مسئله (۴۸۱): «ذکر به زبان»

ذکر قلبی کافی نیست و حاجی باید خدا را «به زبان» یاد کند و به هر صورت (نماز، دعا، تسبیح، استغفار و) ... خدا را به زبان یاد کند، کفایت و در هر حال ترک آن وقوف را باطل نمی‌کند.

مسئله (۴۸۲): «وقوف ناتوانان»

دو گروهند که باید در مشعرالحرام شبانه وقوف نمایند:

۱ - کسانی که می‌ترسند اگر بخواهند تا صبح بمانند و وقوف بین الطلوعین را درک کنند با ضرری اساسی یا خطری جدی روبرو شوند.

۲ - مسؤلان تدارکات حجاج که برای تهیه و آماده‌سازی مایحتاج آنان باید قبل از طلوع فجر از مشعر کوچ کنند.

۳ - کسانی که موظفند جمره عقبه را شب عید رمی کنند - به تفصیلی که در رمی جمره عقبه خواهد آمد -.

این سه گروه موظفند در مشعرالحرام شبانه وقوف نمایند از آنجا خارج شوند؛ هر چند اگر شب را در مشعر بمانند، لطمه‌ای به حج آنها وارد نمی‌شود.

مسئله (۴۸۳): «وقوف بانوان و بیماران»

سه دسته‌اند که می‌توانند در مشعرالحرام شبانه وقوف کنند:

۱ - بانوان

۲ - کودکان

۳ - افراد ناتوان (مانند کهنسالان) که وقوف بین الطلوعین برایشان مشقت - هر چند شدید نباشد - داشته باشد. این چند گروه می‌توانند مقداری از شب دهم را در مشعرالحرام وقوف نمایند و سپس به منا کوچ کنند؛ هر چند احتیاط مؤکد مستحب در آن است که قبل از نیمه شب از مشعر خارج نشوند.

مسئله (۴۸۴): «وقوف همراهان بانوان و بیماران»

کسانی که لازم است همراه بانوان یا بیماران باشند، می‌توانند شبانه نیت وقوف کنند و به منا بروند؛ ولی اگر مشقت شدید نداشته باشد، باید قبل از طلوع آفتاب خود را به مشعرالحرام برسانند و نیت وقوف نمایند و اگر نایب باشند نیابتشان هم صحیح است.

آداب و مستحبات وقوف در مشعر الحرام

- ۱ - چون به مشعر رسید، بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَ أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنَزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقِيَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».
- ۲ - مستحب است سنگریزه‌هایی که برای رمی جمرات می‌خواهد، از مشعر الحرام بردارد.
- ۳ - هر قدر که می‌تواند به عبادت الهی مشغول باشد.
- ۴ - پس از نماز صبح، حمد و ثنای الهی به جا آورد و نعمتهای او را به یاد آورد و صلوات بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فُضِّحْ رَفِيقِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسِقَمَةِ الْجَنِّ وَالْبَأْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مِدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَ لِكُلِّ وَاقِدٍ جَائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْبَلَ مَعْدِرَتِي وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».

در راه منا

از مشعر به سوی منا که می‌رود به «وادی مُحَسَّر» (۵) می‌رسد، مستحب است در آن وادی به مقدار صد قدم «هروله» کند، یعنی مانند شتر تند برود و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَاخْلُقْنِي بِخَيْرٍ فِي مَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

۴ - رمی جمره عقبه؛ «چهارمین عمل حج تمتع»

مسائل

مسئله (۴۸۵): «کوچ کردن از مشعر»

پس از وقوف در مشعرالحرام، حاجی برای انجام اعمال منا روانه سرزمین «منا» می‌شود.

مسئله (۴۸۶): «اعمال منا»

اعمال منا عبارت است از:

- ۱- «رمی جمره عقبه»
- ۲- «قربانی»
- ۳- «حلق یا تقصیر»
- ۴- «بیتوته شبهای یازدهم و دوازدهم ذیحجه»
- ۵- «رمی جمرات سه گانه» در روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجه.

مسئله (۴۸۷): «جمرات»

در آخر صحرای منا به طرف مکه سه علامت قرار دارد که به آنها به ترتیب «جمره اولی»، «جمره وسطی» و «جمره عقبه» می گویند.

مسئله (۴۸۸): «اولین عمل روز عید قربان»

حاجی باید هفت سنگریزه به جمره عقبه بزند، به این سنگ زدن «رمی» می گویند.

مسئله (۴۸۹): «نیت رمی»

رمی جمره عبادت است و باید با «نیت خالص برای خداوند متعال» انجام شود؛ و به زبان آوردن نیت لازم نیست.

مسئله (۴۹۰): «چگونه سنگ بزیم؟»

حاجی باید سنگریزه‌ها را یکی بعد از دیگری پرتاب کند و اگر چند سنگ را باهم پرتاب کند و به جمره بخورد، فقط یک بار به حساب می آید.

مسئله (۴۹۱): «موالات در رمی»

رعایت «موالات» در زدن شش سنگ اول لازم است، یعنی: نباید بین آنها فاصله زیاد بیندازد؛ ولی فاصله انداختن سنگ هفتم مانعی ندارد.

مسئله (۴۹۲): «برخورد ریگ‌ها»

ریگ‌ها باید به جمره «برخورد» کند و انداختن در حوضچه‌ای که در اطراف جمرات است، کافی نیست.

مسئله (۴۹۳): «شک در تعداد»

اگر شک کند که ریگی به جمره خورده یا نه، نباید به حساب آورد؛ بلکه اگر گمان کند که به جمره خورده است، نمی‌تواند به حساب آورد و باید به قدری بزند که اطمینان کند هفت عدد از آنها به جمره خورده است.

مسئله (۴۹۴): «شرایط سنگ‌ها»

سنگ‌ها باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- ۱ - جنس آنها از «سنگ» باشد و سیمان و کلوخ و گل سفت شده و ... کافی نیست.
- ۲ - سنگها باید به اندازه‌ای باشد که به آن «ریگ» بگویند و اگر شک کند که به آن ریگ گفته می‌شود یا خیر، کافی نیست.
- ۳ - ریگها باید از «حرم» برداشته شده باشد - مثلاً - از مشعرالحرام یا منا یا مکه - و اگر از جایی که حرم بودن آن معلوم نیست بردارد، کفایت نمی‌کند.
- ۴ - ریگها را از «پای جمرات» بردارد و اگر از جاهای دیگر حرم بردارد، کافی است؛ هر چند قبلاً برای رمی جمره از آن سنگ‌ها استفاده شده باشد.

مسئله (۴۹۵): «مباح بودن ریگ‌ها»

استفاده کردن از ریگ‌هایی که مال دیگری است، بدون رضایت او حرام است و اگر برای سنگ زدن از چنین ریگ‌هایی استفاده کند، بنا بر احتیاط مؤکد مستحب، به آن اکتفا ننماید.

مسئله (۴۹۶): «بهترین مکان برای جمع آوری سنگ‌ها»

مستحب است حاجی سنگ‌ها را از مشعرالحرام جمع کند و پس از مشعر، جمع کردن سنگ‌ها از منا، بهتر از نقاط دیگر حرم است.

مسئله (۴۹۷): «ریگ‌های ریخته شده در مکه و مشاعر»

ریگ‌هایی که در اطراف خیابانهای مکه یا در مشعرالحرام یا سرزمین منا ریخته شده، برای رمی جمرات کافی است؛ هر چند قبلاً از خارج حرم آورده شده؛ ولی عرفات و بخشی از مکه - از مسجد تنعیم به بعد - خارج از حرم است و استفاده از ریگ‌های آن اماکن برای رمی جمرات، کافی نیست.

مسئله (۴۹۸): «سنگ زدن به جمرات جدید»

سنگ زدن به جمراتی که اخیراً احداث شده است، حتی قسمتهایی از آن که بیرون از محلّ جمرات سابق است و همچنین سنگ زدن به هر دو طرف دیوار جمره کافی است؛ هر چند احتیاط مستحب در آن است که قسمتی از وسط دیوار جمرات را که مقابل ستون سابق قرار گرفته، رمی نمایند.

مسأله (۴۹۹): «رمی از طبقات فوقانی»

رمی جمرات از طبقات فوقانی، مانعی ندارد.

مسأله (۵۰۰): «رمی با تیر و کمان»

حاجی می‌تواند با وسیله‌ای چون فلاخن یا تیر و کمان، سنگ بزند.

مسأله (۵۰۱): «زمان رمی جمره»

وقت اصلی رمی جمره عقبه، از طلوع آفتاب تا غروب روز عید قربان است.

مسأله (۵۰۲): «رمی ناتوانان»

سه دسته‌اند که جمره عقبه را باید شب عید رمی کنند:

- ۱ - کسانی که نمی‌توانند در روز عید رمی کنند.
 - ۲ - کسانی که می‌ترسند در رمی در روز با خطری جدی روبرو شوند.
 - ۳ - کسانی که رمی در روز برای آنها ضرر اساسی دارد.
- این سه گروه اگر از سنگ زدن در شب عید هم معذورند، برای رمی نایب می‌گیرند و در صورت امکان باید کسی را نایب بگیرند که در روز سنگ بزند.

مسأله (۵۰۳): «وظیفه بانوان و ناتوانان»

پنج دسته‌اند که علاوه بر این که می‌توانند در روز جمره عقبه را رمی کنند، می‌توانند شب عید رمی نمایند:

- ۱ - بانوان
- ۲ - کودکان
- ۳ و ۴ - بیمار و ضعیفی که رمی در روز بر آنها سخت باشد، هر چند سختی آن شدید نباشد.
- ۵ - همه کسانی که رمی در روز بر آنها بسیار سخت است.

این چند گروه می‌توانند جمره عقبه را شب عید رمی کنند و رمی شب عید بر نیابت مقدم است؛ و نمی‌توانند رمی را به شب یا روز بعد به تأخیر بیندازند.

مسئله (۵۰۴): «نایب گرفتن در رمی جمره»

حاجی باید خودش رمی نماید؛ ولی گروه‌هایی که در مسأله قبل گفته شد، چنانچه از رمی در روز عید و همچنین شب قبل آن معذور باشند، برای سنگ زدن «نایب» می‌گیرند و در صورت امکان باید کسی را نایب بگیرند که در روز عید رمی نماید، هر چند خود آنها و نایب آنها از بانوان باشند.

مسئله (۵۰۵): «بررسی از نزدیک»

کسانی که نمی‌دانند آیا می‌توانند جمره را رمی نمایند یا خیر، باید تا جمرات بروند و از نزدیک توانایی خود را بررسی کنند؛ مگر این امتحان برای آنها مشقت شدید داشته یا خطرناک باشد.

مسئله (۵۰۶): «با ماشین به جمرات رفتن»

کسی که از پیمودن مسافت میان خیمه‌ها و جمرات ناتوان است، ولی اگر او را به جمرات برسانند، می‌تواند خودش رمی را انجام دهد، در صورتی که بتواند با ماشین یا وسیله نقلیه دیگری خود را به جمرات برساند، باید به جمرات برود و خودش رمی کند و نمی‌تواند برای آن نایب بگیرد.

مسئله (۵۰۷): «سنگ زدن بدون گفتن حاجی»

کسی که وظیفه او نایب گرفتن است، اگر دیگری بدون گفته او برایش سنگ زد، کافی است، ولی بنا بر احتیاط مؤکد مستحب به آن اکتفا نکند.

مسئله (۵۰۸): «وضو داشتن و طهارت از حیض و نفاس»

در رمی جمره وضو داشتن و طهارت از حیض و نفاس معتبر نیست؛ هر چند وضو داشتن مستحب، بلکه مطابق احتیاط استحبابی است.

مسئله (۵۰۹): «پاک بودن رمی کننده و ریگ‌ها»

در رمی جمره پاک بودن ریگ‌ها و همچنین پاک بودن بدن و لباس کسی که سنگ می‌زند، لازم نیست.

مسئله (۵۱۰): «شک بعد از رمی»

هر گاه بعد از آن که خود را از رمی فارغ شده یافت در تعداد سنگ زدن‌ها یا شرایط آنها، شک کند، چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی جمره به رعایت شرایط آن توجه داشته است، اعتنا به شکش نمی‌کند.

مسئله (۵۱۱): «شک بعد از روز دهم»

هر گاه بعد از روز دهم در انجام رمی جمره یا تعداد سنگها یا شرایط آنها شک کند، اعتنا به شکش نمی‌کند.

مسئله (۵۱۲): «فراموشی رمی جمره عقبه»

اگر رمی جمره عقبه را فراموش کرد یا به جهت ندانستن مسئله آن را ترک کرد، سه صورت پیدا می‌کند:
اول:

در روزهای تشریق (۱۱ تا ۱۳ ذیحجه) متوجه شود؛ در این صورت رمی را قضا می‌کند.

دوم:

بعد از سیزدهم در مکه متوجه شود؛ در این صورت بنا بر احتیاط قبل از گذشتن ذیحجه رمی را قضا نماید و در سال بعد در همان روز رمی نیز خودش و اگر نمی‌تواند نایش رمی را قضا کند.

سوم:

بعد از خارج شدن از مکه متوجه شود که چیزی بر عهده او نیست و حشش صحیح است.

مسئله (۵۱۳): «موفق نشدن به رمی»

اگر کسی به هر جهت موفق به رمی نشد، نمی‌تواند شب بعد رمی کند؛ بلکه باید روز بعد، قضای آن را به جا آورد.

مسئله (۵۱۴): «ترتیب بین رمی نیابتی و رمی خود»

اگر حاجی برای رمی نایب شود، می‌تواند ابتدا رمی خودش را انجام دهد و سپس رمی نیابتی را، همچنان که می‌تواند عکس آن رفتار کند.

آداب و مستحبات رمی جمره

۱ - مستحب است که در حال رمی با وضو باشد؛ بلکه احتیاط استحبابی در این کار است.

۲ - سنگ‌ها پاک باشد.

۳ - سنگ‌ها را که در دست می‌گیرد، بگوید:

«اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ حَصِيَاتِي فَأَخْصِهِنَّ لِي وَارْفَعُهُنَّ فِي عَمَلِي».

۴ - با هر سنگی که می‌اندازد، تکبیر بگوید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَيِّئًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا».

۵ - جمره «عقبه» را پشت به قبله رمی کند و جمره «اولی» و «وُسْطی» را رو به قبله.

۶ - و چون به چادر خود باز می‌گردد، بگوید:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

۵ - قربانی؛ «بنجمین عمل حج تمتع»

مسأله (۵۱۵): «دومین وظیفه روز عید»

کسانی که حج تمتع به جا می‌آورند، پس از رمی جمره عقبه، اگر می‌توانند باید حیوانی را در راه خدا «قربانی» کنند.

مسأله (۵۱۶): «ترتیب بین رمی جمره و قربانی»

حاجی باید ترتیب بین رمی جمره عقبه و قربانی و بین آن و حلق یا تقصیر را رعایت کند و اگر بدون انجام عمل قبل، عمل بعدی را انجام دهد، عمل بعدی باطل است؛ بلی چنانچه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله خلاف ترتیب عمل نماید، عمل انجام شده صحیح است.

مسأله (۵۱۷): «نوع قربانی»

قربانی باید شتر یا گاو یا گوسفند باشد و بر هر حاجی حداقل یک قربانی واجب است و بیشتر از آن مستحب می‌باشد؛ و اگر چند نفر به طور مشترک یک حیوان قربانی کنند کفایت نمی‌کند.

بهترین قربانی شتر و پس از آن گاو و پس از آن گوسفند است و غیر اینها مانند مرغ کفایت نمی‌کند.

مسأله (۵۱۸): «نیت قربانی»

قربانی عبادت است و باید با نیت خالص برای خداوند متعال انجام گیرد.

مسأله (۵۱۹): «شرایط قربانی»

قربانی باید دارای شرایط زیر باشد:

۱ - به سن معتبر رسیده باشد.

۲ - سالم بوده و مریض نباشد.

۳ - معیوب و ناقص العضو نباشد.

۴ - لاغر نباشد.

۵ - اخته نباشد.

مسئله (۵۲۰): «شرط اول؛ سن قربانی»

حداقل سن قربانی عبارت است از:
حداقل سن گوسفند میش: شش ماه تمام
حداقل سن گوسفند بز: یک سال تمام
حداقل سن گاو: یک سال تمام
حداقل سن شتر: پنج سال تمام

مسئله (۵۲۱): «تحقیق از سن قربانی»

تحقیق از سن قربانی لازم است و اگر شک کند که قربانی دارای سن لازم است یا خیر، نمی‌تواند به آن اکتفا کند؛ بلکه اگر به خیال این که سن قربانی کم نیست، ذبح کند و بعد از ذبح متوجه شود که سن حیوان کم بوده، کفایت نمی‌کند.

مسئله (۵۲۲): «شرط دوم؛ سالم باشد»

حیوان قربانی باید از بیماری‌ای که گوشتش را فاسد می‌کند، سالم باشد.

مسئله (۵۲۳): «تحقیق از سلامت قربانی»

اگر شک دارد که گوشت حیوان فاسد شده یا نه، اعتنا به شکش نکند و تحقیق لازم نیست؛ هر چند اگر بعد از ذبح فهمید که گوشت حیوان فاسد بوده، کفایت نمی‌کند.

مسئله (۵۲۴): «شرط سوم؛ معیوب و ناقص العضو نباشد»

حیوانی که برای قربانی انتخاب می‌شود باید معیوب نبوده و هیچ یک از اعضایش ناقص نباشد.

مسئله (۵۲۵): «نقص گوش»

حیوانی که گوش آن از بیخ بریده شده، کافی نیست، ولی اگر گوش آن را شکاف داده‌اند یا بخشی از آن را بریده‌اند، اشکال ندارد.

مسئله (۵۲۶): «نقص شاخ»

قربانی کردن حیوانی که شاخ اصلیش - که معمولاً سفید است - شکسته، کافی نیست؛ ولی شکسته بودن پوسته و غلاف شاخ که

رنگ تیره دارد و همچنین ذبح حیوانی که مادرزاد شاخ ندارد، اشکال ندارد.

مسأله (۵۲۷): «نقص چشم»

حیوانی که کور یا به طور آشکار لوچ باشد، کافی نیست.

مسأله (۵۲۸): «نقص دست و پا»

حیوانی که دست یا پای آن شکسته یا به طور آشکار لنگ باشد، کافی نیست.

مسأله (۵۲۹): «نقص دم»

قربانی کردن حیوانی که دم او کنده شده، کافی نیست و اگر در اصل خلقت دم نداشته باشد، چنانچه عرفاً ناقص محسوب نشود، کفایت می‌کند.

مسأله (۵۳۰): «تحقیق از ناقص نبودن قربانی»

اگر شک کند که قربانی ناقص است یا خیر، اعتنا به شکش نکند و تحقیق لازم نیست؛ بلی چنانچه احتمال بدهد که حیوان ناقص مادرزادی دارد، چنانچه این احتمال به حدی باشد که قابل توجه متعارف مردم است، باید تحقیق کند.

مسأله (۵۳۱): «اطلاع از نقص بعد از ذبح»

اگر هنگام ذبح فکر می‌کرد که حیوان سالم است، ولی بعد از ذبح متوجه شد که قربانی ناقص العضو بوده، کفایت نمی‌کند.

مسأله (۵۳۲): «شرط چهارم؛ لاغر نباشد»

قربانی کردن حیوانی که در نظر متعارف مردم لاغر شمرده می‌شود، کفایت نمی‌کند و اگر روی قلوهای قربانی قدری چربی باشد، کافی است.

مسأله (۵۳۳): «اطلاع از لاغری بعد از ذبح»

اگر به خیال چاق بودن حیوانی را ذبح کرد، بعد فهمید لاغر بوده، کفایت می‌کند.

مسأله (۵۳۴): «شرط پنجم؛ اخته نباشد»

یعنی بیضه‌های قربانی را نکشیده باشند، ولی اگر یکی از بیضه‌ها باقی باشد، کافی است.

مسأله (۵۳۵): «اگر غیر اخته پیدا نشود»

اگر غیر از حیوان اخته پیدا نشود، می‌تواند آن را قربانی کند.

مسئله (۵۳۶): «حیوان بیضه کوبیده یا رگ مالیده یا تاییده»

بنا بر احتیاط مستحب حیوانی که بیضه‌هایش را کوبیده یا رگهای آن را مالیده یا تاییده باشند، قربانی نکند.

مسئله (۵۳۷): «تحقیق از اخته نبودن قربانی»

اگر شک کند حیوانی را اخته کرده‌اند یا خیر، اعتنا به شکش نکند و تحقیق لازم نیست.

مسئله (۵۳۸): «اطلاع از اخته بودن بعد از ذبح»

هرگاه به خیال اخته نبودن حیوانی را ذبح کند و پس از ذبح متوجه شود که حیوان اخته است، کفایت نمی‌کند مگر غیر حیوان اخته پیدا نشود.

مسئله (۵۳۹): «قربانی با پول خمس نداده»

تهیه قربانی با پولی که خمس بر آن واجب شده، قبل از پرداخت خمس آن حرام است و احتیاط مؤکد مستحب در آن است که به آن اکتفا نکند.

مسئله (۵۴۰): «زمان قربانی»

زمان قربانی حج، روز دهم و یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه است، ولی بنا بر احتیاط مستحب قربانی را از روز عید به تأخیر نیندازد.

مسئله (۵۴۱): «قربانی در شب»

قربانی کردن در شب کفایت نمی‌کند.

مسئله (۵۴۲): «مکان قربانی»

مکان اصلی قربانی حج تمتع، سرزمین «منا» است.

مسئله (۵۴۳): «ذبح در مسلخ‌های کنونی»

در شرایط کنونی قربانی کردن در مسلخ‌هایی که در خارج منا و نزدیک آن احداث شده است، اشکال ندارد و تأخیر آن برای این که در منا ذبح کنند - اگر چه برای حاجی مشقت نداشته باشد - لازم نیست.

مسئله (۵۴۴): «قربانی در وطن»

انجام قربانی حج تمتع در غیر از منا و مکه و حوالی آن کفایت نمی‌کند؛ بنابراین انجام قربانی حج تمتع در وطن کافی نیست، هر چند در روز عید قربان باشد و به طور کامل به مصرف تعیین شده برسد.

مسئله (۵۴۵): «فرستادن دیگری برای قربانی»

حاجی می‌تواند شخص دیگری را برای قربانی بفرستد و چون همه کسانی که از طرف حججاج برای قربانی کردن به قربانگاه می‌روند، نمی‌توانند برای خودشان ذبح کنند و مجبور می‌شوند به دیگری وکالت بدهند، لذا حججاج محترم باید به نماینده‌شان وکالت مطلق بدهند که او حق داشته باشد خودش ذبح کند یا آن را به دیگری بسپارد.

مسئله (۵۴۶): «تعیین قربانی»

قربانی‌ای که ذبح می‌شود باید معین باشد که مال کدام یک از حججاج است؛ بنابراین اگر مثلاً سه قربانی را از طرف سه حاجی بدون تعیین قربانی‌ها ذبح کنند کفایت نمی‌کند. در تعیین گوسفند لازم نیست نماینده حججاج اسم آنها را ببرد، بلکه تعیین اجمالی کافی است؛ بنابراین کسی که به نمایندگی گروهی از حججاج به قربانگاه می‌رود چنانچه اسامی آنها را در لیستی بنویسد و در نیت خود هر گوسفند را برای یکی از آنها به ترتیب شماره لیست تعیین نماید - مثلاً در نیت مشخص کند که گوسفند اول برای حاجی شماره یک - کافی است، هر چند اسم آنها را نخواند یا اصلاً توجهی به اسم آنها نداشته باشد.

مسئله (۵۴۷): «نیت ذابح»

ذابحی که برای حاجی ذبح می‌کند، لازم نیست هنگام ذبح اسم حاجی را ببرد؛ بلکه لازم نیست قصد نیابت یا قصد حج تمتع کند و همین مقدار که گوسفندی را که برای حاجی معین شده با رعایت شرایط ذبح، ذبح کند، کافی است.

مسئله (۵۴۸): «قربانی کردن ذابح بدون گفتن حاجی»

اگر شخصی بدون گفتن حاجی از طرف او قربانی کند، کافی نیست؛ اگر چه حاجی به کار او راضی باشد.

مسئله (۵۴۹): «دین و مذهب ذابح»

کسی که قربانی را ذبح می‌کند، باید مسلمان باشد و اگر شیعه نباشد، مانعی ندارد.

مسئله (۵۵۰): «شک در قربانی کردن نماینده»

هر گاه کسی را برای قربانی بفرستد، تا ثابت نشده که وی عمل را انجام داده نمی‌تواند حلق یا تقصیر کند و گمان کفایت نمی‌کند.

مسئله (۵۵۱): «شک در صحت عمل ذابح»

اگر شک کند که کسی که از طرف او قربانی کرده، شرایط قربانی و شرایط ذبح را رعایت کرده یا خیر، به شک خود اعتنا

نمی‌کند.

مسئله (۵۵۲): «شک در صحت ذبح خود»

اگر حاجی خودش قربانی کند و بعد از قربانی کردن شک کند که شرایط معتبر در قربانی یا شرایط ذبح را رعایت کرده است یا خیر، چنانچه احتمال بدهد که هنگام قربانی کردن به رعایت شرایط شرعی آن توجه داشته است، به شک خود اعتنا نمی‌کند.

مسئله (۵۵۳): «ذبح با کارد استیل»

ذبح با کارد استیل، بلکه با هر وسیله‌ای که در برندگی از چاقوی آهنی کمتر نباشد، صحیح است.

مسئله (۵۵۴): «جدا کردن سر قربانی»

بنا بر احتیاط مؤکد استجابی قبل از آن که قربانی به طور کامل جان بدهد، عمداً سر حیوان را از بدنش جدا نکنند یا مغز حرام را که در تیره پشت است و از مهره‌های گردن تا دم حیوان امتداد دارد نبرد.

مسئله (۵۵۵): «سهم فقیر از قربانی»

پس از قربانی کردن واجب است لااقل یک سوم آن را به فقیری که در حرم حضور دارد - هر چند زائر حرم باشد - صدقه بدهند و برای این کار کفایت سهم فقیر را به وکیل او تحویل دهند.

مسئله (۵۵۶): «هدیه دادن و خوردن از قربانی»

بنا بر احتیاط مستحب یک سوم قربانی را به یکی از مؤمنین هدیه دهد و خود حاجی نیز مقداری از یک سوم باقی مانده بخورد.

مسئله (۵۵۷): «چگونه سهم فقیر را به او برسانیم؟»

برای صدقه دادن سهم فقیر، حاجی یا نماینده او می‌تواند از فقیری که در حرم حضور دارد - خواه اهل حرم باشد یا زائر حرم - وکالت بگیرد که پس از قربانی کردن یک سوم قربانی را از طرف او قبول نماید و سهم او را در قربانگاه رها کند یا پس از قبول، سهم فقیر را به مبلغ معینی از او بخرد و مال خود را رها نماید.

مسئله (۵۵۸): «روزه گرفتن به جای قربانی»

بر کسی که نمی‌تواند قربانی کند - یعنی نه حیوانی برای قربانی دارد و نه پول آن را - واجب است به جای قربانی ده روز روزه بگیرد و برای این کار باید احرام حج ببندد و قبل از رفتن به عرفات سه روز متوالی روزه بگیرد و هفت روز دیگر را بعد از بازگشتن به وطن روزه می‌گیرد. این روزه احکام و فروع بسیاری دارد که در مناسک حج آمده است.

مسئله (۵۵۹): «وام گرفتن برای قربانی»

کسی که نمی‌تواند قربانی کند و باید روزه بگیرد، لازم نیست برای آن که بتواند قربانی کند، هزینه قربانی را تحصیل یا قرض کند، هر چند این کار برای او موجب مشقت نشود؛ ولی اگر پول قربانی را به دست آورد وظیفه او تغییر می‌کند و باید قربانی نماید، مگر آن که در بازپرداخت بدهی خود به مشقت شدید بیفتد.

مسئله (۵۶۰): «فروش اموال برای قربانی»

اگر حاجی پول قربانی را به طور نقدی ندارد، ولی اموالی دارد که می‌تواند - بدون مشقت شدید - با تبدیل آن پول قربانی را تهیه کند، قربانی بر او واجب است.

مسئله (۵۶۱): «اگر قربانی پیدا نشود»

اگر توانایی مالی دارد، ولی حیوان برای قربانی پیدا نکند و نتواند تا فراهم شدن قربانی در مکه بماند، باید پول آن را نزد شخصی بگذارد که در باقیمانده ماه ذیحجه از طرف او قربانی کند.

آداب و مستحبات قربانی

۱ - بهترین قربانی شتر و پس از آن گاو و سپس گوسفند میش و پس از آن بز است.

۲ - مستحب است قربانی بسیار چاق باشد.

۳ - در هنگام ذبح بخواند:

«وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صِيْلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

۴ - مستحب است خودش قربانی را ذبح کند و اگر نمی‌تواند دست خود را روی دست ذابح بگذارد.

۶ - حلق یا تقصیر؛ «ششمین عمل حج تمتع»

مسئله (۵۶۲): «سومین وظیفه روز عید»

پس از قربانی، حاجی باید «حلق» کند (یعنی تمام سرش را تراشد) یا «تقصیر» نماید (یعنی مقداری از موی سر یا صورت یا مقداری از ناخن دست یا پای خود را کوتاه کند) و کندن مو کفایت نمی‌کند.

مسئله (۵۶۳): «اولین مرحله حلال شدن»

پس از قربانی، تراشیدن سر یا تقصیر که از جمله مناسک حج است، برای محرم حلال می‌شود.

مسئله (۵۶۴): «دومین مرحله حلال شدن»

با حلق یا تقصیر، کارهایی که به خاطر احرام حرام شده بود، حلال می‌شود، به استثنای بوی خوش و هر نوع بهره‌گیری جنسی از همسر، بنابراین بعد از حلق یا تقصیر، حاجی می‌تواند لباسهای معمولی خود را بپوشد و سایر امور مربوط به بانوان - مانند

خواستگاری رفتن و عقد کردن آنها - نیز حلال می‌گردد.

مسئله (۵۶۵): «مرحله سوم و چهارم حلال شدن»

بعد از سعی صفا و مروه، بوی خوش و بعد از طواف نساء و نماز آن هر نوع بهره‌گیری جنسی زن و شوهر از یکدیگر حلال می‌گردد و بعد از این عمل حاجی به طور کامل از احرام حج بیرون می‌آید.

مسئله (۵۶۶): «مردان در حجه الاسلام خود باید سر تراشند»

مردی که «حجه الاسلام» خود را به جا می‌آورد، باید تمام سرش را تراشد، هر چند سفر اول او نباشد.

مسئله (۵۶۷): «مشقت یا ضرر در حلق»

مردی که حجه الاسلام خود را به جا می‌آورد چنانچه حلق برای او ضرر اساسی داشته باشد، باید تقصیر کند و اگر حلق برای او مشقت شدید داشته باشد، می‌تواند به جای حلق تقصیر کند.

مسئله (۵۶۸): «مخیر بودن بین حلق و تقصیر»

مردی که حج نیابتی به جا می‌آورد یا حج خودش است، ولی حجه الاسلام نیست، بین تراشیدن سر و تقصیر مخیر است و تراشیدن قسمتی از سر نه کفایت از حلق می‌کند و نه تقصیر.

مسئله (۵۶۹): «وظیفه بانوان»

بانوان باید تقصیر کنند و تراشیدن سر برای آنها جایز نیست.

مسئله (۵۷۰): «انتخاب کوتاه کردن مو در تقصیر»

کسی که می‌خواهد تقصیر کند، بنا بر احتیاط مؤکد مستحب کوتاه کردن مو را انتخاب کند، هر چند می‌تواند با ناخن گرفتن از احرام بیرون بیاید.

مسئله (۵۷۱): «خون آمدن سر هنگام حلق»

کسی که سر می‌تراشد، اگر سرش خون بیاید، اشکال ندارد، هر چند از اول بداند که سرش خونی می‌شود و جایز نیست برای جلوگیری از خون آمدن، اول موی سرش را کوتاه کند و بعد سرش را تراشد.

مسئله (۵۷۲): «نیت حلق و تقصیر»

حلق و تقصیر عبادت است و باید با نیت خالص برای خداوند متعال انجام گیرد.

مسئله (۵۷۳): «مکان حلق و تقصیر»

مویی که برای حلق یا تقصیر کننده می‌شود باید در منا ریخته شود؛ بلکه در صورت امکان - بنا بر احتیاط - عمل حلق یا تقصیر نیز باید در سرزمین منا انجام پذیرد.

مسئله (۵۷۴): «حلق و تقصیر در قربانگاه»

حلق و تقصیر در قربانگاه‌های کنونی که خارج از منا قرار دارند، بنا بر احتیاط برای کسی که می‌تواند در منا حلق یا تقصیر کند، کفایت نمی‌کند.

مسئله (۵۷۵): «زمان حلق و تقصیر»

زمان حلق و تقصیر، از صبح روز عید قربان شروع شده و تا آخر ماه ذی‌حجه ادامه دارد، به طوری که بعد از تقصیر فرصتی برای انجام اعمال مکه در ذیحجه داشته باشد، ولی تا قربانی نکرده نباید حلق یا تقصیر کند.

مسئله (۵۷۶): «مقدم داشتن حلق و تقصیر»

حاجی تا در روز عید قربانی نکرده نباید حلق یا تقصیر کند مگر در سه مورد:

- ۱ - کسی که می‌ترسد اگر بخواهد صبر کند که ذبح انجام شود و سپس حلق یا تقصیر کند، مشکلی مانند مراجعت کاروان یا حائض شدن برایش پیش آید که نتواند شخصاً اعمال مکه را به جا آورد.
 - ۲ - کسی که می‌ترسد تأخیر اعمال مکه باعث بروز مشکلی که شرعاً برایش خطر جانی داشته باشد.
 - ۳ - کسی که تأخیر اعمال مکه مشقت شدید بیش از متعارفی را برای او ایجاد می‌کند.
- این سه گروه می‌توانند شبانه از مشعر روانه منا شوند و جمره عقبه را رمی کنند و به کسی برای قربانی وکالت بدهند و در شب عید با حلق یا تقصیر از احرام بیرون آیند؛ هر چند قربانی آنها انجام نشده باشد.

مسئله (۵۷۷): «حلق و تقصیر در شب»

حلق و تقصیر در شب مانعی ندارد.

مسئله (۵۷۸): «تراشیدن سر با ماشین»

تراشیدن سر با هر وسیله‌ای که باشد کفایت می‌کند و لازم نیست حتماً با تیغ سر تراشی باشد بلکه اگر با ماشینی که مانند تیغ موها را از بیخ می‌زند، سر را بترشد، کافی است.

مسئله (۵۷۹): «حلق و تقصیر توسط دیگری»

حاجی می‌تواند از کسی - هر چند شیعه نباشد - بخواهد که سرش را بترشد یا مو یا ناخنش را کوتاه کند و در هر حال باید خود

حاجی نیت کند.

مسئله (۵۸۰): «حلق و تقصیر محرم از دیگری»

محرمی که خودش حلق یا تقصیر نکرده، می‌تواند برای تقصیر ناخن دیگری را بگیرد ولی نباید موی او را کوتاه کند یا تراشد هر چند اگر چنین کرد حلق و تقصیرش صحیح است.

مسئله (۵۸۱): «ماشین کردن سر قبل از حلق»

کسی که وظیفه او تراشیدن سر است، نمی‌تواند اول سرش را ماشین کند و سپس آن را تراشد.

مسئله (۵۸۲): «ترتیب بین قربانی و حلق»

رعایت ترتیب بین قربانی و حلق یا تقصیر لازم است و اگر حاجی برای قربانی به کسی و کالت داده تا برایش قربانی نکرده‌اند، نمی‌تواند حلق یا تقصیر کند؛ بنابراین کسانی که خود به قربانگاه نمی‌روند باید صبر کنند تا خبر قربانی به آنها برسد و پس از این که ثابت شد قربانی انجام شده حلق یا تقصیر کنند.

مسئله (۵۸۳): «کسی که قربانی نکرده»

اگر حاجی به هر دلیل موفق به قربانی نشد، نمی‌تواند حلق یا تقصیر کند و از احرام خارج شود، بلکه باید ترتیب بین آنها را رعایت نماید مگر در سه موردی که در مسائل پیشین گذشت.

مسئله (۵۸۴): «حلق به خیال انجام قربانی»

اگر به اعتقاد این که نماینده‌اش قربانی کرده، حلق یا تقصیر کند، از احرام خارج می‌شود؛ ولی تا وقت قربانی نگذشته باید قربانی کند و تا قربانی نکرده نمی‌تواند اعمال مکه را به جا آورد.

مسئله (۵۸۵): «فراموشی حلق و تقصیر»

اگر حلق یا تقصیر نکرد و از منا بیرون رفت، دو صورت پیدا می‌کند:

- ۱- از روی عمد حلق و تقصیر را ترک کرده، در این صورت بنا بر احتیاط باید به منا بازگردد و در آنجا حلق یا تقصیر کند.
- ۲- حلق یا تقصیر را فراموش کرده یا به جهت اشتباه فهمیدن مسئله آن را ترک کرده، در این صورت می‌تواند در جایی که هست حلق یا تقصیر کند؛ هر چند احتیاط مؤکد مستحب در این است که اگر می‌تواند برگردد و حلق یا تقصیر را در منا انجام دهد و در هر حال اگر بیرون منا حلق یا تقصیر نمود، واجب است موی خود را به منا بفرستد.

آداب و مستحبات حلق و تقصیر

@@@

- ۱ - رو به قبله باشد.
- ۲ - بسم الله بگویند و بخوانند:
«اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».
- ۳ - مستحب است پس از حلق، ناخن‌های خود را کوتاه کند و از شارب و اطراف ریش خود نیز بگیرد.

۷ تا ۱۱ - اعمال مکه

مسائل

مسئله (۵۸۶): «اعمال مکه»

«اعمال مکه» به ترتیب عبارت است از:

- ۱ - طواف حج
- ۲ - نماز طواف حج
- ۳ - سعی صفا و مروه
- ۴ - طواف نساء
- ۵ - نماز طواف نساء

مسئله (۵۸۷): «ترتیب بین حلق یا تقصیر و اعمال مکه»

اعمال مکه پس از حلق یا تقصیر انجام می‌شود و کسی که حلق و تقصیر نکرده نمی‌تواند اعمال مکه را به جا آورد، مگر از افرادی باشد که می‌توانند اعمال مکه را قبل از وقوف به عرفات انجام دهند.

مسئله (۵۸۸): «زمان اعمال مکه»

بهترین وقت برای طواف و سعی «روز عید قربان» است، ولی چون وقت این اعمال تا پایان ذیحجه ادامه دارد، حجاج می‌توانند برای انجام بیتوته شب یازدهم و دوازدهم و رمی جمرات در این دو روز در منا بمانند و بعد از آن که از منا کوچ کردند، اعمال مکه را به جا آورند.

مسئله (۵۸۹): «ترتیب بین اعمال مکه»

در حال اختیار باید ترتیب بین اعمال مکه را رعایت کرد و اگر کسی در حال اختیار از روی علم و عمد بر خلاف این ترتیب عمل کند، عمل او باطل است.

مسئله (۵۹۰): «موالات بین طواف حج و سعی»

هرگاه طواف در روز انجام شود، تأخیر سعی تا شب اشکال ندارد، ولی بدون عذر، سعی را تا فردا به تأخیر نیندازد.

مسئله (۵۹۱): «طواف مستحب»

کسی که هنوز طواف حج یا طواف نساء آن را به جا نیاورده، نمی‌تواند طواف مستحب به جا آورد.
طواف حج، نماز طواف و سعی

مسئله (۵۹۲): «کیفیت طواف و سعی»

چگونگی طواف حج و نماز آن و سعی و شرایط و احکام آنها، همانگونه است که در اعمال عمره تمتع گذشت با این تفاوت که این اعمال باید به نیت طواف حج و نماز طواف حج و سعی حج به جا آورده شود.

مسئله (۵۹۳): «طواف و سعی از ارکان حج»

طواف و سعی از ارکان حج است و اگر حاجی از روی عمد و اختیار تا آخر ذیحجه طواف یا سعی را به جا نیاورد، حج او باطل می‌شود؛ خواه بداند که طواف واجب است یا نداند.

مسئله (۵۹۴): «فراموشی طواف یا سعی»

اگر کسی طواف حج یا سعی را فراموش کند تا زمان آن (= ماه ذیحجه) بگذرد، حجش باطل نمی‌شود و باید عملی را که انجام نداده قضا کند و چنانچه در مکه متوجه شده، عمل بعد از آن را نیز باید قضا نماید.

مسئله (۵۹۵): «ترتیب طواف و سعی»

اگر سعی قبل از طواف حج انجام شود، باطل است، هر چند از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد.

مسئله (۵۹۶): «حلال شدن بوی خوش»

بعد از انجام سعی بین صفا و مروه، استفاده از بوی خوش حلال می‌شود.
طواف نساء و نماز آن

مسئله (۵۹۷): «طواف نساء و نماز آن»

بعد از سعی بین صفا و مروه حاجی باید «طواف نساء» و نماز آن را به جا آورد.

مسئله (۵۹۸): «کیفیت طواف نساء»

چگونگی طواف نساء و نماز آن و احکام و شرایط آنها مانند طواف عمره تمتع و نماز آن است، ولی باید به نیت طواف نساء و نماز آن به جا آورده شود.

مسئله (۵۹۹): «طواف نساء بانوان»

طواف نساء اختصاص به مردان متأهل ندارد بلکه بر مرد و زن، متأهل و مجرد، جوان و پیر، بلکه بر همه کسانی که حج به جا می‌آورند واجب است، هر چند هیچگونه تمایل جنسی نداشته باشند و بر همه آنها لازم است این طواف را به نیت «طواف نساء» به جا آورند.

مسئله (۶۰۰): «آخرین مرحله بیرون آمدن از احرام»

چهارمین مرحله بیرون آمدن از احرام «طواف نساء» است و با انجام آن بهره‌گیری جنسی زن و شوهر از یکدیگر حلال می‌گردد و با این عمل حاجی به طور کامل از احرام بیرون می‌آید؛ ولی تا زمانی که در حرم باشد محرمات حرم یعنی کارهایی که به احترام حرم الهی انجام آنها جایز نیست - مانند کندن درخت و گیاه حرم و شکار کردن در حرم - همچنان حرام خواهد بود.

مسئله (۶۰۱): «طواف نساء از مناسک حج»

طواف نساء هر چند از ارکان حج نیست و ترک عمدی آن حج را باطل نمی‌کند؛ ولی یکی از مناسک واجب حج است و باید در ماه ذیحجه انجام شود و اگر ذیحجه بگذرد، باید آن را قضا نماید.

مسئله (۶۰۲): «موالات بین سعی و طواف نساء»

پس از سعی لازم نیست فوراً طواف نساء را به جا آورد؛ بلکه تأخیر طواف نساء تا آخر ذیحجه اشکال ندارد؛ ولی تا زمانی که آن را انجام نداده، بهره‌گیری جنسی زن و شوهر از یکدیگر حرام است.

مسئله (۶۰۳): «ترتیب بین طواف حج و طواف نساء»

اگر طواف نساء قبل از طواف حج به جا آورده شود، باطل است، هر چند از روی غفلت یا ندانستن مسأله باشد.

مسأله (۶۰۴): «ترتیب بین سعی و طواف نساء»

اگر کسی بدون عذر طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد، طوافش باطل است؛ ولی اگر سهواً یا به جهت ندانستن مسأله یا پیش آمدن ضرورتی مانند ترس از عادت ماهانه، طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد، طوافش صحیح است.

مسأله (۶۰۵): «نیت نایب»

نایب باید طواف نساء را نیز از طرف منوب عنه به جا آورد و اگر به نیت ما فی الذمّة انجام دهد، اشکال ندارد.

مسأله (۶۰۶): «عمره مفرده قبل از طواف نساء حج»

کسی که هنوز طواف نساء به جا نیاورده، می‌تواند عمره مفرده انجام دهد و در این صورت باید دو طواف نساء - یکی به نیت عمره مفرده و دیگری به نیت حج تمتّع - به جا آورد.
انجام اعمال مکه قبل از عرفات

مسأله (۶۰۷): «جایگاه اصلی اعمال مکه»

در حج تمتّع اعمال مکه را در حال اختیار باید بعد از وقوف در عرفات و مشعر و بعد از اعمال منا انجام داد و انجام آنها قبل از آن صحیح نیست.

مسأله (۶۰۸): «لزوم انجام اعمال مکه قبل از عرفات»

بر کسانی که می‌ترسند بعد از رفتن به عرفات و منا نتوانند به مکه بازگردند، واجب است تمامی اعمال مکه (طواف حج و سعی و طواف نساء) را قبل از رفتن به عرفات انجام دهند.

مسأله (۶۰۹): «لزوم انجام طواف و سعی قبل از عرفات»

بر کسانی که به جهتی - مانند:

پیری زیاد یا بیماری یا عادت ماهانه یا وضع حمل - نمی‌توانند یا می‌ترسند که نتوانند طواف حج و سعی را بعد از آن که از منا به مکه برگشتند انجام دهند، واجب است طواف حج و نماز آن و سعی را قبل از رفتن به عرفات انجام دهند.

مسئله (۶۱۰): «جواز انجام طواف و سعی قبل از عرفات»

حجاجی که انجام طواف و سعی بعد از برگشتن از منا بر آنها با مشقت بسیار همراه است می‌توانند طواف حج و سعی را قبل از رفتن به عرفات انجام دهند.

مسئله (۶۱۱): «مقدم داشتن طواف نساء»

گروه‌هایی که در دو مسأله پیش گفته شد، نمی‌توانند طواف نساء را قبل از رفتن به عرفات به جا آورند؛ بلکه طواف نساء را باید پس از اعمال منا به جا آورند و اگر نتوانستند نایب می‌گیرند، همچنین نمی‌توانند تنها طواف حج را - بدون سعی - مقدم بدارند.

مسئله (۶۱۲): «احرام بستن برای انجام اعمال مکه»

این گروه‌ها می‌توانند حتی در اوائل ماه ذیحجه اعمال مکه را به جا آورند؛ ولی در هر حال باید اول احرام حج ببندند و این اعمال را با احرام حج به جا آورند و اگر بدون احرام به جا آورند، باطل است، هر چند به جهت غفلت یا ندانستن مسأله باشد.

مسئله (۶۱۳): «کفایت اعمال مکه قبل از عرفات»

اعمالی که این چند گروه، قبل از عرفات به جا می‌آورند، کفایت می‌کند و تکرار آن پس از بازگشتن از منا لازم نیست، هر چند بیمار بهبودی یابد یا زن پاک باشد یا پیرمرد بتواند بدون مشقت اعمال مکه را دوباره به جا آورد.

مسئله (۶۱۴): «تشخیص عذر»

تشخیص عذر برای کسانی که اعمال مکه را مقدم می‌دارند، بر عهده خود آنهاست؛ بلی تشخیص کسی که بر خلاف متعارف کمترین دشواری را عذر می‌داند ملاک نیست و چنین کسی باید به متعارف رجوع کند.

مسئله (۶۱۵): «زمان حلال شدن محرمات احرام»

کسانی که طواف و سعی یا تمام اعمال مکه را مقدم داشته‌اند، بوی خوش و بهره‌گیری جنسی از همسر بر آنها حلال نمی‌شود و همه محرمات احرام بعد از تقصیر یا حلق برای آنها حلال می‌شود.

آداب و مستحبات طواف حج و سعی

۱ - مستحب است حاجی روز عید قربان، طواف و سعی را به جا آورد.

۲ - وقتی به در مسجدالحرام رسید، بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى نُسُكِكَ وَ سَلِّمْ لِي لَهْ وَ سَلِّمْ لِي لَهْ وَ سَلِّمْ لِي لَهْ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ أَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ وَ أَوْمَّ طَاعَتَكَ، مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ، رَاضِياً بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تَبْلُغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

۳ - آنچه از مستحبات که در «طواف و سعی عمره تمتع» بیان شد، در طواف و سعی حج نیز مستحب است.

۱۲ - بیتوته در منا؛ «دوازدهمین عمل حج تمتع»

مسائل

مسئله (۶۱۶): «وظیفه شب‌های منا»

حاجی باید شب یازدهم و شب دوازدهم و در برخی موارد شب سیزدهم را در منا «بیتوته» یا «اصباح» نماید. «بیتوته» یعنی شب را در جایی گذراندن و «اصباح» یعنی حضور داشتن هنگام طلوع فجر.

مسئله (۶۱۷): «نیت بیتوته و اصباح»

بیتوته و اصباح از عبادات است و باید با نیت خالص برای خداوند متعال به جا آورده شود.

مسئله (۶۱۸): «بیتوته شب یازدهم»

در این شب حاجی مخیر است بین «بیتوته نیمه اول شب» و بین «اصباح» یعنی می‌تواند از غروب شب یازدهم تا نیمه شب در منا به سر برد و می‌تواند هنگام طلوع فجر در منا حضور داشته باشد.

مسئله (۶۱۹): «خروج پس از نیمه شب»

اگر کسی از اول غروب شب یازدهم تا نیمه شب در منا بماند، می‌تواند پس از آن از منا بیرون برود و اگر نیمه اول شب یا بخشی از آن را در منا نبود، باید هنگام طلوع فجر در منا حضور داشته باشد.

مسئله (۶۲۰): «کفارہ ترک بیتوته»

کسی که بیتوته و اصباح واجب منا را ترک می‌کند، باید یک گوسفند قربانی کند.

مسئله (۶۲۱): «ترک بیتوته برای اعمال واجب مکه»

پس از حلق و تقصیر حاجی می‌تواند برای انجام طواف و سعی و طواف نساء به مکه برود و چنانچه بر اثر اشتغال به اعمال مکه و مقدمات و آداب و مستحبات آن، بیتوته و اصباح را ترک کند، اشکال ندارد و کفاره هم واجب نمی‌شود.

مسئله (۶۲۲): «ترک بیتوته برای اعمال مستحب»

حاجی برای انجام عبادات مستحب در مکه و مسجدالحرام مانند طواف مستحبی، نماز خواندن، قرائت قرآن کریم و دعا، نمی‌تواند بیتوته و اصباح را ترک کند و اگر ترک کرد، باید یک گوسفند قربانی کند.

مسئله (۶۲۳): «مقدار بیتوته شب دوازدهم»

حاجی باید از غروب آفتاب روز یازدهم تا طلوع آفتاب روز دوازدهم در منا بماند و از آنجا بیرون نرود؛ حتی برای طواف و سعی واجب.

مسئله (۶۲۴): «کفاره ترک بیتوته»

کسی که بیتوته شب دوازدهم را ترک می‌کند، باید یک گوسفند قربانی کند؛ ولی اگر برای انجام اعمال واجب مکه بیتوته را ترک نماید، کفاره ندارد؛ هر چند اگر بدون عذر باشد، گناهکار است.

مسئله (۶۲۵): «بیتوته شب سیزدهم»

بیتوته این شب بر سه گروه واجب است:

اول:

کسی که از منا کوچ نکرده و غروب آفتاب شب سیزدهم؛ بلکه حوالی غروب که خورشید زرد رنگ می‌نماید، در منا باشد.

دوم:

کسی که در حال احرام عمره یا حج از نزدیکی با زن اجتناب نکرده است.

سوم:

کسی که در حال احرام عمره یا حج از شکار پرهیز نکرده است.

مسئله (۶۲۶): «مقدار بیتوته شب سیزدهم»

مقدار بیتوته شب سیزدهم و احکام و کفارات آن مانند بیتوته شب دوازدهم است.

مسئله (۶۲۷): «وقت خارج شدن روز سیزدهم»

کسی که شب سیزدهم در منا مانده است قبل از رمی جمرات روز سیزدهم نباید از آنجا خارج شود و بعد از رمی جمرات می‌تواند از منا کوچ کند، هر چند قبل از ظهر باشد.

مسئله (۶۲۸): «مشقت شدید در بیتوته»

کسی که ماندن در منا برای او مشقت شدید دارد، می‌تواند بیتوته نکند؛ ولی باید یک گوسفند قربانی کند.

مسئله (۶۲۹): «ضرر اساسی در بیتوته»

کسی که بیتوته در منا باعث ضرر اساسی او می‌شود - مانند بیماری که بیتوته باعث نقص عضو می‌شود - واجب است بیتوته را ترک کند و کفاره هم ندارد.

مسئله (۶۳۰): «وظیفه پزشکان و پرستاران»

پزشکان و پرستارانی که برای نجات جان بیماران لازم است بیتوته را ترک کنند، نباید بیتوته کنند و کفاره نیز ندارد.

آداب و مستحبات منا

- ۱ - مستحب است حاجی روز یازدهم و دوازدهم را در منا بماند و حتی به خاطر طواف مستحب از آنجا بیرون نرود.
- ۲ - بعد از هر نماز (از نماز ظهر روز عید تا پانزده نماز) تکبیر بگوید و بهتر است این تکبیرها را بگوید:
«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيَمِيهِ الْأَنْعَامِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا».

آداب و مستحبات مسجد خیف

مستحب است تا وقتی که در منا است، نمازهای واجب و مستحب را در مسجد «خیف» بخواند.

آداب مسجد خیف عبارت است از:

- ۱ - صد رکعت نماز.
 - ۲ - «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.
 - ۳ - «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه.
 - ۴ - «الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.
 - ۱۳ - رمی جمرات سه گانه
- «آخرین عمل حج تمتع»

ادامه‌ی مسائل

مسئله (۶۳۱): «وظیفه روز یازدهم و دوازدهم»

حاجی در روز یازدهم و دوازدهم ذیحجه، باید با نیت خالص برای خداوند متعال، به هر یک از سه جمره - جمره اولی، جمره وسطی، جمره عقبه - به ترتیب هفت سنگریزه بزند.

مسئله (۶۳۲): «وظیفه روز سیزدهم»

بر اشخاصی که شب سیزدهم در منا بیتوته کرده‌اند، واجب است روز سیزدهم نیز جمرات سه گانه را رمی کنند.

مسئله (۶۳۳): «زمان رمی جمرات»

زمان اصلی رمی جمرات در این سه روز از طلوع تا غروب آفتاب است و در حال اختیار سنگ زدن در شب صحیح نیست.

مسئله (۶۳۴): «لزوم رمی در شب قبل»

سه گروهند که باید جمرات را شب قبل رمی کنند:

- ۱ - کسانی که توانایی رمی در روز ندارند.
 - ۲ - کسانی که می‌ترسند در رمی در روز با خطری جدی روبرو شوند.
 - ۳ - کسانی که رمی در روز برای آنها ضرر اساسی دارد.
- این چند گروه اگر از سنگ زدن در شب قبل هم معذور باشند باید برای رمی در روز نایب بگیرند و نمی‌توانند جمرات را در شب یا روز بعد رمی نمایند.

مسئله (۶۳۵): «جواز رمی در شب قبل»

چند گروهند که علاوه بر روز می‌توانند جمرات را شب قبل رمی کنند:

- ۱ و ۲ - بیمار و کودک و ناتوانی که رمی در روز بر آنها سخت باشد؛ هر چند سختی آن شدید نباشد.
- ۴ - کسانی که رمی در روز برای آنها بسیار دشوار است. این چند گروه نیز نمی‌توانند در شب یا روز بعد جمرات را رمی نمایند.

مسئله (۶۳۶): «نایب گرفتن معذورین»

گروه‌هایی که در مسئله پیشین گفته شد، اگر از سنگ زدن در شب قبل نیز معذور باشند، می‌توانند برای رمی نایب بگیرند، ولی در صورت امکان باید کسی را نایب بگیرند که در روز سنگ بزند؛ و نباید رمی را به شب بعد یا روز بعد به تأخیر بیندازند.

مسئله (۶۳۷): «اگر معلوم شود معذور نبوده»

اگر کسی به اعتقاد این که معذور است، برای رمی جمرات نایب بگیرد و بعد معلوم شود که معذور نبوده است، باید خودش جمرات را سنگ بزند و اگر وقت آن گذشته قضا نماید.

مسئله (۶۳۸): «رمی شبانه در صورت عذر»

بانوان و کودکان، رمی جمره عقبه روز دهم را در حال اختیار هم می‌توانند شب عید انجام دهند؛ ولی رمی جمرات روزهای یازدهم و دوازدهم را تا معذور نباشند، نمی‌توانند در شب قبل انجام دهند.

مسئله (۶۳۹): «کیفیت و احکام رمی»

کیفیت رمی جمرات و احکام آن و شرایط سنگ‌ریزه‌ها، همانگونه است که در رمی جمره عقبه در روز عید بیان شد.

مسئله (۶۴۰): «ترتیب رمی جمرات»

باید در رمی جمرات ترتیب را رعایت کرد و از «جمره اولی» شروع کرد و سپس «جمره وسطی» را سنگ زد و پس از آن «جمره عقبه» را؛ بلی در سنگ هفتم لازم نیست ترتیب را رعایت کند، پس اگر بعد از آن که شش سنگ به جمره اولی زد، جمره وسطی را رمی نماید، اشکال ندارد.

مسئله (۶۴۱): «رعایت نکردن ترتیب»

هرگاه ترتیب بین رمی جمرات را رعایت نکرد - هر چند به خاطر فراموشی یا ندانستن مسئله باشد - باید برگردد و طوری عمل کند که ترتیب رعایت شود.

مسئله (۶۴۲): «ترتیب قربانی و تقصیر و رمی جمرات»

کسی که در روز عید قربان موفق به قربانی یا حلق و تقصیر نشده است، می‌تواند در روزهای بعد، قبل از این اعمال، جمرات سه گانه را رمی کند.

مسئله (۶۴۳): «رمی جمرات رکن حج نیست»

رمی جمرات از مناسک واجب حج است؛ ولی کسی که رمی جمرات را ترک کرد حج او باطل نمی‌شود، هر چند بدون عذر رمی را ترک کرده باشد.

مسئله (۶۴۴): «ترک عمدی رمی جمرات»

اگر کسی - در حال اختیار یا ناچاری - جمرات سه گانه یا بعضی از آنها را تا غروب آفتاب سنگ نزد، باید روز بعد آن را قضا کند و نمی‌تواند در شب رمی نماید.

مسئله (۶۴۵): «فراموشی رمی جمرات»

اگر کسی به خاطر غفلت یا ندانستن مسئله، جمرات یا بعضی از آنها را سنگ نزنند، مسئله سه صورت دارد:
اول:

در روزهای تشریق (۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذیحجه) یادش بیاید؛ در این صورت باید آن را قضا کند، هر چند از منا کوچ کرده باشد و اگر

نمی‌تواند نایب می‌گیرد.

دوم:

بعد از روزهای تشریق در مکه یادش بیاید، در این صورت بنا بر احتیاط تا آخر ذیحجه رمی را قضا کند و در سال دیگر نیز در همان روزها، رمی کند و اگر خودش نمی‌تواند برای رمی نایب می‌گیرد.

سوم:

پس از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید؛ در این صورت قضای آن لازم نیست، ولی احتیاط مستحب در آن است که سال بعد در همان روزها، خودش و اگر نمی‌تواند نایبش رمی را قضا کند.

مسئله (۶۴۶): «ترتیب بین رمی قضا و ادا»

کسی که می‌خواهد در روزی که رمی جمرات بر او واجب است، رمی قضایی به جا آورد، باید اول قضا را به جا آورد و یک ساعت (یک دوازدهم روز) فاصله بیندازد و سپس جمرات همان روز را رمی نماید؛ بلی اگر به خاطر فراموشی یا ندانستن مسأله، این امر را رعایت نکرد، اشکال ندارد.

مسئله (۶۴۷): «شک پس از خروج از محل جمرات»

هر گاه پس از آن که خود را از رمی جمرات فارغ شده یافت در تعداد سنگ زدن‌ها یا شرایط آن‌ها شک کند، چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی جمره به رعایت شرایط آنها توجه داشته، اعتنا به شکش نمی‌کند.

مسئله (۶۴۸): «شک بعد از وقت»

هر گاه پس از گذشتن روز رمی، در انجام رمی جمرات یا تعداد سنگ‌ها یا شرایط آن شک کند، اعتنا به شکش نمی‌کند.

کوچ کردن از منا

مسئله (۶۴۹): «کوچ کردن از منا»

حجاج نباید قبل از ظهر دوازدهم از منا کوچ کنند (یعنی با جمع کردن اثاثیه به قصد رفتن از آنجا خارج شوند) ولی اگر به هر دلیلی کوچ کردند، لازم نیست که دیگر به منا بازگردند.

مسئله (۶۵۰): «خروج موقت»

حاجی می‌تواند صبح روز دوازدهم بدون برداشتن اثاثیه خود، به طور موقت از منا بیرون رود، در این صورت باید به منا بازگردد و لازم نیست بازگشتن قبل از ظهر باشد؛ بلکه اگر بعد از ظهر دوازدهم نیز بازگشته، سپس کوچ نماید اشکال ندارد.

بخش چهارم؛ خاتمه

محصور و مصدود

مسئله (۶۵۱): «محصور و مصدود»

@@@ اگر حاجی «محصور» شود، یعنی «بیمار» گردد به طوری که نتواند مناسک عمره یا حج را انجام دهد یا «مصدود» گردد، یعنی به جهتی «غیر از بیماری» مانند ممانعت حکومت یا دشمن یا بسته بودن راه یا فراهم نشدن وسیله نقلیه، از انجام مناسک عمره یا حج باز بماند، باید به وظایفی که برای محصور و مصدود گفته می‌شود، عمل نماید.

مسئله (۶۵۲): «موارد صد و حصر»

حاجی در عمره و حج تمتع، در موارد زیر محصور یا مصدود می‌گردد:

- ۱ - کسی که احرام عمره تمتع بسته، ولی نمی‌تواند اعمال آن را انجام دهد و قبل از غروب روز نهم خود را به عرفات برساند.
- ۲ تا ۵ - کسی که احرام حج تمتع بسته و از وقوف در مشعر، یا رمی جمره عقبه روز عید، یا طواف حج، یا سعی باز بماند.

مسئله (۶۵۳): «مصدود و محصوری که شرط تحلل کرده‌اند»

مصدود و محصور اگر هنگام احرام شرط تحلل کرده‌اند - یعنی از خداوند متعال خواسته‌اند که اگر مانعی پیش آمد همانجا از احرام بیرون آیند - به مجرد صد یا حصر از احرام بیرون می‌آیند.

مسئله (۶۵۴): «وظیفه مصدود از حج تمتع»

کسی که از حج تمتع مصدود شده اگر شرط تحلل نکرده باشد، باید در همان محل صد یا در مکه یا منا یا بین آنها، یک شتر یا گاو یا گوسفند قربانی کند و با تراشیدن سر یا گرفتن از موی سر، از احرام بیرون آید و همه محرمات احرام بر او حلال می‌شود. و اگر نمی‌تواند قربانی کند باید صبر کند تا وقت حج بگذرد و با عمره مفرده و اگر نمی‌تواند با حلق یا تقصیر از احرام خارج شود.

مسئله (۶۵۵): «وظیفه محصور از حج تمتع»

محصور از حج تمتع اگر شرط تحلل نکرده باشد به تفصیلی که در مناسک حج آمده قربانی کند و با انجام قربانی محرمات احرام - به جز زن - بر او حلال می‌گردد و نیاز به حلق یا تقصیر نیست و اگر نمی‌تواند قربانی کند، سه روز روزه می‌گیرد و برای حلال شدن زن باید بعداً عمره یا حج به جا آورد و اگر انجام عمره و حج یا اجتناب از زن تا آن زمان مشقت، شدید داشته باشد، برای انجام عمره یا حج نایب می‌گیرد.

مسئله (۶۵۶): «وظیفه دیگر مصدود و محصور از حج»

مصدود و محصور علاوه بر وظیفه‌ای که در دو مسأله پیش گفته شد، اگر می‌تواند باید در سال آینده همان قسم از حجی را که ناقص گذاشته دوباره به جا آورد، هر چند در حج اول شرط تحلل کرده باشد.

مسئله (۶۵۷): «صد و حصر در حج استحبایی و نیابتی»

در احکام صد و حصر فرقی بین عمره و حج استحبایی و غیر آن و بین نیابتی و غیر آن - هر چند نیابت از حضرات معصومین علیهم السلام باشد - نیست.

آداب و مستحبات شهر مکه - به جز آن چه در اعمال عمره و حج گذشت - از این قرار است:

- ۱ - زیاد ذکر خدا گفتن.
- ۲ - قرآن خواندن و مستحب است تمام قرآن را در مکه - مسجدالحرام یا جای دیگر شهر - تلاوت کند.
- ۳ - خوردن آب زمزم و خواندن این دعا پس از آشامیدن آب: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ» و نیز این دعا «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِلَّهِ».
- ۴ - نگاه کردن به کعبه و تکرار آن.
- ۵ - در هر شبانه روز ده مرتبه طواف کردن، در اول شب سه طواف، در آخر شب سه طواف، صبح دو طواف و بعد از ظهر دو طواف.
- ۶ - در مدت اقامت در مکه، سیصد و شصت مرتبه طواف کردن و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم ممکن نشد هر مقدار که بتواند.

طواف وداع

بر کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود مستحب مؤکد است که «طواف وداع» به جا آورد. طواف وداع نیز هفت شوط است و خواندن نماز آن هم مستحب است. مستحب است که از خداوند متعال توفیق بازگشت به مکه را طلب کند. بهتر است که در طواف وداع این امور را رعایت کند:

- ۱ - در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را استلام کند و اگر نمی‌تواند از دور اشاره کند.
- ۲ - چون به مستجار می‌رسد، دعای مستجار را - که قبلاً ذکر شد - بخواند.
- ۳ - یک دست بر حجرالاسود و دست دیگرش را طرف در کعبه بگذارد و این دعا را بخواند:
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أُمَّتِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَ صَدَعَ بِأَمْرِكَ وَ أَوْذَى فِيكَ وَ فِي جَنَبِكَ وَ عَبْدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَ الْبَرَكَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْعَافِيَةِ».
- ۴ - از باب حنّاطین که مقابل رکن شامی است، بیرون رود.

نماز حجاج در مکه و مدینه

مسأله (۶۵۸): «نماز مسافر در مکه و مدینه»

زائرانی که به مکه یا مدینه می‌روند، بسیار شایسته است که قصد اقامه ده روز کنند و نمازشان را تمام بخوانند؛ ولی تا قصد اقامه نکرده‌اند، باید نمازشان را شکسته بخوانند، هر چند بخواهند در مسجدالحرام یا مسجد النبی صلی الله علیه و آله نماز بخوانند.

مسأله (۶۵۹): «رفتن به احد»

زائرانی که تصمیم دارند در مدینه منوره حداقل ده روز بمانند، نمازشان تمام است و رفتن به احد و مسجد قبا و مسجد ذوقبلتین در اثناء ده روز، این وظیفه را تغییر نمی‌دهد.

مسئله (۶۶۰): «نماز در عرفات و مشعر و منا»

حجّاجی که قصد کرده‌اند قبل از رفتن به عرفات ده روز در مکه بمانند نمازشان در مکه تمام است، این حجّاج وقتی به عرفات می‌روند باید در آنجا و در مشعر و منا و پس از بازگشت در مکه نیز نمازشان را تمام بخوانند؛ ولی اگر قصد اقامه نکرده باشند، در تمام این اماکن باید نمازشان را شکسته بخوانند.

مسئله (۶۶۱): «شرکت در نماز جماعت اهل سنت»

حجّاج محترم باید از هر کاری که موجب وهن شیعه است، جداً خودداری کنند و مناسب است در نماز جماعت اهل سنت شرکت نمایند؛ ولی نباید به آن اکتفا کنند، بلکه باید آن را دوباره بخوانند.

مسئله (۶۶۲): «خارج شدن از مسجد هنگام نماز جماعت»

برخی از حجّاج هنگام برپایی نماز جماعت از مسجدالحرام یا مسجدالنبی صلی الله علیه و آله خارج می‌شوند یا در کناری می‌ایستند و تماشا می‌کنند؛ این کارها بسیار ناپسند است و جداً باید از آنها خودداری شود.

مسئله (۶۶۳): «سجده بر فرش»

سجده کردن بر فرش، حتی فرش‌های مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سایر مساجد مکه و مدینه، صحیح نمی‌باشد و باید بر زمین و قسمت‌هایی از مسجد که سنگ فرش شده یا روی سجاده حصیری و مانند آن سجده کرد و زائر در صورت ضرورت روی فرش سجده می‌نماید؛ ولی نمی‌تواند به آن اکتفا کند.

مسئله (۶۶۴): «گذاشتن مهر»

گذاشتن مهر و باد بزن و مانند آن و سجده کردن روی آنها در صورتی که موجب وهن شیعه شود، جایز نیست و اگر وهن نباشد، اشکال ندارد.

مسائل متفرقه

مسئله (۶۶۵): «شک بعد از وقت»

در هر یک از اعمال عمره یا حج، اگر بعد از آن که وقت آن گذشت، شک کند که آن را به جا آورده یا خیر اعتنا به شکش نمی‌کند و اگر یا شک کند که صحیح به جا آورده یا خیر چنانچه احتمال بدهد که به رعایت شرایط عمل توجه داشته است به شک خود اعتنا نکند.

مسئله (۶۶۶): «شک بعد از انجام عمل»

هرگاه پس از آن که خود را از عملی از اعمال عمره یا حج فارغ شده یافت یا وارد عمل بعدی شد، شک کند که آن عمل را با تمام اجزاء و شرایطش انجام داده یا خیر، بلکه ناقص انجام داده یا برخی از شرایطش را رعایت نکرده، چنانچه احتمال بدهد که در

حال عمل به رعایت شرایط آن توجه داشته اعتنا به شکش نمی‌کند.

مسئله (۶۶۷): «عبور حائض از مسجدالحرام»

حائض و جنب نمی‌توانند در مسجدالحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله حتی قسمت‌هایی از آن که جدیداً ساخته شده است، وارد شوند.

مسئله (۶۶۸): «برداشتن قرآن از مساجد»

برداشتن قرآن‌هایی که در مسجدالحرام یا مسجد النبی صلی الله علیه و آله است، بدون آن که از متصدی آن اجازه بگیرند، جایز نیست و اگر از مسجد بیرون برده‌اند، باید برگردانند.

مسئله (۶۶۹): «سنگ صفا و مروه»

برداشتن سنگ از صفا و مروه، جایز نیست.

مسئله (۶۷۰): «وضو گرفتن از آبهای آشامیدنی»

وضو گرفتن از آبهای کلن‌ها و شیرهایی که مخصوص آشامیدن است، جایز نیست.

مسئله (۶۷۱): «روزه مستحب در مدینه منوره»

زائران مدینه منوره می‌توانند برای خواستن حاجت سه روزه روزه مستحبی بگیرند و بنا بر احتیاط آن سه روز، روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه باشد؛ و در این امر فرقی بین زائرانی که قصد ماندن ده روز را دارند و غیر آنها نیست. بلی کسی که روزه قضا بر عهده اوست، نمی‌تواند روزه مستحب بگیرد.

مسئله (۶۷۲): «نذر روزه در مسافرت»

انسان می‌تواند نذر کند که در سفر روزه بگیرد و برای گرفتن این روزه نیازی به قصد ماندن ده روز نیست و لازم نیست قبل از رفتن به مسافرت نذر کند؛ بلکه اگر بعد از رفتن به مسافرت هم نذر کند که در همان سفر روزه بگیرد، عمل کردن به آن لازم است.

ادعیه و زیارات «مدینه منوره»

اهمیت عبادت و تلاوت قرآن در سفر حج

«نماز در مسجدالحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله»

«مسجدالحرام» و «مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله» والاترین و ارجمندترین مکان‌های مقدّس در روی زمین است و زائران محترم باید فرصت را غنیمت شمرده و از عبادت و دعا و تلاوت قرآن در این دو مکان شریف غفلت نورزند، در روایات ثواب «نماز در مسجد النبی صلی الله علیه و آله» به اندازه ثواب هزار نماز در اماکن دیگر و ثواب نماز در مسجدالحرام به اندازه ثواب هزار «نماز

در مسجد النبی صلی الله علیه و آله « دانسته شده است.

«ختم قرآن در مکه»

«ختم قرآن» در مکه مکرمه بسیار با ارزش است.

در روایتی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم:

«هر کس قرآن را در مکه ختم کند، پیش از مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌بیند و جایگاه خویش را در بهشت مشاهده می‌کند». (۶)

بنابر روایتی دیگر از آن حضرت، ثواب ختم قرآن از یک جمعه تا جمعه دیگر (یا در روزهای دیگر) به اندازه ثواب تمام کارهای نیک از اولین جمعه عمر تا آخرین جمعه‌ای که انسان در این دنیا زنده است، می‌باشد. (۷)

«نگاه به قرآن و کعبه» زائرانی که از فیض قرائت قرآن محرومند، بسیار شایسته است که قرآن را بکشایند و به آیات الهی نظر کنند یا در مکه مکرمه نظاره گر خانه خدا باشند.

در روایتی شریف نگاه به سیمای ملکوتی حضرت امیر علیه السلام و نگاه محبت آمیز به والدین و نظر در کتاب خدا و نگاه به کعبه، عبادت شمرده شده است؛

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: النَّظَرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ بِرَأْفَةٍ وَ رَحْمَةٍ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ - يَعْنِي صَحِيفَةَ الْقُرْآنِ - عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ». (۸)

دعای فرج

در حاشیه «مصباح» کفعمی قدس سره آمده که حضرت هادی علیه السلام فرموده:

آل محمد علیهم السلام هنگام پیش آمدن بلاها، روبروشدن با دشمنان و ترس از فقر و تنگی سینه، این دعا را می‌خوانند:

«يَا مَنْ تُحِلُّ بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ وَيَا مَنْ يُفْتَأُ بِهِ حَيْدُ الشَّدَائِدِ وَيَا مَنْ يُتَمَسُّ مِنْهُ الْمَخْرُجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ وَ تَسَبَّيْتُ بِلُطْفِكَ الْأَسْيَابُ وَ جَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ وَ مَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ، فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ وَ بِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ، أَنْتَ الْمِدْعُوُّ لِلْمُهَمَّاتِ وَ أَنْتَ الْمَفْرُوعُ فِي الْمَلَمَّاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ وَ لَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ وَ قَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبُّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقْلُهُ وَ أَلَمَّ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ وَ بِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَ بِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ، فَلَا مُضْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَعْلَقْتَ وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ وَ لَا مَيْسِرَ لِمَا عَسَرْتَ وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ افْتَحْ لِي يَا رَبُّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ وَ اكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ وَ أَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ وَ أَدْفِنِي حِلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ وَ هَبْ لِي مِنْ لَمَدْنِكَ رَحِمَةً وَ فَرَجًا هَنِينًا وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَحِيًّا وَ لَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ وَ اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ، فَقَدْ ضَمَمْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبُّ ذُرْعًا وَ امْتَلَأْتُ بِحَمَلٍ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ وَ دَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَ إِنْ لَمْ اسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ ذَا الْمَنْ الْكَرِيمِ، فَأَنْتَ قَادِرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».

دعای استغاثه

«استغاثه به حضرت صاحب الزمان (عج)»

سید علیخان در «کَلِم طیب» فرموده:

این استغاثه ایست به «حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف». هر جا که باشی، دو رکعت نماز بخوان، پس رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو:

«سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ النَّامُ الشَّامِلُ الْعَامُّ وَصِلَاوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ النَّائِمَةُ، عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ وَسِلَالَةِ النَّبِيِّ وَبَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ وَمُلَقِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ وَمُظْهِرِ الْأَرْضِ وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَالْعَرْضِ وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمُرْتَضَى وَابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ ابْنِ الْوَصِيَّةِ الْمُرْتَضِيَيْنِ، الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنِ الْإِئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِعْزَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِزْلَ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زِيَابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَيْمَةِ الْحَجَّاجِ الْمَعْصُومِينَ وَالْإِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ وَقَرَّبَ زَمَانَكَ وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ، فَهُوَ أَضِدُّ الْقَائِلِينَ: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا وَبِهِ جَاءَ «كَذَا وَكَذَا» حَاجَاتِ خُودِ رَا ذَكَرْ كُنْدَ، فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شِفَاعَةً مَقْبُولَةً وَمَقَامًا مَحْمُودًا، فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكَ بِأَمْرِهِ وَارْتَضَاكَ لِسِرِّهِ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِ اللَّهُ تَعَالَى فِي نَجْحِ طَلِبَتِي وَإِجَابَةِ دَعْوَتِي وَكَشْفِ كُرْبَتِي».

دعای توسل

مرحوم «علامه مجلسی قدس سره» نقل می فرماید:

دعای توسل را محمد بن بابویه از «ایممه معصومین علیهم السلام» روایت کرده و گفته است:

در هیچ امری این دعا را نخواندم، مگر آن که بزودی اثر اجابت آن را یافتم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتِنَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْمُجْتَبَى، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ، يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

يَا أَبَا الْحَسَنِ، يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

يَا أَبَا جَعْفَرٍ، يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْبَاقِرُ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا الصَّادِقُ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

یا اَبَا الْحَسَنِ، یا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، أَيُّهَا الْكَاطِمُ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

یا اَبَا الْحَسَنِ، یا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، أَيُّهَا الرِّضَا، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

یا اَبَا جَعْفَرٍ، یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوَادُ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

یا اَبَا الْحَسَنِ، یا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

یا اَبَا مُحَمَّدٍ، یا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الرَّكِيُّ الْعَسِيْ كَرِيُّ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

یا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الْحُجَّةَ، أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

پس حاجت خود را بطلبد که إن شاء الله تعالی برآورده می شود.

در روایت دیگر وارد شده که بعد از این بگوید:

«یا سَادَتِي وَ مَوَالِيَّ، إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ أَيْمَتِي وَ عِيَدَتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَ حَاجَتِي إِلَى اللَّهِ وَ تَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ وَ اسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ، فَاسْتَفْعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ وَ اسْتَنْقِذُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ، فَإِنَّكُمْ وَسَّيَلْتِي إِلَى اللَّهِ وَ بِحُبِّكُمْ وَ بَقْرَبِّكُمْ أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ، فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رَجَائِي، يَا سَادَتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ لَعَنَّ اللَّهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».

آداب زیارت

- ۱ - غسل زیارت می کنی.
- ۲ - در هنگام غسل می خوانی:
«اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي وَ طَهِّرْ لِي قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صِدْرِي وَ اجْرِ عَلَى لِسَانِي مَدْحَتَكَ وَ الشَّاءَ عَلَيْكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَ شِفَاءً وَ نُورًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».
- ۳ - پس از غسل می خوانی:
«اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».
- ۴ - جامه پاک و پاکیزه می پوشی و خود را خوشبو می کنی.
- ۵ - آرام و با وقار حرکت می کنی و گامها را کوتاه برمی داری.
- ۶ - در راه با ذکر «اللَّهُ أَكْبَرُ» و «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «سُبْحَانَ اللَّهِ» و صلوات بر مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دهانت را خوشبو می کنی.
- ۷ - بر در حرم شریف ایستاده، با خشوع اذن دخول می خوانی.
- ۸ - هنگام ورود پای راست و در خروج پای چپ را مقدم می داری.
- ۹ - پس از ورود سجده شکر به جا می آوری و تکبیر می گویی.
- ۱۰ - اگر قصد زیارت مرقد مطهر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ را داری، صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» می گویی، آنگاه دو رکعت نماز تحیت

مسجد به جا می‌آوری.

- ۱۱ - با خضوع و خشوع و حضور قلب زیارات مأثوره را می‌خوانی.
- ۱۲ - در هنگام زیارت صدای خود را بلند نمی‌کنی.
- ۱۳ - پس از زیارت نماز زیارت می‌خوانی و بهتر است در رکعت اول سوره «یس» و در رکعت دوم سوره «الرَّحْمَن» بخوانی.
- ۱۴ - پس از نماز دعا و توبه و استغاثه می‌کنی.
- ۱۵ - قرآن تلاوت کرده، ثواب آن را به محضر مبارک حضرات معصومین علیهم السلام هدیه می‌کنی.
- ۱۶ - به نیابت از پدر و مادر و اساتید و سایر حق داران زیارت می‌کنی.
- ۱۷ - در طول زیارت از کلمات لغو و بیهوده پرهیز می‌کنی.
- ۱۸ - با قصد مراجعت به حرم مطهر زیارت وداع می‌خوانی.
- ۱۹ - به آرامی و عقب عقب از حرم بیرون می‌آیی.
- ۲۰ - بر فقرا و مساکین خصوصاً سادات از ایشان انفاق می‌کنی.

زیارت جامعه اول

(که هر امامی را با آن می‌توان زیارت کرد)

«السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصْفِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمَنَاءِ اللَّهِ وَ أَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَتَفِرِّينَ فِي مَرَضَاتِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَدَلَاءِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنَ وَالَاهُمْ فَقَدَ وَالِي اللَّهِ وَ مَنَ عَادَاهُمْ فَقَدَ عَادَى اللَّهِ وَ مَنَ عَرَفَهُمْ فَقَدَ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنَ جَهِلَهُمْ فَقَدَ جَهِلَ اللَّهَ وَ مَنَ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدَ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ وَ مَنَ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدَ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَلَّمْتُمْ وَ حَوَّبْتُ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عِدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ».

زیارت جامعه کبیره

شیخ صدوق قدس سره در «فقیه» روایت کرده از موسی بن عبدالله نخعی که گفت:

به حضرت امام علی النقی علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله، مرا تعلیم فرما زیارتی با بلاغت که کامل باشد که هر گاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم، بخوانم.

فرمود:

با حال غسل باش، چون به درگاه رسیدی بایست و بگو:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ».

و چون داخل حرم شوی و قبر را بینی بایست و سی مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو، پس با دل و تنی آرام اندکی راه برو و گامها را کوتاه

بردار، پس بایست و سی مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو، پس نزدیک مرقد مطهر برو و چهل مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو، پس بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ التُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مَعِيدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خَزَانِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْجِلْمِ وَ أَصُولِ الْكَرَمِ وَ قَادَةَ الْأَمَمِ وَ أَوْلِيَاءِ النَّعْمِ وَ عُنَاصِرَ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابَ الْإِيمَانِ وَ أَمَنَاءَ الرَّحْمَنِ وَ سُلَالِمَةَ النَّبِيِّينَ وَ صِفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَتْرَةَ خَيْرِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ

التُّقَى وَ ذَوَى النَّهْيِ وَ أَوْلَى الْحِجْبِ وَ كَهْفِ الْوَرَى وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمَثَلِ الْمَعْلَى وَ الدَّعْوَةَ الْحُسْنَى وَ حُجَّجَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ وَ الْأَوْلَى وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ اللَّهِ وَ مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَ حَفَظَةِ سِتْرِ اللَّهِ وَ حَمَلَةِ
كِتَابِ اللَّهِ وَ أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَ الْإِدْلَاءِ عَلَى
مَرْضَاهِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَقْرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ وَ التَّائِمِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَ الْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ الْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ وَ عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ
الَّذِينَ لَا- يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى الْإِثْمَةِ الدُّعَاةِ وَ الْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَ السَّادَةِ الْوُلَاةِ وَ الدَّادَةِ
الْحَمَاهُ وَ أَهْلِ الذِّكْرِ وَ أَوْلَى الْأَمْرِ وَ بَقِيَّةِ اللَّهِ وَ خَيْرِيَّةِ وَ حُزْبِهِ وَ عَيْبِهِ عِلْمِهِ وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ وَ نُورِهِ وَ بُرْهَانِهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ. أَشْهَدُ
أَنْ لَا- إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا- شَرِيكَ لَهُ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَ شَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ أَوْلَا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ
أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَ رَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ أَشْهَدُ
أَنَّكُمْ الْإِثْمَةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُونَ، الْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ، الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ، الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفُونَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ،
الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ، إِصْطَفِيكُمْ بِعِلْمِهِ وَ ارْتَضَيْكُمْ لِغَيْبِهِ وَ اخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَ اجْتَبَيْكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَ اعَزَّكُمْ بِهُدَاةِ وَ حَصَمَكُمْ
بِبُرْهَانِهِ وَ انْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَ أَيْدَكُمْ بِرُوحِهِ وَ رَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ وَ أَنْصَارًا لِدِينِهِ وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ وَ خَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَ
مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ وَ تَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ وَ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ وَ شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ أَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَ إِدْلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ، عَصَمَكُمْ
اللَّهُ مِنَ الزَّلِيلِ وَ آمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا، فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ وَ أَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَ
مَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَ أَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ وَ وَكَّدْتُمْ مِشَاقَهُ وَ أَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَ نَصَيْحَتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ دَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَ
الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ يَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَ صَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ وَ أَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ
نَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَ بَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَ أَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَ نَسَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ وَ سَيَّسْتُمْ
سُنَّتَهُ وَ صَبَرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا وَ سَلِمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَ صَدَقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى، فَالزَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَ اللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَ
الْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَ الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعِينُهُ وَ مِيرَاثُ الشُّيْوَةِ عِنْدَكُمْ وَ إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ
حِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَ فَضِيلُ الْخُطَابِ عِنْدَكُمْ وَ آيَاتُ اللَّهِ لِمَدِينِكُمْ وَ عَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَ أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ
وَالَى اللَّهُ وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ وَ مَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهُ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهُ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ،
أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَ الْآيَةُ الْمَخْرُوجَةُ وَ الْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَ الْبَابُ الْمُنْتَبَلَى بِهِ
النَّاسُ، مَنْ آتَيْكُمْ نَجَى وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ وَ عَلَيْهِ تَدُلُونَ وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ وَ لَهُ تَسْلِمُونَ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَ إِلَى سَبِيلِهِ
تُرْشِدُونَ وَ بِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ، سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ وَ هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَ خَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَ آمَنَ
مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ وَ سَلِمَ مَنْ صَدَقَكُمْ وَ هَدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ، مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ وَ
مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي اسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى وَ جَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ وَ أَنَّ
أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا، فَجَعَلَكُمْ بَعْضُهُمْ مُخْدِعِينَ، حَتَّى مَنْ عَلَيْنَا
بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أذنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صِلَاتَنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا حَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيِّبًا لِحَلْقِنَا وَ طَهَارَةً
لِأَنْفُسِنَا وَ تَزْكِيَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ وَ مَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، فَلَبَّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَ
أَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ وَ لَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ وَ لَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَ لَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّى
لَا يَبْقَى مَلِكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا صِدِّيقٌ وَ لَا شَهِيدٌ وَ لَا عَالِمٌ وَ لَا جَاهِلٌ وَ لَا ذَنْبِيٌّ وَ لَا فَاضِلٌ وَ لَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَ لَا فَاجِرٌ طَالِحٌ
وَ لَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَ لَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ وَ لَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ، إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالُهُ أَمْرَكُمْ وَ عَظَمَ خَطَرَكُمْ وَ كَبَّرَ شَأْنَكُمْ وَ تَمَامَ نُورَكُمْ وَ
صِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ وَ ثَبَاتَ مَقَامِكُمْ وَ شَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَ مَنَزَلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَ كَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَ خَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ وَ قُرْبَ مَنَزَلَتِكُمْ مِنْهُ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ
أُمِّي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ أُشِيرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهُ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَ بِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُكُمْ وَ بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبِصٌّ بِشَأْنِكُمْ وَ

بِضَلَالَةٍ مَنْ خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَاءِكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ، سَلَّمَ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقَّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطَلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَكُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقَرَّرٌ بِفَضْلِكُمْ، مُخْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ، مُصِدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظَرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُزْتَقِبٌ لِتَدْوِيلِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُشْتَجِرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ، لَا تَدَّ عَاتِدٌ بِقِيُورِكُمْ، مُسْتَشْفَعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِكُمْ وَ مُتَقَرَّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَ مُقَدِّمٌ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عِلَانِيَّتِكُمْ وَ شَاهِدٌ كُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرِكُمْ وَ مَفُوضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَ مَسَلَّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ وَ قَلْبِي لَكُمْ مَسَلَّمٌ وَ رَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ وَ يَرُدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ وَ يُطَهِّرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَ يَمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ، أَمَنْتُ بِكُمْ وَ تَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ وَ بَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ مِنَ الْجَبِّ وَ الطَّاعُوتِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ حِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ وَ الْجَاهِلِينَ لِحَقِّكُمْ وَ الْمَارِقِينَ مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَ الْغَاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ وَ الشَّاكِّينَ فِيكُمْ وَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ وَ مِنْ كُلِّ وَ لِيحِيزِهِ دُونَكُمْ وَ كُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَ مِنَ الْأَنْمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، فَتَبَيَّنَى اللَّهُ أَيْدَا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مُوَالَاتِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ وَ وَفَّقَنِي لِطَاعَتِكُمْ وَ رَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ وَ جَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ آثَارَكُمْ وَ يَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَ يَهْتَدِي بِهُدَايِكُمْ وَ يُحْشِرُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَ يُكْرِ فِي رَجْعَتِكُمْ وَ يَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يُشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ يَمَكُنُ فِي أَيَّامِكُمْ وَ تَقْرُ عَيْنَهُ غَدَا بِرُؤْيَيْتِكُمْ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ يَدَّ بِيكُمْ وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِي لَا أُحْصِي ثَنَاءَكُمْ وَ لَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَ مِنَ الْوُصْفِ قَدْرَكُمْ وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَ حُجَجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِيكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يَنْفُسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَ إِلَى جَدِّكُمْ - وَ الْوَالِي جَدُّكُمْ» بگو:

«وَ إِلَى أَحْيَاكُمْ» - بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ، آتَيْتُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطَا كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ وَ بَخَعُ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطَاعَتِكُمْ وَ خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ وَ فَازَ الْفَآئِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسْلَكُ إِلَى الرُّضْوَانِ وَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وَ لَا يَتَّكُمُ غَضَبُ الرَّحْمَنِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي، ذَكَرْتُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ وَ أَسْمَأُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَ أَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ وَ آثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا أَحَلَى أَسْمَاءَكُمْ وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَ أَحْيَلَّ حَظْرَكُمْ وَ أَوْفَى عَهْدَكُمْ وَ أَصْدَقَ وَعْدَكُمْ، كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى وَ فِعْلُكُمْ الْخَيْرُ وَ عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ وَ شَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَ الصَّدْقُ وَ الرَّفْقُ وَ قَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَ حَتْمٌ وَ رَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ، أَنْ ذَكَرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَ أَضِيلُهُ وَ فَرَعُهُ وَ مَعِدِنُهُ وَ مِرَاوِيَهُ وَ مُتْنَهَاءُ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَاءِكُمْ وَ أَحْصِي جَمِيلَ بَلَاءِكُمْ وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ وَ أَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَاكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي، بِمُوَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَادًا مِنْ دُنْيَانَا وَ بِمُوَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَ ائْتَلَفَتِ الْفِرْقَةُ وَ بِمُوَالَاتِكُمْ تَقَبَّلَ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَ الْمَقَامُ الْمُحْمُودُ وَ الْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْجَاهُ الْعَظِيمُ وَ الشَّانُ الْكَبِيرُ وَ الشَّفَاعَةُ الْمُقْبُولَةُ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَكَتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تَرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبَّنَا أَنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لِمَفْعُولًا، يَا وَلِيَّ اللَّهِ، إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَحَقٌّ مِنْ ائْتَمَنَّاكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَ اسْتَرْعَاكُمْ أَمْرٌ خَلَقَهُ وَ قَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَ كُنْتُمْ شَفَعَائِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَتْمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شَفَعَائِي، فَحَقَّقْهُمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ وَ فِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ صَدَّقَ لِي اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ».

یکی از زیارت‌های بسیار معتبر است، مرحوم «علامه مجلسی قدس سره» فرموده:

این زیارت از نظر متن و سند «بهترین زیارات» است و باید در همه حرم‌های ائمه اطهار علیهم السلام بر این زیارت مداومت کنند. کیفیت آن چنان است که روایت شده از جابر از امام محمد باقر علیه السلام که «امام زین العابدین علیه السلام» به زیارت مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست و فرمود:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَ الزَّمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِبِدَائِكَ وَ دُعَائِكَ، مُجَبَّةً لِحَبْلِ قُوَّةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ، مُشْتَاكِرَةً إِلَى فَرْحِهِ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتِنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مُشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ».

پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

«اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَ الْهَمَّةُ وَ سُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَ أَعْلَامُ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَ أَفْنِدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةٌ وَ أَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَ أَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ وَ دَعْوَةٌ مِنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ وَ تَوْبَةٌ مِنْ أَنَابٍ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَ عَبْرَةٌ مِنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومِيَةٌ وَ الْإِغَاثَةُ لِمَنِ اسْتَيْغَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَ الْإِعَانَةُ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةٌ وَ عِدَاتِكَ لِإِعَادِكَ مُنْجَرَةٌ وَ زَلَلٌ مِنْ اسْتِقَالَكَ مُقَالَةٌ وَ أَعْمَالُ الْعَامِلِينَ لِمَدِيكَ مَحْفُوظَةٌ وَ أَرْزَاقُكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَمَدْنِكَ نَازِلَةٌ وَ عَوَائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاضِلَةٌ وَ ذُنُوبُ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَ حَوَائِجُ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ وَ جَوَائِزُ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُؤَفَّرَةٌ وَ عَوَائِدُ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَ مَوَائِدُ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَ مَنَاهِلُ الظَّمَاءِ [لِمَدِيكَ] مُتَرَعَّةٌ، اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَ أَقْبَلْ ثَنَائِي وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي وَ مُنْتَهَى مَنَائِي وَ غَايَةُ رَجَائِي، فِي مُنْقَلَبِي وَ مَتَوَائِي».

در کتاب شریف «کامل الزیارات» بعد از زیارت، این جملات آمده است:

«أَنْتَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، إِغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا وَ كُفِّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا وَ اشْغَلْهُمْ عَنِّ أَذَانَا وَ أَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا عَلِيًّا وَ ادْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

زیارت وارث

(زیارت مطلقه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام)

هنگام زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام می گوئی:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنِيَّ مُحَمَّدٍ الْمُضِيَّ طَفِي، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنِيَّ عَلِيِّ الْمُزْتَضِي، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنِيَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنِيَّ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ وَ الْوِثْرَ الْمَوْتُورَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَطَعْتَ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِيْنَ، فَلَعَنُ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَجَعَتْ بِبَدْلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، يَا مَوْلَايَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْدِلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمَطْهَرَةِ، لَمْ تَجْنِبْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُبَلِّسْكَ مِنْ مُدْلِهَمَّاتِ ثِيَابِهَا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرِّ التَّقِيُّ،

الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ أَنْبِيََاءَهُ وَ رُسُلَهُ، أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، صِلَاوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ عَلَى أَجْسَادِكُمْ وَ عَلَى أَجْسَامِكُمْ وَ عَلَى شَاهِدِكُمْ وَ عَلَى غَائِبِكُمْ وَ عَلَى ظَاهِرِكُمْ وَ عَلَى بَاطِنِكُمْ.»

پس خود را بر قبر بینداز و بپوس و بگو:

«بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَبَا عَزِيدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظَّمْتَ الرَّزِيَّةَ وَ جَلَّتِ الْمُصْطَبِيَّةُ بِحُكِّ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ وَ آتَيْتُ إِلَى مَشْهَدِكَ، أَسْأَلُ اللَّهَ بِالْأَشْأَانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ وَ بِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يُجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.»

پس برخیز و دو رکعت نماز بخوان و در آن دو رکعت هر سوره که می‌خواهی بخوان و پس از نماز بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي صِلَيْتُ وَ رَكَعْتُ وَ سَجَدْتُ لَكَ، وَ حَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ لَا تُكُونُ إِلَّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْلُغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ وَ التَّحِيَّةَ وَ ارْزُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ، اللَّهُمَّ فَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هِدْيَةٌ مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ، الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ أَجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلِي وَ رَجَائِي فِيكَ وَ فِي وَلِيِّكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.»

زیارت حضرت علی بن الحسین علیهما السلام

پس قصد زیارت علی بن الحسین علیهما السلام نموده و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ وَ ابْنُ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَ ابْنُ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.»

پس خود را بر قبر بینداز و بپوس و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ ابْنَ وَ لِيِّهِ، لَقَدْ عَظَّمْتَ الْمُصْطَبِيَّةَ وَ جَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِحُكِّ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ.»

زیارت قبور شهدا

پس متوجه شو به سوی قبور شهداء و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ أَحِبَّائَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَ أَوْدَادَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَلِيِّ الرَّكِيِّ النَّاصِحِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي، طِبْتُمْ وَ طَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ وَ فُزْتُمْ فَوْزًا عَظِيمًا، فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ.»

زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

حضرت صادق علیه السلام از «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله» نقل فرموده که: «هر کس در حیات یا پس از فوت من، مرا

زیارت کند، در روز قیامت شفیع او گردم».

آداب زیارت

غسل زیارت می‌کنی و لباس‌های پاکیزه می‌پوشی و خود را با عطر خوشبو می‌کنی و هنگام رفتن با آرامش و وقار و خضوع و خشوع قدم‌های کوتاه برمی‌داری و تا رسیدن به حرم مطهر با تسبیح و ذکر و حمد الهی و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله دلت را منور می‌سازی و چون به بارگاه قدسی ایشان رسیدی، ایستاده با خشوع کامل و حضور قلب اجازه ورود می‌طلبی.

اذن دخول

هنگام ورود می‌گویی:

«اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بَيْتِكَ صِلَواتِكَ عَلَيهِ وَآلِهِ وَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَيَّ بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بَيْتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ» اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُزْمَةَ نَبِيِّكَ فِي غَيْبَتِهِ، كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيَزُدُونَ سِلَامِي وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَدِيدِ مُنَاجَاتِهِمْ وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ وَالْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا، أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، أَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَوْلِيائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ».

پس ببوس آستان حرم را و داخل شو و بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

اگر خواستی به حرم یکی از «ائمه معصومین علیهم السلام» مشرف شوی، همین اذن دخول را می‌خوانی و پس از عبارت «الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ» نام آن امام همام و پدر بزرگوارش را می‌بری، مثلاً می‌گویی: «الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى» و بقیه اذن دخول را می‌خوانی.

پس از اذن دخول وارد حرم می‌شوی و هنگام ورود پای راست را مقدم می‌داری، پس صد مرتبه می‌گویی: «اللَّهُ أَكْبَرُ»، آنگاه دو رکعت نماز تحیت می‌خوانی.

زیارت اول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

به سمت حجره شریفه رفته، می‌ایستی و می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَدَيْتَ اللَّهُ مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ، فَصَلَّواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ».

پس در بالای سر پیامبر رو به قبله می‌ایستی و می‌گویی:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَتِ رَبِّكَ وَنَصَيْتَ حَتَّى لَأَمَّتْكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَ اللَّهُ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ

أَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَ أَنْكَ قَدْ رُوِّفَتْ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غَلَطْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلِّغْ اللَّهَ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَيْتَقَدْنَا بِسُكِّكَ مِنَ الشُّرُوكِ وَ الضَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صِلَواتِكَ وَ صِلَواتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَاءِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَهْلَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِيرِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صَافِيَتِكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ صِفْوَتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَ آتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَعْطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَ الْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً» وَ إِنِّي أَتَيْتُكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي وَ إِنِّي أَتَوَّجُّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي».

در «مزار کبیر» آمده است که «پس از زیارت» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو رکعت نماز به جا می آوری و بهتر است در آن سوره «یس» و «الرحمن» بخوانی و پس از نماز برای خود و خانواده و دوستان دعا کنی.

پس پیش روی مبارک می روی و رو به قبله حاجات خود را می طلبی، امید است که برآورده شود ان شاء الله و بهتر است این دعا را بخوانی:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ الْجَأْتُ ظَهْرِي وَ إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ اسْتِنْدْتُ ظَهْرِي وَ الْقِبْلَةَ الَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اسْتَيْتَقَلْتُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُو لَهَا وَ لَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا أَخْذَرُ عَلَيْهَا وَ أَصْبَحْتُ الْأُمُورَ بِيَدِكَ وَ لَا فَقِيرَ أَفْقَرٍ مِنِّي، إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، اللَّهُمَّ ارْزُدْني مِنْكَ بِخَيْرٍ وَ لَا- رَأْدَ لِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تَبْدِلَ اسْمِي، أَوْ تُعَيِّرَ جِسْمِي، أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي، اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَ جَمِّلْنِي بِالنَّعْمِ وَ اغْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ».

زیارت دوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در حدیث صحیح از «حضرت ابی الحسن علیه السلام» روایت شده که در زیارت مرقد شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عِبَدْتَهُ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

سلام مخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در روایت صحیح از «حضرت امام رضا علیه السلام» آمده که برای سلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از نمازهای روزانه می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولَ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَ عِبَدْتَهُ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ؛ فَجَزَاكَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

صلوات مخصوص حضرت رسول صلی الله علیه و آله

شیخ طوسی قدس سره از «حضرت عسکری علیه السلام» روایت می کند که در صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانی:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلْتَ وَحَيْكَ وَ بَلَّغِ رِسالَتِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَحَلَّ حلالَكَ وَ حَرَّمَ حرامَكَ وَ عَلَّمَ كِتابَكَ وَ صَدَّلْ

عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَدَعَا إِلَى دِينِكَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَأَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَكَشَفْتَ بِهِ الْعُمَّاءَ وَاجْتَبَيْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَأَخَيَّتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَيْمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَأَهْلَكْتَ بِهِ الْفِرَاعِنَةَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أضعَفْتَ بِهِ الْأَمْوَالَ وَأَحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ وَكَسَّرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ وَرَحِمْتَ بِهِ الْأَنَامَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ وَأَعَزَّزْتَ بِهِ الْإِيمَانَ وَتَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا».

در کنار ستون توبه

در کنار ستون توبه دو رکعت نماز می‌خوانی و پس از نماز می‌گویی:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُمَّ لَا تُهِنِّي بِالْفَقْرِ وَلَا تُدِلَّنِي بِالذَّنْبِ وَلَا تَرُدَّنِي إِلَى الْهَلَكَةِ وَأَعِصِمْنِي كَيْ أَعْتَصِمَ وَأَصِلِحْنِي كَيْ أَنْصِلِحَ وَاهْدِنِي كَيْ أَهْتَدِيَ،
 اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى اجْتِهَادِ نَفْسِي وَلَا تُعَذِّبْنِي بِسُوءِ ظَنِّي وَلَا تُهْلِكْنِي وَأَنْتَ رَجَائِي وَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَقَدْ أَخْطَأْتُ وَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ تَغْفِرَ عَنِّي وَقَدْ أَفْرَزْتُ وَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ تُقِيلَ وَقَدْ عَثَرْتُ وَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ تُحْسِنَ وَقَدْ أَسَاءْتُ وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، فَوْفُقْنِي لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى وَيَسِّرْ لِي الْبَيْسِيرَ وَجَنِّبْنِي كُلَّ عَسِيرٍ، اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ وَبِالطَّاعَاتِ عَنِ الْمَعَاصِي وَبِالْغِنَى عَنِ الْفَقْرِ وَبِالْجَنَّةِ عَنِ النَّارِ وَبِالْأَبْرَارِ عَنِ الْفُجَّارِ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

نیابت در زیارت

شیخ کلینی قدس سره در آداب زیارت به نیابت، از «حضرت امام موسی کاظم علیه السلام» روایت می‌کند:
 آن گاه که از زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فارغ شدی، دو رکعت نماز می‌خوانی و در بالای سر حضرت می‌ایستی و می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَزَوْجَتِي وَوَلَدِي وَجَمِيعِ حَامَتِي وَمِنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي، حُرِّهِمْ وَعَبِيدِهِمْ وَأَبِيضَتِهِمْ وَأَسْوَدِهِمْ».

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

در روایت است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از حضرت زهرا علیها السلام نقل فرموده، که «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» به من فرمود:

«ای فاطمه کسی که بر تو صلوات بفرستد خداوند او را بیامرزد و او را به من ملحق کند در هر کجا از بهشت باشم».

شیخ طوسی قدس سره می‌فرماید:

«برای زیارت حضرت زهرا علیها السلام بهتر است آن حضرت را در دو جا، روزه منوره و کنار خانه شریف آن حضرت، زیارت کرد».

زیارت اول حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

شیخ طوسی قدس سره در «تهذیب» روایت می‌کند که در زیارت آن حضرت می‌خوانی:

«یا مُتَّخِنُهُ اَمْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا اَمْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَ زَعَمْنَا اَنَّا لَكَ اَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا اَتَانَا بِهِ اَبُوكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ اَتَى بِهِ وَصِيَّتُهُ، فَاِنَّا نَسْأَلُكَ اِنْ كُنَّا صَدَقْنَاكَ اِلَّا اَلْحَقِّينَا بِتَصَدِّقِنَا لَهُمَا، لِنُبَشِّرَ اَنْفُسَنَا بِاَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوِلَايَتِكَ».

زیارت دوم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

شیخ صدوق قدس سره در «فقیه» می‌گوید:

در زیارت آن حضرت می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ اَمِينِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ اَفْضَلِ اَنْبِيَاءِ اللهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ النَّبِيِّهٖ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللهِ وَ خَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اُمَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْحُورِيَّةُ الْاَنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَعْصُومَةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللهِ وَ رَحْمَةَ اللهِ وَ بَرَكَاتِهِ. صَلَّى اللهُ عَلَیْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ مَضِيَّتْ عَلٰى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ وَ اَنَّ مَنْ سَرَكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ اَمَّ وَ سَلَّمَ وَ مَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ وَ مَنْ اَذَاكَ فَقَدْ اَذَى رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ وَ مَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ مَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ، لِاَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَ رُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ، كَمَا قَالَ عَلَيْهِ اَفْضَلُ سَلَامِ اللهِ وَ صِلَاوَاتِهِ، اَشْهَدُ اللهُ وَ رَسُولُهُ اَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلٰى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ اَبْغَضْتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ اَحْبَبْتِ وَ كَفِي بِاللَّهِ شَهِيدًا وَ حَسِيْبًا وَ جَازِيًا وَ مُثْبِتًا».

سپس می‌گویی:

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَ سَلِّمْ عَلٰى عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ خَيْرِ الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ وَ صَلِّ عَلٰى وَصِيَّتِهِ عَلِيٍّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ اِمَامِ الْمُتَسَلِّمِينَ وَ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَ صَلِّ عَلٰى فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِي شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ صَلِّ عَلٰى زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ باقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ صَلِّ عَلٰى الصَّادِقِ عَنِ اللهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلٰى كَاطِمِ الْعَظِيمِ فِي اللهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَ صَلِّ عَلٰى الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ صَلِّ عَلٰى التَّقِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ صَلِّ عَلٰى النَّقِيِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلٰى الزَّكِيِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ صَلِّ عَلٰى الْحُجَّةِ الْقَائِمِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، اَللَّهُمَّ اَحْيِ بِهِ الْعِدْلَ وَ اَمِّثْ بِهِ الْجَوْرَ وَ زَيِّنْ بِبِقَاعِهِ الْاَرْضَ وَ اَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سَيِّئَةَ نَيْبِكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ وَ اجْعَلْنَا مِنْ اَشْيَاعِهِ وَ اَتْبَاعِهِ وَ الْمُقْبُولِينَ فِي زُمْرَةِ اَوْلِيَائِهِ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ، الَّذِيْنَ اَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا».

سپس دو رکعت نماز بگزار و ثوابش را به آن حضرت هدیه کن.

زیارت سوم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

علامه مجلسی قدس سره از «حضرت امام صادق علیه السلام» آورده است که در زیارت مرقد مطهر حضرت زهرا علیها السلام

می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ الْحُجَّجِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومِيَّةُ الْمَغْضُوبَةُ حَقُّهَا.»

سپس می‌گویی: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَابْنِهِ نَبِيِّكَ وَزَوْجَتِهِ وَصَتَى نَبِيِّكَ، صَلَاةً تُزَلِّفُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمَكْرُمِينَ، مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ.»

در روایت است که هر کس حضرت زهرا علیها السلام را با این زیارت، زیارت کند سپس استغفار نماید، خداوند او را می‌آمرزد و به بهشت وارد می‌کند.

زیارت امامان مظلوم بقیع علیهم السلام

زیارت امامان مظلوم بقیع علیهم السلام

فضیلت زیارت

از عبدالله بن عباس نقل شده که «حضرت رسول صلی الله علیه و آله» فرمود که: «هر کس امام حسن علیه السلام را در بقیع زیارت کند قدمش بر صراط ثابت باشد، در روزی که قدمها در آن بلغزد.» در «کامل الزیارات» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «هر کس پدرم (امام محمد باقر علیه السلام) را زیارت کند بهشت از برای اوست، اگر به امامت او اعتقاد داشته باشد و از او پیروی کند.»

در مناقب از «حضرت صادق علیه السلام» روایت شده که فرمود:

«هر کس مرا زیارت کند گناهایش آمرزیده شود و فقیر و پریشان نمی‌میرد.»

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

چون خواستی این بزرگواران را زیارت کنی، پس از غسل به سوی بقیع می‌روی و بر در بقیع می‌ایستی و اجازه ورود می‌طلبی و می‌گویی:

«يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكُمْ وَابْنُ أُمَّتِكُمْ الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَالْمُضْعِفُ فِي عُلوِّ قَدْرِكُمْ وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ، قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ، ءَأَدْخُلُ يَا مَوَالِيَّ، ءَأَدْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ.»

و با خضوع و خشوع و رقت قلب داخل شو و چنانچه با خشوع قلب و چشم‌های اشک‌آلود وارد شوی، علامت قبولی زیارت و اجازه ورود است و در هنگام ورود پای راست را مقدم دار و بگو:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَشَبْحَانَ اللَّهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمِدِ، الْمَاجِدِ الْأَحَدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ، الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِي مَنَّ بِطَوْلِهِ وَسَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ»

پس نزدیک قبور مقدس ایشان برو و رو به مرقد ایشان کن و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَامُ فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَكَذَّبْتُمْ وَأَسَىءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْمَائِمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ وَ

أَنْتُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَآمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَأَنْتُمْ دَعَايْتُمُ الدِّينَ وَارْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بَعَيْنِ اللَّهِ، يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَ يُنْقَلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدْنِسِيكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَ لَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فَتَنُ الْأَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَ طَابَ مَبْتَكُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دَيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آذَنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صِيَلَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، إِذْ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا وَ طَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنْ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ وَ كُنَّا عِنْدَهُ مُسْتَمِينِينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ وَ هَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَ أَخْطَاءٍ وَ اسْتِكَانٍ وَ أَقْرَبَ بِمَا جَنَى وَ رَجَا بِمَقَامِهِ الْخِلَاصِ وَ أَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكَى مِنَ الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغَبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَ اتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا»

سپس سر را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

«يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَشِيهُهُ وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمُنُّ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَ عَرَّفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّدَ عَنْهُ عِبَادَكَ وَ جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ وَ اسْتَحْخَفُوا بِحَقِّهِ وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكَورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَ لَا تُحَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ صِيَلِي اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ». پس دعا کن هر چه خواهی و بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت به جا آور و هر دو رکعت را به یکی از ائمه مظلوم بقیع هدیه نما.

× × ×

مورّخین گفته‌اند که بیشتر اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در بقیع مدفون گشته‌اند، هر چند مدفن غالب آنان مشخص نیست و فقط برخی از آنها که عنایت خاص به حفظ آن بوده است، از حوادث تاریخ مصون مانده که از آن جمله است: قبرهای جناب عباس عموی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلّم، حضرت فاطمه بنت اسد، جناب ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم، دختران پیامبر «زینب، امّ کلثوم، رقیه»، عمه‌های پیامبر «جناب عاتکه و صفیه»، حضرت فاطمه امّ البنین مادر حضرت ابوالفضل العباس، همسران پیامبر (غیر از حضرت خدیجه و میمونه)، عقیل بن ابی طالب، عبدالله بن جعفر بن ابی طالب و شهدای خزّه و اُحُد و حضرت حلیمه سعدیه مادر رضاعی پیامبر و صحابی بزرگوار جناب عثمان بن مظعون.

بهترین زیارت مؤمنین

در منابع حدیثی برای زیارت مرقد حضرت فاطمه بنت اسد و جناب ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم، زیارت مخصوصی وارد شده است و در سایر مراقد شایسته است زیارتهای معتبر عمومی خوانده شود. از بهترین زیارات، زیارت کردن مؤمنین است با هفت مرتبه خواندن سوره «أنا انزلناه»، چنانچه در روایات معتبر آمده و بر آن فواید بسیاری - چون در امان بودن از ترس روز قیامت - ذکر شده است. در صحیححه عبدالله بن سنان از «حضرت صادق علیه السلام» نقل شده که در زیارت اهل قبور بگو:

«السَّلَامُ عَلَيَّ أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ، أَنْتُمْ لَنَا فَرْطٌ وَ نَحْنُ أَنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِاحِقُونَ».

زیارت فاطمه بنت اسد علیها السلام (مادر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام)

«السَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ سَيِّدِ الْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ الْهَاشِمِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيُّهَا الصَّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّبِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيُّهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَرَبَّيْتُهَا لَوْلِيَّ اللَّهُ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَيَدَيْكَ الطَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَاعِدِكَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنُ نَبِيِّ الْكَفَالَةِ وَأَدْوَيْتِ الْأَمَانَةَ وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ وَبَالَغْتِ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةً بِبُيُوتِهِ، مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ، كَافِلَةً بِتَرْبِيَّتِهِ، مُشْفِقَةً عَلَى نَفْسِهِ، وَاقِفَةً عَلَى خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَةً رِضَاهُ، مُؤَثَّرَةً هَوَاهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى الْإِيمَانِ وَالتَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ، رَاضِيَةً مَرْضِيَةً، طَاهِرَةً زَكِيَّةً، نَقِيَّةً نَقِيَّةً، فَرَضِيَةَ اللَّهِ عَنْكَ وَأَرْضَاكِ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوَاكِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا وَتَبْنِي عَلَيَّ مَحَبَّتَهَا وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا وَأَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَيْدَاءً مَا أَبْقَيْتَنِي وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زَمْرَتِهَا وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ، اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ».

زیارت ابراهیم فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى صِدْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ وَخَيْرِهِ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَالسَّعِيدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسَمَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي خَيْرِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي الْمُبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجَانِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي صَاحِبِ الرَّايَةِ وَالْعَلَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ إِنْعَامِهِ، قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ، أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ، فَتَقْلَقَ إِلَيْهِ طَيِّبًا زَاكِيًا مَرْضِيًا طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ، مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَبَوَآكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صِلَاةً تَقْرُبُهَا عَيْنُ رَسُولِهِ وَتُبْلِغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صِلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا وَأَنْمَى بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، مُحَمَّدِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ، أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً وَعَاقِبَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً وَخَوَائِجِي بِهِمْ مَفْضِيَّةً وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً وَأُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً وَسُؤُورِي بِهِمْ مَحْمُودَةً. اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ وَنَفْسِ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَضِيقٍ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ وَامْنَحْنِي ثَوَابَكَ وَأَسْكِنْنِي جَنَّاتِكَ وَأَرْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَأَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْمَيُوتِ، إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».

پس حاجت‌های خود را می‌خواهی و دو رکعت نماز زیارت می‌گزاری.

زیارت حضرت حمزه علیه السلام (عموی گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) در احد

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسِيدَ اللَّهِ وَأَسِيدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ وَنَصَّحْتَ رَسُولَ اللَّهِ وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، يَا بَنِي أَنْتَ وَأُمِّي، أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ وَمُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خِلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَرَعًا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتُكَ مِنْ شِقْمِهِ بَعِيدَةً، طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ وَقَدْ أَوْقَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي وَأَتَيْتُ مَا أَسِخَطَ رَبِّي وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْرَعُ

إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَقْرِي وَحَاجَتِي، فَقَدْ سَدَّتْ إِلَيْكَ مَحْرُوبًا وَآتَيْتَكَ مَكْرُوبًا وَسَكَبْتُ عَجْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا وَصَدَّتْ إِلَيْكَ مُفْرَدًا وَأَنْتَ مَمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ وَحَثَّنِي عَلَى بِرِّهِ وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ وَهَدَانِي لِحُبِّهِ وَرَغْبَتِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ وَالْهَمْنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ لَا- يَشْقَى مَنْ تَوَلَّيَكُمْ وَلَا- يَخِيبُ مَنْ آتَيْكُمْ وَلَا- يَخْسِرُ مَنْ يَهْوِيكُمْ وَلَا يَسِيءُ عَدُوٌّ مِنْ عَادِيكُمْ»

پس رو به قبله می کنی و دو رکعت نماز زیارت به جا می آوری و می گویی:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِيُجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ وَ سَخَطِكَ وَمَقْتِكَ، فِي يَوْمٍ تَكْتَفُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَتَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ وَتُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَرَحَّمْنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ وَ إِنْ تَعَايَبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عِبْدِهِ وَلَا تُحَيِّنِي بَعْدَ الْيَوْمِ وَلَا تُضِرِّفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَرَجَاءِ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَعِذْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَبِرَأْفَتِكَ عَلَى جَنَائِيهِ نَفْسِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي وَ مَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي وَ لَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ، فَانْظُرِ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، فَبِهِمَا فُكِنِي مِنَ النَّارِ وَلَا تُخَيِّبْ سَعْيِي وَلَا يَهْوِنَنَّ عَلَيَّكَ ابْتِهَالِي وَلَا تُحَجِّبَنَّ عَنْكَ صَوْتِي وَلَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي، يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَ مَحْرُوبٍ وَ يَا مُفْرَجًا عَنِ الْمُلْهُوفِ الْحَيْرَانِ الْغَرِيقِ الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً لَا أَشْقَى بَعْدَهَا أَبَدًا وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَ عَجْرَتِي وَ انْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تَرُدَّ أَمْلِي، اللَّهُمَّ إِنْ تَعَايَبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عِبْدِهِ وَ جَزَائِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَلَا- أَحْيَبَنَّ الْيَوْمَ وَلَا- تُضِرِّفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي وَلَا- تُحَيِّنَنَّ شُحُوصَتِي وَوَفَادَتِي، فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفْسِي وَآتَعَبْتُ يَدَيَّ وَ قَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ وَ حَلَفْتُ الْآهْلَ وَالْمَالَ وَ مَا حَوَّلْتَنِي وَ آثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَى نَفْسِي وَ لَبَدْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، فَعِذْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَبِرَأْفَتِكَ عَلَى ذَنْبِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ».

زیارت شهدای احد

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ، عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَاصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ دَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ عَنْ نَبِيِّهِ وَ جَدَّتُمْ بِنَفْسِكُمْ دُونَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ، فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَ عَنْ الْإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَ عَزَّفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَ مَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيَاكُمْ رَفِيقًا، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حَزَبُ اللَّهِ وَ أَنَّ مِنْ حَارِبِكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهُ وَ أَنَّكُمْ لِمَنْ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ، الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ، آتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَ بِحَقِّكُمْ عَارِفًا وَ بَزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا وَ بِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَ مَرْضِيَّةِ الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ وَ عَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ غَضَبُهُ وَ سَخَطُهُ، اللَّهُمَّ أَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ وَ بَسِّتِي عَلَى قُصْدِهِمْ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ بِكُمْ لِأَحْقُونَ» وَ بخوان سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را هر قدر که می توانی.

دعای مسجد فتح

معاویة بن عمار از «حضرت صادق علیه السلام» نقل می کند که حضرت فرمود:

در مسجد فتح این دعا را می خوانی:

«يَا صَبْرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، اكْشِفْ عَنِّي هَمِّي وَ غَمِّي وَ كَرْبِي، كَمَا كَشَفْتَ عَن نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ كَرْبَهُ وَ

كَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فِي هَذَا الْمَكَانِ».

زیارت وداع رسول اکرم صلی الله علیه و آله

هرگاه خواستی از مدینه بیرون روی، غسل کن و نزد قبر پیغمبر برو و آن حضرت را زیارت کن، پس وداع کن آن حضرت را و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَ أَسْتَرْعِيكَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِمَا جِئْتُ بِهِ وَ دَلَّلْتُ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ».

«حضرت صادق علیه السلام» در وداع قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله به یونس بن یعقوب فرموده که بگو: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

زیارت وداع ائمه بقیع علیهم السلام

شیخ طوسی رحمه الله و سید ابن طاووس رحمه الله گفته‌اند که در وداع ایشان بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَ دَلَّلْتُمْ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ».

پی‌نوشت

- (۱) - گفته‌اند آن باب در مقابل «باب السلام» کنونی بوده است.
- (۲) - گوشه‌ای از خانه است که قبل از زاویه حجرالاسود قرار گرفته است.
- (۳) - قسمتی از پشت کعبه که نزدیک رکن یمانی و روبروی درِ خانه کعبه واقع شده است.
- (۴) - وادی ابطح محدوده‌ایست که هم اکنون در مکه قرار گرفته و حوالی میدان معاویه است.
- (۵) - سرزمینی است که قدری از مشعر فاصله دارد و به منا متصل است.
- (۶) - بحار الانوار ج ۹۲، ص ۲۰۵، ح ۵.
- (۷) - کافی، ج ۲، ص ۶۱۲، ح ۴.
- (۸) - بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۹۹، ح ۱۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

